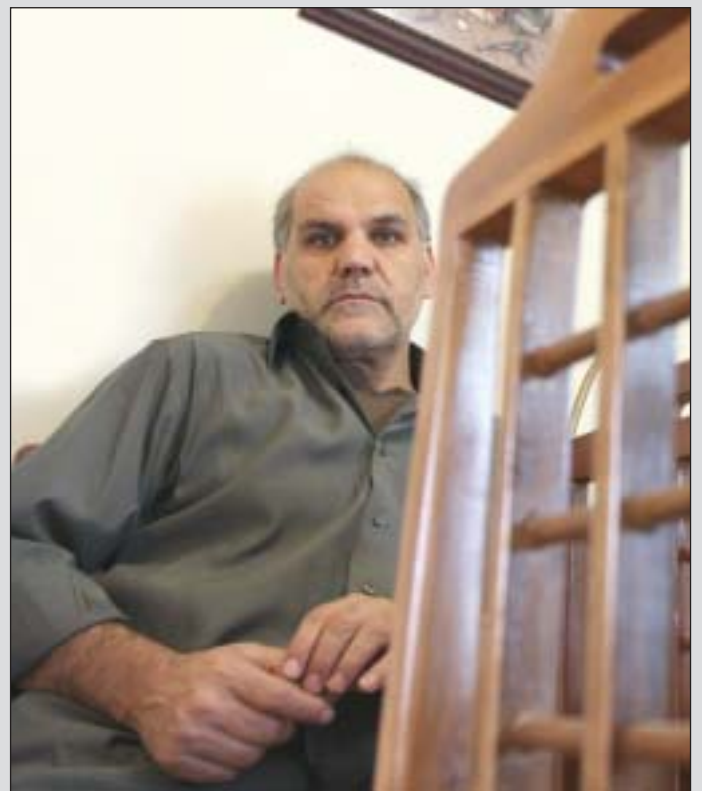


مؤلف «نخل و نی» کسی را مطلق نمی بیند راوی «دا» برای فیلمنامه هم شرط دارد



«نخل و نی» و «دا» تازه ترین آثار مطرح درباره خرمشهرند که هر دو از منظر تاریخی به این شهر پر یادگار دوران دفاع مقدس نگریسته اند. «نخل و نی» از آغاز سرگذشت خرمشهر را پی گرفته است و «دا» ذره بین تجاوز ارتش صدام به این شهر است. باور خالقان هر دو اثر این است که در روایت شان جایگاه مردم را در سال های مقاومت و پایداری، بزرگ و واقعی دیده اند. کتاب هفته با رضا رئیسی، نویسنده «نخل و نی» و سیده زهرا حسینی، راوی کتاب «دا» به گفت و گو نشست است.

۱۶-۱۷

شنبه ۲ خرداد ۱۳۸۸
۲۸ جمادی الاول ۱۴۳۰، ۲۳ می ۲۰۰۹
شماره ۱۸۲، پیاپی ۸۳۳
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir



فوتتس:
دردهای آدمی
تمام نشدنی اند
۲۳



نیاز کتاب
کودک و نوجوان
به ویتترین
۱۴



تجلیل: قرآن
مؤلفه زیبایی
همه کتاب ها
۷

تقدیر از بانوان محجبه نمایشگاه

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تقدیر بانوان محجبه دست اندرکار نمایشگاه کتاب تهران در آینده ای نزدیک خبر داد. محسن پرویز در مراسم اختتامیه بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران گفت: «از بانوان غرغه دار و دست اندرکار که حجاب کامل خود را در طول برگزاری نمایشگاه، خداپسندانه حفظ کردند تقدیر خواهد شد.» تعداد بانوانی که قرار است تقدیر شوند چند صد نفر از بخش های مختلف فروشندگان، خبرنگاران، غرغه داران و نیروهای اجرایی خواهند بود. حمیدقبادی، مشاور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در تبیین دلایل تقدیر از بانوان محجبه غرغه دار، سختی کار در شرایط ویژه نمایشگاه کتاب را به عنوان یکی از شاخص ها برشمرد.

جهان شیعه در سوگ آیت الله العظمی بهجت



آیت الله العظمی محمدتقی بهجت، از علمای اعلام این دوران و مرجع تقلید، ساعت ۱۵ و ۱۰ دقیقه روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه در سن ۹۶ سالگی و به دلیل ایست قلبی، در بیمارستان ولی عصر (عج) قم دار فانی را وداع گفتند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای و بسیاری از شخصیت های دینی و مذهبی در پیام های جداگانه درگذشت این عالم ربانی را تسلیت گفتند. پیکر این عالم ربانی روز سه شنبه ۲۹ اردیبهشت در جوار بارگاه کریم اهل بیت حضرت معصومه (س) در قم به خاک سپرده شد. آیت الله العظمی محمدتقی بهجت تحصیلات ابتدایی حوزه را در مکتبخانه فومن به پایان رساند و پس از گذراندن دوره ادبیات عرب، سال ۱۳۴۸ هجری قمری در ۱۴ سالگی، برای تکمیل دروس حوزوی عازم عراق شد. حدود چهار سال در کربلا اقامت کرد و علاوه بر تحصیل علوم رسمی از محضر استادان بزرگ آن زمان بهره برد. وی در محضر آیات عظامی نظیر حاج سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ محمد کاظم شیرازی تحصیل کرد و همزمان به تدریس سطوح عالی پرداخت و در تالیف کتاب «سفینه البحار» با محدث کبیر حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری کرد. همچنین با آیت الله علامه قاضی (ره) آشنا شد و در شمار شاگردان اخلاقی - عرفانی ایشان قرار گرفت. این اندیشمند شیعی، علاوه بر سیر و سلوک، در عرفان و فلسفه نیز تبیحری خاص داشت و در این زمینه نیز از ایشان آثار و تألیفات شایسته ای برجای مانده که راهنمایی جامع برای رهروان راه حق است. آیت الله العظمی بهجت (ره) دارای تألیفات متعددی در زمینه فقه و اصول اند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکردند، علاوه بر رساله توضیح المسائل (فارسی و عربی) از این مرجع عالیقدر شیعی، کتاب هایی چون مناسک حج، وسیله النجاه جامع المسائل، تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، دوره اصول، دوره طهارت، دوره خمس و حج، دوره زکات، حاشیه بر ذخیره العباد شیخ محمد حسین غروی و یک دوره فقه فارسی باقی مانده اند. گسترش و نشر اندیشه های آسمانی این عالم فقید نیازمند همت و تلاشی است تا دنیای شیعه را بیش از پیش با اندیشه و افکار ایشان آشنا سازد.

نمایشگاه کتاب آینده کلید خورد

مشاور معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از برنامه ریزی برای انتخاب و تعیین اعضای شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب خیر داد. حمید قبادی در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر گفت: «برنامه ریزی برای انتخاب و تعیین اعضای شورای سیاستگذاری به زودی و بلافاصله بعد از تصویب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز می شود.» وی با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری در ماه آینده، تصریح کرد: «برگزاری نمایشگاه کتاب یک حرکت فرهنگی است و صرف نظر از مسائل سیاسی کار خود را انجام می دهد. بنایست کارهای فرهنگی برای مسائل سیاسی تعطیل شود و اصولاً برنامه ریزی های فرهنگی نباید مشروط و معطوف به نتایج سیاسی باشند.» وی همچنین از ارائه گزارش عملکرد نمایشگاه بیست و دوم به وزیر ارشاد خبر داد و گفت: «کمیت های برگزاری نمایشگاه کتاب، گزارش خود از برگزاری این نمایشگاه را به وزیر ارشاد عرضه می کنند و در جلسه ای با حضور وزیر، نقاط قدرت و ضعف این نمایشگاه بررسی می شود تا راهکارهای برنامه ریزی برای نمایشگاه بیست و سوم مشخص شود.»

در کار فرهنگی نباید مساله پول و بودجه، یک مشکل عمده به حساب آید؛ به این معنا که مشکلات و نقایص فرهنگی را در ردیف نیازهای بودجه‌ای و در آخرهای لیست قرار ندهیم؛ بلکه در اول‌های لیست - اگر نگوییم در ردیف اول - قرار بدهیم. اگر درست فکر نکنیم، این به صرفه اقتصادی مملکت هم است. یعنی از اینکه بودجه و امکانات بیشتر را به کارهای فرهنگی - به خصوص فرهنگ آموزشی - متوجه کنیم، کشور زیان نخواهد کرد؛ زیرا که خود این برای آینده کشور تولید امکانات می‌کند.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۶۸/۹/۲۱

معاون برنامه ریزی وزیر ارشد: سرانه فضای مطالعه دو و نیم برابر می شود

معاون برنامه ریزی و توسعه وزیر ارشد از تصمیم جدیدی خبر داد که بر اساس آن فضای مطالعه ایرانیان از ۷۲ متر مربع به سه متر مربع می‌رسد. مجید یارمند گفت: در برنامه پنجم توسعه نظام جمهوری اسلامی، برای بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پیش‌بینی‌هایی شده است. برنامه حوزه فرهنگ ۲۰ حکم جدید دارد که یکی از آنها به کتاب و کتابخانه مربوط می‌شود. بر اساس این حکم، سرانه زیربنای کتابخانه‌های عمومی کشور، از ۷۲ متر مربع فعلی برای ۱۰۰ نفر، تا پایان سال ۱۳۹۳ به سه متر مربع می‌رسد. وی خاطر نشان کرد: البته در این شاخص هنوز از بسیاری از کشورها که سرانه فضای مطالعه ۹ تا ۱۰ متری دارند، بسیار عقبیم.

به گفته وی، بر اساس این حکم تا پایان برنامه پنجم توسعه سرانه کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ها از نیم نسخه فعلی برای ۱۰۰ نفر به ۷۵ نسخه می‌رسد. یارمند با اشاره به این که تحقق اهداف کتابخوانی برنامه پنجم به ۶۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد گفت: این حکم در کمیسیون اولیه تصویب شده و تا پایان خرداد سال جاری به تصویب کمیسیون عالی برنامه پنجم توسعه خواهد رسید.

معاون برنامه ریزی و توسعه وزیر ارشد، همچنین با اشاره به این که در طرح جامع مصوب در هیئت امنای نهاد کتابخانه‌های عمومی به مناطق محروم توجه خاص شده است افزود: توسعه کتابخانه‌های مساجد و ساخت کتابخانه در جوار امازاده‌ها و بقاع متبرک، در پیشبرد اهداف برنامه پنجم توسعه موثر است. یارمند تأکید کرد: کتاب و کتابخوانی به عنوان یکی از محورهای اصلی توسعه فرهنگی کشور ظرفیت‌های خوبی دارد، ولی هنوز مطلوب نیست.

رمان به جایزه «یوسف» افزوده شد

جایزه ادبی «یوسف» که تاکنون به داستان‌های کوتاه دفاع مقدس اهدا می‌شد، امسال در چهارمین دوره به داستان بلند و رمان هم جایزه می‌دهد. مسعود امیرخانی؛ دبیر اجرایی این جایزه با بیان این مطلب گفت: «امسال بخش رمان و داستان بلند دفاع مقدس به جایزه ادبی «یوسف» افزوده شده است و در جلسه شورای سیاستگذاری این مسابقه، جزئیات کار مشخص و فراخوان نیز به زودی اعلام خواهد شد.»

دوره پیشین جایزه ادبی «یوسف» داستان کوتاه دفاع مقدس به همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و با مشارکت دفتر آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، فرهنگسرای پایاداری و شبکه تهران با دبیری علمی خسرو باباخانی برگزار شد.

با بیانیه‌ای از سوی هیئت داوران

ناشران و غرفه‌های برگزیده نمایشگاه معرفی شدند

برگزیده در این دوره بودند.

هیئت داوران انتخاب غرفه برگزیده نیز با بررسی شاخص‌هایی چون عرضه کتاب‌های جدی و اثرگذار بر جامعه، تنوع و تعداد کتاب‌های عرضه شده، تعداد عناوین چاپ اول، میزان و محتوای فعالیت‌های جنبی ناشر، نحوه ارتباط با بازدیدکنندگان، رعایت ضوابط و مقررات نمایشگاه، فضا سازی و تزئین غرفه و همکاری و مشارکت با مدیران سالن و مسئولان نمایشگاه برگزیدگان این بخش را به شرح زیر اعلام کردند:

در بخش ناشران حوزه عمومی، مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی در بخش دولتی و انتشارات فاطمی در بخش خصوصی برگزیده شدند. در حوزه ناشران دانشگاهی، در بخش دولتی انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) و در بخش خصوصی انتشارات آیی‌غرفه‌های برتر شناخته شدند.

حوزه ناشران آموزشی در بخش دولتی ناشر برگزیده نداشت و انتشارات مبتکران در بخش خصوصی به عنوان ناشر برگزیده شناخته شد. حوزه ناشران کودک و نوجوان در بخش دولتی، برگزیده نداشت و در بخش خصوصی، انتشارات آفق به عنوان غرفه برگزیده معرفی شد.

انتشارات اسراء در بخش بزرگسال ناشران شهرستانی و انتشارات عروج اندیشه در بخش کودک و نوجوان نیز به عنوان غرفه‌های برتر معرفی شدند.



انقلاب اسلامی، سوره مهر، مجموعه انتشارات وابسته به آستان قدس رضوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و شاهد.

شرکت ویژه نشر در بخش نمایش رایانه‌ای لاتین و شرکت «مگرویل» در بخش فروش ریالی لاتین به عنوان ناشران برگزیده سال انتخاب شدند. در بخش فروش ریالی عربی موسسه خدمات دانش کتیبه، در بخش کشورها، ترکیه، در بازار جهانی کتاب، انتشارات علمی و فرهنگی، انتشارات خانه فرهنگ و هنر گویا و انتشارات گاج از جمله ناشران

در آیین پایانی بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ناشران برگزیده سال ۱۳۸۷ در بخش‌های بزرگسال، کودک و نوجوان، بین‌الملل و ویژه و همچنین غرفه‌های برگزیده در بخش‌های عمومی، دانشگاهی، آموزشی، کودک و نوجوان و شهرستانی در دو بخش دولتی و خصوصی مورد تجلیل قرار گرفتند.

ناشران برگزیده در بخش بزرگسال عبارت بودند از: نشر نی در بخش خصوصی، انتشارات دلیل مادر بخش ناشران شهرستانی و انتشارات سوره مهر و بوستان کتاب قم در بخش ناشران وابسته به دستگاه‌های دولتی.

در بخش ناشران کودک و نوجوان انتشارات پیدایش و محراب قلم از تهران و در بخش ناشران وابسته به دستگاه‌های دولتی، موسسه فرهنگی مدرسه برهان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان ناشران برگزیده معرفی شدند. در بخش ناشران شهرستانی کودک و نوجوان نیز به دلیل ضعف نسبی آثار، هیچ ناشری به عنوان برگزیده اعلام نشد.

ناشران برگزیده در بخش ویژه نیز به این ترتیب اعلام شدند: الهدی، قدر ولایت، مرکز اسناد و بررسی‌های تاریخی، مجمع جهانی اهل بیت، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، دارالتقريب بين المذاهب اسلامی، انتشارات مدرسه، موسسه بوستان کتاب قم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران

بازتاب‌های نمایشگاه کتاب | آلودگی صوتی، بزرگترین مشکل نمایشگاه

کردم گفتند تمام شده، اغلب کتاب‌های خوب در همان دو روز اول نایاب شدند. گرمارودی استقبال بازدیدکنندگان را از نمایشگاه بیست و دوم بیشتر از سال‌های گذشته دانست و یادآور شد: امسال برخی مشکلات که در سال‌های قبل می‌دیدیم وجود نداشت و گمان می‌کنم هر سال بخشی از نقایص برطرف می‌شود و نمایشگاه بهتر از سال قبل برگزار می‌شود. وی آلودگی صوتی را بزرگ‌ترین مشکل نمایشگاه کتاب عنوان کرد و گفت: صدای تبلیغ دائمی در نمایشگاه، اعصاب را خرد می‌کند و مردم مدام باید صدای این تبلیغات را تا زمانی که در مصیبت حضور داشتند بشنوند و هیچ جایی از نمایشگاه نبود که از این صداها در امان مانده باشد. وی در پایان تصریح کرد: با وجود این همه راه‌هایی که برای تبلیغات و اطلاع‌رسانی هست چه ضرورتی دارد که مدام از پشت بلندگو این صداها را بر سر ما بکوبند؟ به نظر ما اگر چیزی نگویند بهتر است.

علی موسوی گرمارودی، شاعر، با اشاره به استقبال انبوه از نمایشگاه کتاب گفت: شگفت زده شدم از این که در روز دوم نمایشگاه هر کتابی که می‌خواستیم بخرم، در کنار نمونه کتاب نوشته شده بود: تمام شد! این شاعر، مترجم و پژوهشگر حوزه ادبیات در گفت‌وگو با کتاب هفته با بیان مطلب فوق و با گله‌مندی از این که کتاب‌های خوب در بخش ناشران خارجی در همان دو روز اول نایاب شده بود گفت: من در همان روزهای آغازین نمایشگاه در بخش کتاب‌های خارجی سراخ هر کتابی که رفتم گفتند تمام شده، هر چند نمونه کتاب‌ها هنوز بودند، اما وقتی به قسمت کامپیوتر مراجعه می‌کردیم می‌گفتند تمام شده و البته بعضی کتاب‌ها هم در انبار موجود نبود و کتاب‌هایی را که برایشان فیش صادر شده بود قرار شد برایشان بفرستند.

شاعر «صدای سبز زندگی» درباره یکی از کتاب‌های مورد علاقه‌اش اظهار داشت: می‌خواستم کتاب «نامه‌های هایدگر به همسرش» را بخرم اما وقتی سوال

مدیر روابط عمومی نشر نی: داوری امسال دقیق بود

مدیر روابط عمومی نشر نی، ناشر برگزیده نمایشگاه کتاب با اشاره به داوری نمایشگاه امسال گفت: امسال در انتخاب ناشر برتر علاوه بر تعداد عناوین آثار منتشر شده، مجموع تعداد صفحات کتاب هم در داوری‌ها مورد توجه قرار گرفته بود.

محمد رضا نعمت‌پور، مدیر روابط عمومی نشر نی (از ناشران برگزیده بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب) در گفت‌وگو با کتاب هفته در نظر گرفتن تعداد صفحات کتاب‌ها را در امر داوری از نقاط قوت نمایشگاه امسال عنوان کرد و گفت: «به نظر می‌رسد این ملاک برای داوری قدری دقیق‌تر و معتبرتر است، چون یک ناشر ممکن است مثلاً ۱۰ عنوان کتاب را در ۵ هزار صفحه چاپ و ناشر دیگری همان ۱۰ عنوان را در ۱۰ هزار صفحه چاپ کند، بنابراین تعداد عناوین به تنهایی نمی‌تواند ملاک برتری یک ناشر باشد، ضمن این که کیفیت و محتوای کتاب هم خیلی مهم است.»

وی با یادآوری این که یک سوم کتاب‌های چاپ اول نشر نی آثار تالیفی و دوسوم آنها آثار ترجمه‌ای بودند، اظهار داشت: نشر نی در نمایشگاه امسال ۶۸ عنوان کتاب چاپ اول داشت و ۱۲۰ عنوان کتاب تجدید چاپ که همراه مجموع کتاب‌هایی که در دو سه سال گذشته به نمایشگاه آورده بود حدود ۵۰۰ عنوان کتاب را در نمایشگاه بیست و دوم عرضه کرد. او افزود: جامعه‌شناسی، فلسفه، اقتصاد، هنر، ادبیات و سینما از جمله حوزه‌های موضوعی نشر نی در آثار ارائه شده در نمایشگاه امسال بود.

سوره مهر

فروشگاه زنجیره‌ای تأسیس می‌کند



مدیرعامل انتشارات سوره مهر از تأسیس مجموعه شبکه فروشگاه‌های زنجیره‌ای این انتشارات در کشور خبر داد.

محمد حمزه زاده در گفت‌وگو با کتاب هفته با اعلام خبر تأسیس این فروشگاه‌ها، اظهار داشت: «امسال بناداریم در پنج شهر بزرگ، این فروشگاه‌ها را ایجاد کنیم و به تقاضاهای استانی در مورد کتاب‌های خودمان پاسخ دهیم.» او همچنین گفت: «انتشارات سوره مهر در بخش ویژه ناشر تخصصی آثار مکتوب حوزه هنری است که گرچه به اندازه عمر خود حوزه - که حدود ۲۸ سال است - فعالیت دارد، اما این انتشارات از سال ۷۸ به طور مستقل فعالیت خود را آغاز کرده است.»

وی افزود: «انتشارات سوره مهر امسال با ۱۶۰ عنوان کتاب چاپ اول در حوزه‌های ادبیات داستانی، پژوهش‌هایی در زمینه هنر، ادبیات دفاع مقدس، ادبیات انقلاب، شعر، نمایش، تجسمی و سینما در نمایشگاه حضور پیدا کرد.» او یادآور شد: «مجموع کتاب‌های انتشارات سوره مهر با تجدید چاپی‌ها حدود ۵۰۰ نوبت چاپ بوده است.»

مدیرعامل انتشارات سوره مهر درباره ملاک‌های انتخاب ناشران برگزیده اظهار داشت: «آمار کمی یعنی تعداد کتاب‌های چاپ اول و تجدید چاپ، فعالیت‌های جنبی ناشران در حوزه‌های مرتبط، کیفیت فنی آثار تولید شده، کیفیت محتوایی آثار و همچنین جوایز و عناوین مختلفی که ناشر در طول سال کسب کرده، همه روی هم مبنای قضاوت درباره ناشران بوده است.»

جهان، ایران را با خیام می شناسد

محمدحسین صفار هرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۸ اردیبهشت در همایش روز ملی خیام در نیشابور خواستار برنامه ریزی برای نهادینه شدن نام و آثار این شاعر ایرانی شد.

همایش روز ملی خیام صبح روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت در شهر نیشابور، زادگاه خیام، با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جمعی از اندیشمندان، خیام پژوهان، استادان دانشگاه در رشته زبان و ادب فارسی و برخی از شاعران در فرهنگسرای سیمیرغ شهر نیشابور برگزار شد.

صفار هرندی در این همایش با اشاره به این که در جهان، ایران را با نام خیام می شناسند، بر این واقعیت صحنه گذاشت که آثار خیام موجب ایجاد فرهنگی غنی در سطح کشور شده است.

وی تاکید کرد: خیام شخصیتی است که همه ما مدیون او هستیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهر نیشابور را «پیشانی علمی و فرهنگی کشور» لقب داد و گفت: اگر این شهر همچنان شهر الهام بخش فرهنگ است، به واسطه پیشینه عمیق تاریخی و فرهنگی آن است. از همین رو این منطقه محل غبطه ساکنان همه سرزمین هاست.

وی خواستار برنامه ریزی برای نهادینه شدن نام و آثار خیام در کشور شد و از تصمیم معاونت سینمایی وزارت ارشاد برای ساخت یک فیلم سینمایی با موضوع خیام خبر داد که به گفته او عملیات اجرایی آن در سال



آینده آغاز می شود.

صفار هرندی همچنین تاکید کرد: می توان برای شخصیت های فرهنگی و مذهبی این دیار کهن از جمله فضل بن شاذان، سریال تلویزیونی ساخت.

در ادامه این همایش مقبره خیام نیشابوری در مراسم گل باران شد.

حکیم غیاث الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری، ریاضیدان، ستاره شناس و شاعر ایرانی قرن ششم هجری، ۹۶۱ سال پیش در نیشابور دیده به جهان

گشود.

در منابع کهن، از خیام به نام های خیامی و خیامی النیسابوری هم یاد شده است. او از ریاضیدانان، ستاره شناسان و شعرای بنام ایران در دوره سلجوقی است. گرچه به باور برخی، پایگاه علمی خیام برتر از جایگاه ادبی او است و در این حوزه لقب «حجه الحق» دارد، ولی آوازه اش در سده اخیر عمدتاً به خاطر رباعیاتی است که امروزه شهرت جهانی دارند.

همزمان با روز جهانی عمر خیام در ۲۸ اردیبهشت

چهره های ادبی درباره خیام گفتند

همزمان با روز جهانی حکیم عمر خیام شاعر پرآوازه ایرانی (۲۸ اردیبهشت) و در حاشیه برگزاری همایش هایی در بزرگداشت او، برخی چهره های ادبی تحلیل هایی درباره شخصیت و آراء وی ارائه دادند. عبدالعلی دستغیب، مترجم و منتقد ادبی با تصریح این نکته که زندگی خیام برخلاف زندگی بسیاری از دانشمندان و شاعران ما کاملاً روشن و واضح است، درباره اشعار خیام گفت: «این که هزاران رباعی در طول تاریخ درباره بدی زهد و طلب عشرت گفته شده و سرایندگان آنها را به خیام نسبت داده اند تا بلکه این سروده ها حفظ شوند، میزان نفوذ خیام را نشان می دهد.»

مرتضی کاخی، پژوهشگر حوزه ادبیات نیز درباره باورهای فلسفی خیام اظهار داشت: «خیام معتقد است که مابین دو عدم محدود شده ایم. فرصتی به تو می دهند به اسم حیات، از این فرصت استفاده کن، لذت ببر و غنیمت شمار ولی او نمی گوید لذت چیست و تشخیص آن را به خود افراد وامی گذارد.»

عنایت سمیعی، شاعر و منتقد ادبی نیز شعر خیام را شعری هستی شناسانه توصیف کرد و گفت: «خیام به لحاظ مشرب فکری و فلسفی اش، بیشتر فیلسوف و حکیم و ریاضیدان بوده تا شاعر و در همان ۷۰ رباعی که گفته، به دلیل همان بینش، نگاهی فلسفی به جهان را در شعرهای خود به نمایش گذاشته است.»

موسی بیدج، شاعر و نویسنده ایرانی نیز در همایشی که در بزرگداشت خیام در کویت برگزار شد، اظهار داشت: «خیام یکی از ستارگان درخشان تاریخ فرهنگ اسلامی در ایران به شمار می رود و به رغم جایگاهی که در عرصه فرهنگ ایران به خود اختصاص داده، شخصیت، آثار و شیوه زندگی اش همچنان با نوعی ابهام مواجه است.»

پرویز خائفی نیا، شاعر و محقق حوزه ادبیات هم در مقایسه ای میان دیدگاه خیام با آراء برخی نمایندگان مکتب اگزیستانسیالیسم نظیر سارتر، گفت: «این اندیشه یعنی غنیمت شماری دم، همان سخنی است که امروز در ابعاد دیگر به نام اگزیستانسیالیسم و اومانیسم از شخصی مانند ژان پل سارتر می شنویم. یعنی جهان براساس هیچ انگاری هاست. خیام همان دم های گذران زندگی را اعتبار هستی می داند و مانند سارتر شناخت انسان را محور جهان بینی خود قرار می دهد. ولی خیام از سارتر فراتر می رود و از خودشناسی به خداشناسی می رود.»

با حضور چهره های فرهنگی | سومین یادواره فردوسی و شاهنامه برگزار شد

سومین همایش «یادواره فردوسی و شاهنامه» ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت با همکاری انجمن فرهنگی بیستون و گنجینه نقش جهان و با یاری هفته نامه امرداد، چند انجمن مردم نهاد، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و کمیسیون ملی یونسکو در ایران، در مجموعه تاریخی نیاوران برگزار شد.

در این همایش که با حضور جمع کثیری از اهالی فرهنگ و شخصیت های برجسته هنری و ادبی برگزار شد، علاوه بر ایراد سخنرانی توسط استادان حاضر در این همایش، برنامه هایی نظیر عرضه کتاب و پوسترهای شاهنامه، بخش فیلم کوتاه، اجرای نمایش و شاهنامه خوانی نیز اجرا شد.

در ادامه، مختصری از آرای سخنرانان حاضر در این همایش درباره فردوسی و اثر ماندگار او (شاهنامه) از نظر می گذرد:

محمد دولت آبادی، نویسنده: در بررسی شاهنامه دو دیدگاه وجود دارد، یک دیدگاهی که کوشد معرفت موجود در شاهنامه را دریابد، دیگری می کوشد

از بیرون به شاهنامه بنگرد و نگاهی ناسیونالیستی افراطی به آن داشته باشد که به باور من، دیدگاه دوم درست نیست.

بابک سلامتی، شاهنامه پژوه: اگر بخواهیم شاهنامه را بشناسیم باید فردوسی را بشناسیم، زیرا شناخت هیچ اثر هنری بدون شناخت خود هنرمند میسر نیست. محمد علی اسلامی ندوشن، نویسنده: بی تردید اگر شاهنامه نبود، ادبیات فارسی جریان دیگری پیدا می کرد چرا که همه آثار بزرگی که در زبان ما پدید آمده اند پرتوی از شاهنامه روی آنهاست؛ این کتاب افق بزرگی در مقابل جهان ادب فارسی باز کرد.

قطب الدین صادقی، کارگردان تئاتر: شاهنامه زبانی غنی دارد و سرشار از ارزش های آوایی، معنایی و واژگانی است. این اثر نمونه درخشانی از بیان دراماتیک به شمار می رود، ضمن این که لایه های روان شناسانه، جامعه شناسی و فلسفی شگفت آوری دارد.

علی رواقی، شاهنامه پژوه: فردوسی تنها شاعری بود که سرفرازانه بر پهنه ادب ایران حرکت کرد و سراپای شاهنامه از ادب مقاومت حکایت می کند.

در «ایبنا» بخوانید

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نشانی اینترنتی www.ibna.ir، به این مطالب دسترسی خواهید داشت و امکان «جست و جو» و «جست و جوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

رایحه خرمشهر در صفحات کتاب

سوم خرداد سال ۱۳۶۱ رزمندگان ایرانی، ارتش بعثی را از خرمشهر بیرون کردند. این مهم ترین هدف عملیات بیت المقدس و نقطه عطفی در ۷ سال دفاع سلحشورانه از خاک ایران بود. از آن روز این حادثه تاریخی دستخوش الهام برای خلق آثار هنری و ادبی بوده است. آنچه در این ۲۷ سال از آزادسازی خرمشهر به صفحات کتاب های تاریخی راه یافته یا دستمایه داستان، شعر و رمان شده، در کمتر از پنج گزارش مطبوعاتی نمی گنجد. خبرنگاران گروه دفاع مقدس «ایبنا» این هفته در پنج گزارش به هم پیوسته «کتاب شناسی آزادسازی خرمشهر» را گزارش کرده اند.

یادداشت هایی از اهل قلم

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب، این هفته با یادداشت هایی از محمدعلی گودینی، ساسان تبسمی، سعید زاشکانی، حمید سوری و یاسر سماوات به روز شد. گودینی، نویسنده و منتقد از فرهنگ ایرانیان نوشته، آن را با نمایشگاه کتاب پیوند زده و تاکید کرده است: «ایرانی از فرهنگش و از کتابش، مانند جانش محافظت می کند». تبسمی، نویسنده و مترجم ادبی، از کیفیت ترجمه سخن رانده عقیده اش از جایگاه مترجم را تشریح کرده است. «کاتبان فروتن حروف» عنوان یادداشت زاشکانی است. این طراح و گرافیست جلد کتاب از بی توجهی ناشران به صفحه آرایی کتاب سخت گلایه کرده و عدم طراحی مناسب برای کتاب را «زخمی کردن روح لطیف کتاب» دانسته است. سوری، مدرس دانشگاه، از رابطه چاپ و جلوه های کاغذ نوشته و سماوات در کسوت یکی از مسئولان اجرایی نمایشگاه کتاب، خاطرات طنزآمیزش را از یک روز کاری در غرفه موسسه «خانه کتاب» نقل کرده است.

صعود با دور بین به ارتفاع مصلا

یکی از عکاسان «ایبنا» این هفته از گلدسته مرتفع مصلا امام خمینی (ره) بالا رفته و آخرین روز نمایشگاه کتاب را از ارتفاعی بعید و به زبان تصویر گزارش کرده است. اختتامیه نمایشگاه کتاب، گزارش تصویری از مصلا تهران یک روز پس از پایان نمایشگاه و مراحل جمع کردن تمام آنچه برای برگزاری بزرگ ترین رویداد فرهنگی ایران به مصلا آورده شده بود و مراسم بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی با حضور برخی اهالی فرهنگ و ادب در دانشگاه تهران، دیگر سوژه هایی بود که این هفته مورد توجه عکاسان «ایبنا» قرار گرفت.

مصاحبه با اهل کتاب

خبرنگاران گروه های مختلف «ایبنا»، این هفته گفت و گوهایی را با رضیه غیبی، نویسنده کتاب «گنجینه رنج»، فرزند شهید سید مجتبی هاشمی که قرار است کتاب زندگی پدر شهیدش را بنویسد و آیت الله محمود رجبی، قائم مقام موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، کیخسرو پورناظری، موسیقیدان و محمود دولت آبادی، نویسنده، منتشر کردند. همچنین با انتشار مصاحبه ای خبری، آشکار کردند که انتشار خاطرات «صادق طباطبایی» ادامه خواهد داشت.

کتاب در آن سوی مرزها

پرفروش ترین کتاب های تازه چاپ شده در کشورهای مختلف، جدول رتبه بندی کتاب های غیر داستانی آلمان، گزارشی از کتابی جنجالی که یکی از اعضای سابق حزب کمونیسم چین نوشته و منتشر کرده، راه اندازی کتابخانه سازمان کنفرانس اسلامی در استانبول و خبر اهدای جایزه کشورهای مشترک المنافع به یک نویسنده استرالیایی از مطالبی است که این هفته مورد توجه مترجمان و خبرنگاران گروه بین الملل «ایبنا» قرار گرفته است.



از نمایشگاه تا «تام سایر»

شنبه گذشته، بیست و دومین نمایشگاه کتاب تهران به پایان رسید به همین دلیل شنبه و یکشنبه گذشته، صفحات مربوط به کتاب و ادبیات مطبوعات فارسی زبان، بخش اصلی مطالب خود را به این نمایشگاه اختصاص دادند. «آفتاب یزد» گزارشی منتشر کرد و تیتروز: «نمایشگاه یا فروشگاه؟»، تیتروز خود گویاست که این نشریه در گزارش خود به چه پرداخته است اما «دنیای اقتصاد» و «کیهان» با انتشار دو گزارش «نمایشگاه کتاب، نمایش شعور ملی» و «نمایشگاه کتاب، آینه فرهنگ ایرانی»، روز پایانی نمایشگاه کتاب را خبر داده و از این نمایشگاه به عنوان رویدادی خرسندکننده در عرصه فرهنگ و به تعبیر خودشان «فرهنگ ساز» یاد کردند.

جام جم در مطلبی با نام «ریز و درشت نمایشگاه» و روزنامه هابی چون «بانی فیلم» و «اطلاعات» هم خبرهایی از نمایشگاه را منعکس کردند. «ایران» هم اعلام کرد ناشران داخلی و خارجی نمایشگاه ۱۰۰ میلیارد تومان کتاب فروختند. این روزنامه در روز یکشنبه هم وداعی با این عنوان از نمایشگاه کتاب انجام داد: «نمایشگاه کتاب ۸۸ به خاطر هاپیوست»

در روز پایانی نمایشگاه اما شاید جنجالی ترین مطلب مطبوعاتی، سلسله مصاحبه های روزنامه «اعتماد ملی» باشد که تیتروزشان چنین بود: «روشنفکران به نمایشگاه نمی روند». این روزنامه در صفحه ۱۴ خود، ۱۰ مصاحبه کوتاه با ۱۰ نفر از اهالی نشر را منتشر کرد که همه گالیه ای از نمایشگاه داشتند. فردی حرف از تحریم نمایشگاه زده بود و دیگری از اینکه در ترافیک مانده است می نالید. تنها یکی از مصاحبه شوندگانی که اعتماد ملی برگزیده بود از انتخاب مصلا به عنوان محل برگزاری نمایشگاه کتاب استقبال کرده بود.

سیروش شاملو، پسر ۶۱ ساله احمد شاملو که اسفند سال گذشته اموال پدر فقید را در مزایده ای دو مرحله ای و پس از چندبار شکایت و حکم قضایی، خریداری کرده بود، هفته گذشته در گذشت تاخوراک بسیاری از مطبوعات کشور باشد.

انتشار کتاب جدیدی از داریوش مهرجویی، روز جهانی خیام و مطالبی مرتبط با این موضوع، برگزاری همایش پاسداشت فردوسی، برگزاری هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تبریز، درگذشت محمد امین ریاحی، مدرس ادبیات، مجادله انتخاباتی محمود دولت آبادی و عبدالکریم سروش، جایزه ادبی ایندیندنت و معرفی یک نویسنده کلمبیایی به عنوان برگزیده بخش جایزه بهترین داستان خارجی از سوی این نشریه، تقدیر بر گزار کنندگان نمایشگاه کتاب از بانوان محجبه این نمایشگاه و بحث قدیمی سرانه مطالعه در کشور، از دیگر مطالبی است که هفته گذشته مورد توجه رسانه ها و روزنامه های فارسی زبان قرار گرفت. روز چهارشنبه گذشته هم روزنامه «اسرار» در گزارشی «جنبال برانگیزترین کتاب های جهان» را برشمرد و روزنامه اعتماد حضور اهالی فرهنگ و ادب در گرامیداشت فردوسی و همایش روز جهانی خیام را گزارش کرد. در این روز، روزنامه کیهان هم گزارشی از کتابشناسی مرحوم آیت الله بهجت، مرجع تقلید فقید شیعیان و چند دیدگاه درباره کتاب «دا» را به چاپ رساند.

تلویزیون و رادیو هم در هفته قبل در قالب برنامه هابی چون «بهار کتاب» که پس از نیمه شب یکشنبه از شبکه دو پخش شد، برنامه رادیویی «از رمان تا نمایش» که شبکه رادیویی فرهنگ هر روز ساعت ۲۱:۳۰ پخش می کند و برنامه «ادبستان» از رادیوی سراسری جوان، به کتاب پرداختند. شبکه تلویزیونی «تهران» روز چهارشنبه ساعت ۲۱ و ۴۰ دقیقه مسابقه زنده «باغ کتاب» را به تصویر کشید و فیلم «تام سایر» که از روی رمان مشهوری به همین نام اقتباس شده شب چهارشنبه روی آنتن شبکه چهارم سیما رفت.

گنجینه رنج «غیثی» رونمایی می شود

رزمندگان از این کتاب ها و نشریات به خوبی استقبال می کردند. در آن دوران کتاب هایی که در حوزه های اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و سخنان شخصیت هایی مانند آیت الله شهید مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی بود، مخاطبان بسیاری داشتند.



مجلس خرمشهر در روز آزادی

راوی و نویسنده کتاب «گنجینه رنج» اظهار داشت: «کتاب «دا» نیز به نوعی روایتگر شرایط مردم در زمان اشغال خرمشهر است. این

کتاب در نوع خود بی نظیر است و معتمد، انسان زمانی که در موقعیت های خاص قرار می گیرد، ناخودآگاه تحمل آن شرایط برایش عادی می شود اما این قدرت و شهامت را خداوند در درون انسان قرار داده است.»

وی ادامه داد: «زنان و دختران بسیاری در آن دوران، به نوعی درگیر مشکلات ناشی از جنگ بودند. صحنه های دلخراش و غیر قابل تحمل را از نزدیک دیدند و به همین دلیل، اسرار ناگفته بسیاری در دلشان مدفون شده که یادآوری هر گوشه آنها دردناک است؛ هرچند شاید این ضربه ها را در آن دوران خیلی حس نمی کردند.»

رضیه غیثی سال ۱۳۳۵ در آبادان متولد شده و مجلد نخست خاطرات وی با عنوان «گنجینه رنج»، همزمان با بیست و هفتمین سالروز آزادی خرمشهر، توسط اداره حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان خوزستان منتشر و در شهر آبادان رونمایی می شود.

«من سال ها با خودم کلنجار می رفتم که چگونه خاطراتم را بنویسم. بخش اعظمی از این خاطرات حاصل دستنوشته های شخصی من از آن دوران است. همیشه دوست داشتم وقایع و خاطرات مهم زندگی ام را بنویسم.»

وی افزود: «در دوران جنگ تحمیلی دختر جوانی بودم که هنوز تجربه های تلخ را در زندگی لمس نکرده بود و مهم ترین معیارش برای ازدواج، همفکری با همراهِش در جهت آرمان ها و اهداف انقلاب بود.» رضیه غیثی افزود: «من در دوران جنگ به عنوان امدادگر در بیمارستان های ماهشهر و مسجد سلیمان به مجروحان جهاد سازندگی و خانواده های جنگ زده رسیدگی می کردم. همچنین با حضور در ستاد تبلیغات جنگ همراه همسرم، برای نیروهای سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی که در جزیره مینو مستقر بودند، کتاب و نشریات می بردیم.»

وی تاکید کرد: «با توجه به وضعیت سخت زندگی در جزیره و نبود امکان استفاده از رادیو و تلویزیون،

کتاب «گنجینه رنج» شامل خاطرات رضیه غیثی از دوران اشغال و آزادسازی خرمشهر تا بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، از سوی اداره حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان خوزستان منتشر و سوم خرداد در شهر آبادان رونمایی می شود. نویسنده این کتاب معتقد است: «جامعه باید بداند زندگی زنان و دختران جنوبی، آبادانی و خرمشهری یک بعدی نبوده و برای الگوسازی ایشان و از خودگذشتگی آنان در دوران دفاع مقدس خاطراتشان باید بیان و در تاریخ ثبت و ضبط شوند.»

رضیه غیثی، راوی و نویسنده کتاب «گنجینه رنج» در گفت و گو با خبرنگاری کتاب ایران (اینا) اظهار داشت: «این کتاب شامل خاطرات من از دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و مقطع زمانی حمله به خرمشهر در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ تا بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ است. در ۲۶۵ صفحه به همت اداره حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان خوزستان به چاپ می رسد.»

وی ادامه داد: «بخشی از خاطراتم را درباره زندگی شخصی ام بعد از دوران جنگ تحمیلی و تا سال ۱۳۸۶ و مسائل زندگی با همسرم که جانباز اعصاب و روان است، در قالب مجلدی با عنوان «وقتی بال های فرشته می شکست» در دست نگارش و تدوین دارم.» غیثی خاطر نشان کرد: «افرادی که به نوعی درگیر دوران جنگ بودند، متحمل مصائب روحی و جسمی زیادی شدند.»

راوی و نویسنده کتاب «گنجینه رنج» تصریح کرد:

بازگشت قهرمان سلینجر



هولدن کالفیلد قهرمان گریز پای سلینجر در کتاب «ناتور دشت» پس از ۶۰ سال در قالب یک کتاب جدید بازمی گردد.

روزنامه گاردین با اعلام این خبر نوشته است: «آخرین باری که «هولدن کالفیلد» را دیدیم او در یک بیمارستان بیماران روانی در کالیفرنیا بستری بود و داشت به روزهایی که در نیویورک گذرانده بود فکر می کرد.»

حالا نوجوان محبوب سلینجر بازگشته است و این امر در قالب یک کتاب جدید که دنباله کتاب پیشین است میسر شده است. با این حال هولدن دیگر جوان نیست. قهرمان «ناتور دشت» حالا دیگر ۷۶ ساله است این بار از خانه سالمندان فرار می کند تا دوباره در خیابان های نیویورک پرسه بزند.

این کتاب که به وسیله جان دیوید کالیفرنیا نویسنده سوئدی - آمریکایی با عنوان «۶۰ سال بعد: در دل دشت» نوشته شده و وینداپ برد نشر آن را برعهده دارد، با این جمله ها شروع می شود: «چشم هایم را باز می کنم، و فقط با همین کار، حالا دیگر بیدارم. تصور می کنم که باید به صبح زود حسابی لعنتی باشم، اما نه هنوز باید وسط های شب باشم، خیلی تاریکه و من به سختی می توانم دست کوفتی ام را جلوی صورتم ببینم.»

نویسنده این کتاب می گوید شخصیت داستانی هولدن کالفیلد در این کتاب درست مثل کتاب نخست، در حال ترک کردن است اما این بار مدرسه را رها نمی کند بلکه از خانه سالمندان فرار می کند. او می گوید مثل کتاب «ناتور دشت» کالفیلد اینجا هم دارد در خیابان ها می چرخد اما در حقیقت دارد خودش و گذشته اش را مرور می کند. او هنوز هولدن کالفیلد است و یک دیدگاه کاملاً شخصی از همه چیز دارد، می تواند خسته و دلشکسته از این دنیای لعنتی باشد و هرچند از نظر سنی مسن تر و از نظر حسی دانایتر است اما از سوی دیگر هنوز به همه جواب ها نرسیده است. کتاب «۶۰ سال بعد: در دل دشت» ۲۵ ژوئن منتشر می شود.

نشست جایگاه آموزش و پژوهش زبان فارسی در تونس

نخستین نشست علمی «جایگاه آموزش و پژوهش زبان فارسی» با هدف شناسایی وضعیت آموزش و پژوهش زبان فارسی و آسیب شناسی آن ۱۵ خرداد در تونس برگزار می شود.

به گزارش خبرنگاری کتاب ایران (اینا) به نقل از پایگاه اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نخستین نشست علمی «جایگاه آموزش و پژوهش زبان فارسی» از سوی نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تونس برگزار خواهد شد.

این نشست علمی در محل نمایندگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و با حضور جمعی از استادان دانشگاه و نخبگان علمی فرهنگی تونس برگزار می شود.

در این نشست برخی از شخصیت های علمی فرهنگی تونس مانند فرحات ادریسی استاد دانشگاه مندوبه، مختار العییدی استاد ادبیات و تمدن عربی اسلامی دانشگاه مندوبه و فرید قظاط استاد دانشگاه زیتونه سخنرانی خواهند کرد.

انتشار کتابی مناقشه برانگیز درباره حزب کمونیست چین

انتشار یک کتاب جدید که توسط یکی از رهبران سابق حزب کمونیسم چین نوشته شده، پرده از ۲۰ سال شکاف در داخل این حزب کنار زد.

به گزارش خبرنگاری کتاب ایران (اینا) به نقل از مونستراند کریتیکز، زائو زیانگ نخست وزیر اسبق چین در کتابی با عنوان «در زندان دولت: مجله مخفی نخست وزیر زائو زیانگ» خواستار انجام اصلاحات دموکراتیک در چین شده و شکاف های موجود رد داخل حزب کمونیست چین را آشکار می کند.

این کتاب در قالب خاطرات زائو و البته به صورت مخفیانه از حوادث داخل حزب کمونیسم چین نوشته شده و در آن به صراحت از دموکراسی و آزادی مطبوعات حمایت شده است. زائو ضمن انتقاد از لی پنگ و جیان زمین دو تن از رهبران بازنشسته چین، خواستار کنار گذاشتن دولت تک حزبی و حرکت چین به سمت دموکراسی پارلمانی شده است.

محتوای کتاب براساس خاطرات شخصی زائو زیانگ است که ظاهراً به طور روزانه در قالب نوار ضبط شده و اکنون با تونگ آن را در قالب کتابی زبان انگلیسی منتشر کرده است.

زائو خاطرات خود را از ۱۶ سال بازداشت خانگی، یعنی از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۰۵ (زمان مرگش) نقل کرده است. او بعد از اعلام مخالفت با استفاده از شیوه سرکوب برای رویارویی با حوادث خونین میدان تیان آنمن از حزب کمونیسم برکنار و تحت بازداشت خانگی به سر برد و خاطرات او نیز توسط بائو تونگ یکی از مشاورانش منتشر شده است.

کتاب زائو زیانگ یکی از معدود کتاب هایی است که حوادث داخلی حزب کمونیسم چین را افشا کرده و شکاف داخل آن را به خوبی نشان می دهد. به همین دلیل پیش بینی ها حاکی از آن است که انتشار این کتاب در داخل چین جنجال زیادی به پا خواهد کرد.



بازار کار ناشران در روزهای پس از نمایشگاه بیست و دوم

افت کار ناشران صحت ندارد



بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، میلیون ها دوستدار و علاقه مند به کتاب را از اقصی نقاط میهن به مصالای امام خمینی (ره) کشاند. از موسسیدان سرد و گرم چشیده روزگار تا کودکان و نونهالان، از دانشجو و استاد تا کارگر و کارمند، از متخصصان حوزه های مختلف علم تا دلدادگان رمان های پر رمز و راز، همه و همه به نمایشگاه آمدند تا در بزرگ ترین اجتماع کتابی ایران سهیم شوند. روزهای قبل از آغاز نمایشگاه بیست و دوم، عده ای از همین افراد - البته در شماری بسیار کمتر - در کتابفروشی ها به دنبال یار مهربان دلخواهشان می گشتند یا در کتابخانه ها به جست و جوی اثر مکتوب مورد نظرشان بودند، اما از ۱۶ تا ۲۶ اردیبهشت ماه، بسیاری از اهالی کتاب به مصالی آمدند. سالی که مطرح می شود این است که روزگار بعد از نمایشگاه به چه شکل خواهد بود و تاثیر برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران بر بازار خرید و فروش کتاب چگونه است.

بدون شک، ناشران که در جریان بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، روزهایی پر مشتری را به خود دیدند و فروش آثارشان در حد بسیار مطلوبی بود، این روزها که از تب و تاب حضور در نمایشگاه فارغ شده اند، بهتر از هر کس دیگری می توانند در این باره اظهار نظر کنند.

محمدحسین روزبه، مدیر مسئول نشر آئینه دانش، درباره استقبال مردم از کتاب های این نشر در نمایشگاه می گوید: «از استقبال مردم راضی بودم، اگر چه غرفه نشر دانش در موقعیت مناسبی از شبستان مصالی قرار نداشت، اما باز هم فروش ما خوب بود.»

روزبه به قول خودش این روزها مشغول تفکیک آثار بازگردانده شده از نمایشگاه به نشر است. او درباره احتمال افت بازار خرید و فروش کتاب آن هم به علت برگزاری نمایشگاه را منتفی می داند و می گوید: «ما ناشران به خوبی قاعده کار خودمان را می دانیم، واقعیت این است که بازار کتاب از ماه پنجم سال آغاز به فعال شدن می کند و در ماه ششم راه می افتد و در ماه یازدهم و دوازدهم اوج می گیرد و در زمان برگزاری نمایشگاه یعنی ماه دوم سال، دوباره این بازار داغ می شود. پس افت و خیز بازار کتاب بعد و قبل از نمایشگاه، یک پیامد منفی برای این رویداد بزرگ فرهنگی به حساب نمی آید.»

مدیر مسئول نشر آئینه دانش می گوید: «نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، مسیحا نفسی در وجود ناشران می دهم، به طور معمول، ما در قبال دادن کتاب به کتابفروشی ها، چک های یک ساله آن هم با ۴۰ تا ۵۰ درصد تخفیف می گیریم، اما در نمایشگاه

از نمایشگاه از نظر کاری دچار افت می شوند که اصطلاحا کتاب زرد و بی محتوا تولید می کنند و سعی دارند با شیوه های مختلف در طول برگزاری نمایشگاه برای خودشان بازاری دست و پا کنند، وگرنه ناشری که کارش هدفمند است، از این موقعیت ها به خوبی استفاده می کند.»

سید محمد بنی هاشم، مدیر مسئول نشر بنی هاشم، افت بازار خرید و فروش کتاب را طبیعی می داند و می گوید: «مگر می شود چنین موضوعی رخ ندهد؟ اما باید توجه داشته باشیم که چنین افتی، پیامد منفی نمایشگاه نیست، در نمایشگاهی به عظمت نمایشگاه بین المللی تهران، مردم با اشتیاق تمام کتاب می خرند و خیلی طبیعی است که نیازهای دست کم چند ماه آینده خود را تهیه کنند.»

وی با اشاره به پیامدهای مثبت نمایشگاه برای ناشران در روزهای بعد از برگزاری آن می گوید: «بعد از پایان نمایشگاه نیز به علت معرفی آثارمان و برقراری ارتباط با افراد جدید، افراد مختلف با ما تماس می گیرند و تقاضای خرید کتاب دارند.»

واقعیت این است که وقتی از کلمه نمایشگاه استفاده می کنیم، باید بدانیم که بعد از آن چه کلمه دیگری رابه کار می گیریم، چون گاهی اوقات موضوع از زمین تا آسمان تفاوت می کند، از آنجا که ماهیت یک کار فرهنگی با سایر کارها تا حد زیادی متفاوت است، به یقین نمایشگاه کتاب با یک نمایشگاه مانند نمایشگاه البسه فرق می کند، زیرا ماهیت کار فرهنگی بر اساس نیاز روحی، روانی و علمی جامعه انجام

پول کتاب را تقریباً نزدیک به قیمت پشت جلد آن و به صورت نقد می گیریم. چطور می تواند نمایشگاه برای ناشران خوب نباشد؟ رکود بازار کتاب بعد از پایان نمایشگاه را هم که من اصلاً قبول ندارم و اگر هم این طور باشد، هیچ ربطی به برگزاری نمایشگاه ندارد.»

روزبه سپس پیشنهاد می کند که نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به جای یک بار در سال، دو بار برگزار شود و اظهار می کند: «از آنجا که قرار است ناشران اردیبهشت ماه در نمایشگاه حضور پیدا کنند، از حدود ماه دهم سال قبل، خود را آماده این حضور می کنند و بیشترین تولید چاپ اول و تجدید چاپی را دارند و ناشران تمام توان خود را برای حضور موفق در آن به کار می گیرند. پس اگر علاوه بر اردیبهشت ماه، این نمایشگاه در ماه هشتم یا نهم نیز برگزار شود، شمارگان انتشار و میزان فروش کتاب تا حد بالایی افزایش پیدا خواهد کرد.»

یکی از ناشران که اصرار دارد نامش در گزارش نوشته نشود و از همان ابتدا نیز علیه نمایشگاه و نحوه برگزاری آن اعتراض می کند، می گوید: «ناشری که دغدغه اش نشر است و خط تولید او نیز مشخص و هدفمند است، هرگز دچار افت نمی شود. شاید چنین ناشری به علت افزایش قیمت کاغذ یا مواردی از این دست، قدری ضربه بخورد، اما هرگز نمی توان مدعی شد که برگزاری نمایشگاه می تواند روزهای آینده کاری او را خراب کند.»

این خانم ناشر می افزاید: «به نظر من ناشرانی بعد

است و نمایشگاه البسه هرگز چنین وسعتی از وجود آدمی را دربر نمی گیرد. پس فروکش کردن التهاب خرید لباس بعد از برگزاری یک نمایشگاه هر چند عظیم با روند قابل قبول خرید و فروش کتاب بعد از نمایشگاه کتاب، از پایه و اساس متفاوت است، چون جوهره و ذات این مقوله ها با یکدیگر تفاوت دارد. امیرحسین انبارداران، مدیر مسئول نشر مجنون نیز بر این عقیده است و می گوید: «کار نشر کتاب، یک کار فرهنگی است و موفقیت و ناکامی ناشران در آن به نوع نگرش آنها به این حرفه بستگی دارد. اگر از زاویه فرهنگ به مقوله نشر کتاب نگاه کنیم، هرگز کار یک ناشر دچار افت نمی شود، به ویژه بعد از یک رویداد فرهنگی عظیم مانند نمایشگاه بین المللی کتاب. به نظر من این نمایشگاه نه تنها بعد از پایانش باعث افت بازار کتاب نمی شود، بلکه به منزله شروع رونق گرفتن یک سال کاری اهل کتاب است.»

انبارداران که در حوزه دفاع مقدس و انقلاب اسلامی فعالیت می کند، دلایل قابل تاملی برای سخنانش دارد، از جمله این که: «من در فاصله یک روز بعد از پایان نمایشگاه، سه درخواست بزرگ از شهرهای شیراز، بوشهر و قم دریافت کردم که آثار نشر را برای آنها بفرستیم. درخواست کنندگان این آثار، در نمایشگاه بین المللی کتاب با این آثار آشنا شده اند. پس چطور می توان مدعی شد که نمایشگاه بین المللی کتاب پیامد منفی آن هم در حوزه خرید و فروش و تولید کتاب را باعث می شود؟!»

مدیر مسئول نشر مجنون ضمن تاکید بر ضرورت داشتن نگاهی فرهنگی به مقوله کتاب می گوید: «با تمام احترامی که برای همکارانم قائلم باید بگویم نگاه بسیاری از آنها به کتاب، نگاهی تجاری است.» انبارداران می افزاید: «اگر ما به مقوله کتاب و همچنین رویداد بزرگی مثل نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نگاهی تجاری داشته باشیم، بسیار طبیعی است که باز خورد آن نیز ۱۰ روزه باشد، اما اگر نگرش ما فرهنگی باشد، آنگاه پیامدهای یک اثر فرهنگی درازمدت شامل حال ما می شود. پس اساساً افت بازار کتاب بعد از نمایشگاه به عنوان یک پیامد منفی، موضوع نادرستی است. برای من و بسیاری از ناشران دیگر، روزهای بعد از نمایشگاه نیز آفتابی است.»

اغلب ناشران این روزها - یعنی روزهای بعد از نمایشگاه - سرگرم جمع و جور کردن کارها، حسابرسی، برنامهریزی برای حضور در نمایشگاه های شهرستانی و... هستند و دوستداران کتاب نیز از یک سو مشغول مطالعه کتاب های خریداری شده در نمایشگاه ها هستند.

انتشارات شلفین
فسرو خوبان
استاد محمد رضا شجریان
مولف: آقای مهران حبیبی نژاد
کامل ترین کتاب درباره
زندگی و آثار استاد آواز ایران
 ۰۱۵۱-۲۲۲۹۰۱۱
 ۰۹۱۱۹۵۱۰۹۲۲

فروش سر قفلی کتابفروشی
بین نشر چشمه
و نشر نی
۲۴ متر کف و ۲۴ متر بالکن
 ۰۹۱۲۴۵۹۵۷۷۳

خانه کتاب منتشر کرد
خیابان انقلاب بین فلسطین و صبی
جنوبی شماره ۱۱۷۸

کتاب شما
راهنمای کتاب هفته
زودتر بهتر بفروشید.

نگاهی به مجموعه شعر «نی زن، جذامی و باد»

فرستی برای همذات پنداری



اصطلاحات نقد ادبی» بهرام مقدادی. چاپ اول ۱۳۷۸. انتشارات فکر روز.

نکته بسیار مهم این است که تخیل اولیه مکانیسمی غیر ارادی دارد؛ حال آن که تخیل ثانویه ارادی و آگاهانه با استفاده از محتویات تخیل اولیه دست به آفرینش مثلا یک اثر هنری می زند. تخیل اولیه دریافت کننده و تخیل ثانویه آفریننده است. حال به شعر برسیم.

گاه در بند بند یک شعر گلیبانی، با محتویات خام روبرو می شویم؛ محتویات خامی که در نظر اول نمی دانیم چرا در میان چنین متنی که سرشار از تصویر و تخیل است جا خوش کرده اند، در حالی که بی درنگ با یک تصویر، یک برش زمانی سرسام آور و یک پرش مکانی حیرت انگیز تعقیب می شوند. این سطرهای خام، نمونه های مشارکت دادن محتویات تخیل اولیه در بافت کلی یک شعرند؛ بی آنکه دستی در آنها برده شده باشد تا مثلا، شاعرانه شوند. بدین دلیل بر این ساز و کار تاکید می کنم که عمده شاعرانی که با عنوان شاعران متخیل و تصویرساز یا روایتگران روایت های نامتعارف شناخته می شوند، تلاش دارند در شعر خود ردپایی از محتویات تخیل اولیه باقی نگذارند و تا ممکن است همه داده های ذهنی خود را با مرجوع کردن شان به حوزه قدرت تخیل ثانویه، از «شاعرانگی» سرشار کنند. ولی چه می توان کرد که شعرهای اینچنینی را همواره خطر «خسته کننده شدن»، «دوری از صمیمیت»، «فقدان عاطفه»، «سطرهای مکانیکی» و متهم شدن به «ادعای روشنفکری» تهدید می کند. در حالی که گلیبانی ترسی از این ندارد که لاابلائی شعرش سطرهایی بگنجانند از آن محتویات خام؛ و از آنها در بارور ساختن عاطفی شعرش و نیز، اعطای فرصتی به مخاطب برای همذات پنداری بهره برد.

همین امر، شعر او را نه خسته کننده، که صمیمی و در عین حال، با پرنسیبی خاص - که برآمده از تخیلی پویا و منظم، و زبانی صیقل خورده و استوار است - جلوه می دهد. نمونه ای از گنجاندن این محتویات خام با توجه به سطرهای قبل و بعد، در شعر «بیچه گرگ ها» به چشم می خورد. شاعر در این جا خود و فردی دیگر را دو بیچه گرگ تصور می کند؛ سپس روایت تیر خوردن مادر را به شکلی حیرت انگیز مرتبط می کند با عشق یک انسان به انسانی دیگر. روایت نادری است؛ اما توجه ما نه به واکوی این روایت، که به آن محتویات خام است. در همین شعر، با سطرهایی چون «و موهایم در انتظار سپید می شوند»، «صدای بلند پیچید در آنگیز مرغابی ها»، «بلدرچین ها گریخته اند» و «من دوست خواهم داشت» مواجهیم. حال آن که این سطرها، رویه خام خود را اصولا در شعر نمایان نمی کنند؛ بلکه کارکرد آنها در حدود ایجاد صمیمیت بین شعر و مخاطب، و اعطای فرصت همذات پنداری باقی می ماند.

در نهایت اگر دقیق تر نگاه کنیم، خواهیم دید که شاید این دو رهیافت (در بخش نخست و دوم این مطلب)، دو روی یک سکه باشند.

«نی زن، جذامی و باد» نخستین مجموعه شعر سعیدی گلیبانی است. این مجموعه در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه اردیبهشت سال جاری از سوی انتشارات آهنگ دیگر، با قیمت ۲۲۰۰ تومان منتشر شده است.

عاطفه و ذهن مخاطب برای دریافت «فکر»ی است که شاعر در سر دارد. در نتیجه نخست مفهوم «مرگ» در قالب تصویر بیان می شود و ذهن و عاطفه مخاطب را برای دریافت های دیگر در این حوزه آماده می کند؛ و در نهایت، نفس شاعر در معقول به حرکت درمی آید و ما با این گزاره غیر تصویری، ولی اثرگذار مواجه می شویم: «و انسان، که ناگهان یتیم شده است».

حرکت نفس شاعر در محسوسات و معقولات و تناوب میان این دو، در بسیاری از شعرهای این مجموعه به چشم می آید. در این جا، شعری را مثال زدیم که ترتیب مشخص و تقدم و تاخیر آشکار بین این دو حرکت در آن مشهود باشد. در «نی زن، جذامی و باد» شعرهایی هست که در آنها تناوب بین این دو حرکت، پیش بینی ناشدنی است و بارها در طول شعر رخ می دهد.

محتویات خام تخیل اولیه

نخستین بار کوله ریج، شاعر انگلیسی، مفهوم تخیل اولیه و ثانویه را معرفی کرد و سپس، آی.ای. ریچاردز در کتاب «کوله ریج درباره تخیل» به بسط این دو مفهوم پرداخت. ولی قصد ما نه تبیین و توضیح نظریه کوله ریج، که استفاده از آن است. بنابراین به معرفی اجمالی این دو مفهوم بسنده می شود. تخیل اولیه، «نیروی حیات و عامل مقدماتی همه ادراکات بشری است. قوه ای تنظیم کننده است. وسیله ای است برای تمیز چیزها از یکدیگر، به نظم آوردن آنها، تفکیک آنها از یکدیگر و یا ترکیب آنها با هم؛ و حاصل این ها، رسیدن به ادراک است» و «تخیل ثانویه، پژواک تخیل اولیه است. فعالیت آن باز آفرینی است. با کمک آن انسان به طور ارادی، نیروی تخیل اولیه را کار می گیرد. این تخیل ثانویه است که خیال های وابسته را به یکدیگر پیوند می دهد» و «پس از تجزیه و پراکندن و افشاندن عناصر، دست به باز آفرینی می زند». خصوصیت اصلی این تخیل، «خصوصیت بازسازی آن است. یعنی آفریدن چیزی که اجزای آن از حقیقت گرفته شده است، ولی آفرینشی که شکل می گیرد، شکل جدیدی از واقعیت است» و این یعنی خلاقیت انسانی که کوله ریج آن را «نیروی جادویی، ترکیبی» می نامد. (مدخل «تخیل» از «فرهنگ

قطار از گردن مرغ های دریایی» و «دندان نشان دادن لوکوموتیو برای ریل ها»، جز در حوزه سوررئالیسم نمی گنجد. اما گلیبانی پس از چنین تصویرسازی هایی، یکباره در بند پایانی شعر، دست «فکر» خود را رومی کند. او در این بند، پایانی قطعی را رقم می زند که با قطعیت و صراحت تصویرسازی های پیش از خود هماهنگ است؛ اما از جنس دیگری است از جنس اندیشه است؛ نه تصویر. و عمده حرکت نفس طی آن در معقولات است؛ نه محسوسات: «خیال کن/ تمام پدرهای جهان/ کسی را به نام خاک خوانند/ و انسان/ که ناگهان/ یتیم شده است»

در این شعر، تصاویری با سرعت هر چه تمام تر و صراحت هر چه پیش تر و محتوایی هر چه دور از ذهن تر، پشت هم ردیف شده اند. در آغاز شعر، ما با چند تصویر از مرگ روبرویم؛ مفهومی که در قالب تصویر همچنان در طول شعر از زوایای مختلف تکرار می شود. اما آنچه شاعر در این شعر انجام داده، صرفا تصویرسازی نیست. گلیبانی می داند که اگر در شعر به تصویرسازی محض و به هم ریختن نظم روایت خطی بسنده کند، هر چه هم که تصاویرش بکر باشند، همان قضاوتی درباره شعرش خواهد شد که چند دهه پیش تر دامان سوررئالیست ها را گرفت. او به عنوان شاعری آگاه از عاقبت سبک ها و مکاتب ادبی و هنری و نقاط قوت و ضعف شان، از سوررئالیسم، ساز و کار تصویرسازی اش را می گیرد. سپس آن تصویرها را در نظمی خود خواسته در شعر در امتداد یکدیگر می چیند؛ و تمام این فرایند را به گونه ای پیش می برد که در پایان، محور اصلی شعر در آشفنگی چند تصویر سوررئال گم و فراموش نشود. محور اصلی این شعر، «مرگ» است؛ مرگی که دامان انسان امروز را گرفته و او را یتیم کرده. بنابراین گلیبانی نخست عواطف مخاطب را با چند تصویر زیر و رو می کند؛ انگار خاک ذهن مخاطب را شخم می زند تا آماده شود برای کاشتن فکری که خود شاعر در سر دارد. در دست یابی به این مهم، هر چه تصاویر صراحت و در عین حال، بداعت بیش تر داشته باشند، مناسب ترند، البته ترتیب آنها نیز موثر است.

پس نقش تصویر در این شعر گلیبانی، آماده ساختن

یک سوال از شاعر



سعیدی گلیبانی

برخی شاعران به ویژه در دو دهه گذشته از شعر خود هیچ نمی گویند. ولی سعیدی گلیبانی مخالفتی با گفتن از رهیافت های شخصی اش به شعر ندارد. از او درباره «چگونه شعر گفتن» اش پرسیدیم و او گفت: اگر چه متقدم شاعر نباید از شعر خودش بگوید، اما ناچارم از ذکر این که حرکت های جسورانه در حوزه زبان، و ویژگی های اشعار مجموعه شعر «نی زن، جذامی و باد» است؛ چرا که من در حوزه شعر از سکون بیزارم و سعی در ساختن و خراب کردن دارم تا چون برخی از شاعران، دچار هم نویسی از روی دست خود نشوم. تغزل و مضامین اجتماعی از دیگر مضامین این مجموعه شعر است و ذهنیتی را نشان می دهد که از سویی تاریخ در آن معنا می یابد و از سوی دیگر، خود، به روایت تاریخ می نشیند. بنابراین هم فاعل و هم راوی تاریخ است. از سوی دیگر، تصور می کنم تمایلات درون گرای شاعران و کنش اجتماعی شعر به مثابه یک مدیوم (رسانه) فرهنگی رابطه آشکاری با یکدیگر دارند. به نظر من در شعر، سوژه ای که تنها به افزایش غنای درون گرایانه و شاخ و برگ دادن هر چه بیشتر به آن غنا پردازد، از تأثیرات عملی ادبیات و در نتیجه از ایفای یک کنش اجتماعی محروم خواهد شد. چرا که در واقع بین این دو - یعنی غنای درون گرایانه و کنش اجتماعی - باید نوعی تعامل برقرار شود. ولی چنین تعاملی تنها در بهترین حالت ممکن، و در آثار بهترین شاعران متبلور خواهد شد.

همچنین باید به کیفیت تاثیر و تاثیر یک شاعر خاص از سنت های شعری و ادبی پیش از او و نقش آنها در شکل گیری شعر وی توجه داشت. هر شاعری فرزند خلف گروهی از شاعران و نویسندگان پیش از خود است به طوری که اثر هنری اش با آثار آنها نوعی رابطه بینامتنی برقرار می کند؛ احیانا الهام می گیرد، یا تعبیری از آثار آنها تخیلش را تحریک می کند، یا احتمالا بافت زبانی و فرم آثار آنها بر آثار او تاثیر می گذارد و در نهایت، به انتخاب سبک شعری و بار آور شدن ظرفیت زبانی شاعر می انجامد. در شکل گیری شعرهای «نی زن، جذامی و باد» نیز، قطعا اینچنین تاثیر و تاثرهایی نقش داشته اند.

«نی زن، جذامی و باد» نخستین مجموعه شعر سعیدی گلیبانی، به تازگی از سوی انتشارات آهنگ دیگر به چاپ رسیده است. این مجموعه ۹۲ صفحه ای، ۲۹ شعر این شاعر را در خود جای داده است. سعیدی گلیبانی، از هنرجویان منوچهر آتشی، «چهره ماندگار» شعر ایران بود و شعر را در شکل جدی اش، با کارگاه شعر این شاعر آغاز کرد.

شعر سعیدی گلیبانی، شعری گسترده است. چون از تن دادن به یک رهیافت مشخص به مقوله هایی چون تخیل و زبان، سر باز می زند. گلیبانی حتی در یک شعر خاص، عموما زبانی ویژه و یکدست و تخیلی یکنواخت و کم فراز و نشیب، پرهیز می کند.

همه این ها بدین معناست که سخن گفتن درباره شعرش، چنانچه محدود شود به یک یا دو شعر خاص در یک مجموعه، نمی تواند از عهده بیان کردن همه ظرفیت های شعری او بر آید. به همین دلیل، چاره ای نیست جز این که عمده ترین مولفه شعری اش را (که تخیل است) با ذکر مثال هایی از مجموعه «نی زن، جذامی و باد»، یادآوری کنیم. فایده این گونه نوشتن درباره یک مجموعه شعر، این است که کل جریان معرفی یا مرور کتاب، وابسته به متن می ماند؛ و از غلتیدن در دام کلی گویی پرهیز خواهد شد، ضمن آن که در معرفی هر یک از مولفه های شعری شاعر، مثال مشخصی ذکر می شود که مخاطب می تواند با بررسی آن مثال ها، درستی و نادرستی تحلیل ارائه شده را ارزیابی کند. در یک کلام، منتقد این گونه نخواهد توانست آسمان و ریسمان به هم بیافد. در بخش نخست این مطلب، یکی از آموزه های صدرالمتهالین ملاصدرا درباره معنای تخیل، اساس رهیافت نویسنده این مسطور به شعرهای این مجموعه است و در بخش دوم، از آموزه ای کلاسیک از «کوله ریج»، شاعر انگلیسی قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی، برای تعقیب سوبیه دیگری از استراتژی به کارگیری تخیل در شعر گلیبانی استفاده می شود.

از تخیل تا تفکر

در فلسفه اسلامی گفته شده که تخیل، حرکت نفس در محسوسات است، چنانچه تفکر، حرکت نفس در معقولات است. تخیل سعیدی گلیبانی در شعرش، به واقع معجونی است از این دو. او در بستر شعر، همان قدر متخیل است که متفکر. نتیجه تخیلات او در شعر، در بسیاری مواقع به تبلور یک «فکر» می انجامد. نمونه بسیار خوبی از این استحاله تخیل به فکر، در شعر «خوابم نمی برد» مشاهده می شود: «من خوابم نمی برد/ و مرغ های دریایی از گردنم گذشته اند/ انگشت های جنازه ای/ آشیانه ای کلاغ را روی آب می برند/ ملاحان اسم تو را پارو می زنند/ و سرود اندوهناک/ آب را می شکافد». این آغاز شعر است که همچنان تا بند پایانی، با همین تخیل لجام گسیخته و وحشی پیش می رود. تخیلی که پهلوی به پهلوی فراواقع گرایی می زند: «من خوابم نمی برد/ مرا تا کوچه ای/ که در دیوارها زندانی بود/ شب که شبیه جنی دوان دوان می آمد/ تا آن ایستگاه سرد/ که در قطار آخر بنشینم/ و بنویسم که کلماتم سوت می کشیدند/ و در کوهستان ها پیچ می خورد/ صبحه های مردی/ که قطار گذشت از گردن مرغ های دریایی/ او سرش را در دستش خونری گرفته بود/ و رفت که رفت/ یادت باشد هیچ وقت دست تکان ندادی/ برای لوکوموتیوی که دندان های پوسیده اش را/ به ریل ها نشان می داد/ و جیغ می کشید».

با دقت در اشعار بالا، می توان شکل برخورد گلیبانی را با مقوله تخیل درک کرد. تصاویری چون «گذشتن مرغ های دریایی از گردن کسی»، «مثل جن دوان دوان آمدن شب»، «پارو زدن یک نام توسط ملاحان»، «گذشتن



«شرح درد اشتیاق» اثر دکتر جلیل تجلیل مجموعه مقالاتی با رویکرد زیبایی‌شناسی و بلاغی است که به تازگی از سوی انتشارات سروش منتشر شده است. «صورت خیال در شعر سبک اصفهانی» کتاب دیگر او نیز که به تازگی از سوی انتشارات فرهنگستان هنر به زیور طبع آراسته شد، در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. جلیل تجلیل متولد ۱۳۱۲ تبریز، علاوه بر تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه، فارغ‌التحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز است و در همین رشته از دانشگاه تهران موفق به اخذ مدرک دکتر شد. دکتر تجلیل علاوه بر مشارکت در تالیف کتاب‌های درسی، تحقیق و تدریس در دانشگاه، آثاری نیز تالیف، ترجمه و منتشر کرده است که «اسرار البلاغه»، «الغدیر»، «فقه»، «مهدی کیست؟»، «معیار الاشعار»، «شعر از دیدگاه پیامبر اسلام»، «کتابداری نوین در اسلام»، «برگزیده متون ادب فارسی»، «فنون و صنایع ادبی»، «نقشبند سخن» و ... عناوین برخی از نوشته‌های او را تشکیل می‌دهند. وی جزو نخستین چهره‌های ماندگاری است که مورد تقدیر قرار گرفت.

دکتر جلیل تجلیل، محقق و استاد دانشگاه:

مؤلفه زیبایی همه کتاب‌ها، قرآن است

انسان‌های سنگی اند که دل‌هایی از سنگ دارند. درجه نفوذ و تاثیر قرآن در این آیه نشان داده شده است. نوع بلاغتی که در «جامع التواریخ» مطرح شده یا در «عشاق نامه» عراقی مورد توجه شما قرار گرفته، از نوع بلاغتی است که در نهج البلاغه می‌بینیم؟ بلاغت کلام و جمال ادبی امام علی (ع) در نهج البلاغه چنان نیست که با تغییر زبان بتوان به روشنگری آن پرداخت. هرگاه معیار جاذبه و گیرایی سخن را تسخیر جان خواننده یا شنونده بدانیم، بی‌تردید کلام امام علی (ع) پس از کلام پیامبر اکرم (ص) در نخستین پایگاه بلاغت است. تیر کلام او، آن گونه بر هدف جان اصابت می‌کند که شکار جان و روان خواننده را به دنبال دارد. نمونه آن خطبه همام در پاسخ پرسش پژوهشگرانه همام است که می‌پرسد: «صف لی المتقین» و علی (ع) به ایجاز تمام می‌فرماید: «یا همام اتق الله و احسن فان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون» و همام که با این اجمال روبه‌رو می‌شود، تفصیل و اطناب بیشتری می‌طلبد و از ایشان می‌خواهد چنان توصیف تقوا را عنایت کند که نصب العین او باشد و امام توصیفی چنان بلیغ از اوصاف پرهیزکاران می‌آورد که سرانجام روح از کالبد همام پرمی‌کند. آشنایی عراقی با معارف اسلامی چنان است که مضمون‌ها و ترکیب‌های قرآنی از چاه‌هایش پرمی‌تابد و می‌تراود. این استفاده گاهی با تصریح به این که این ترکیب آیت قرآنی است، صورت گرفته است.

منظور من از بلاغت، سبک هر شاعر است. یعنی استعارات و تشبیهاتی که سلمان ساوجی در اشعارش به کار گرفته، با آنچه در «جامع التواریخ» رشیدالدین فضل‌الله آمده، تفاوت دارد. البته هر دو اثر از نظر بلاغت در اوج زیبایی‌اند.

اما «جامع التواریخ» که شعر نیست تا بلاغت آن را از منظر سبک‌شناسی بررسی کنید!

درست است. «جامع التواریخ» هم در تاریخ بودن خود، فصل، وصل و قسمت‌های بلاغی دارد. این کتاب بخشی از نثر فارسی در تاریخ و تاریخ‌نگاری است و از نظر نثر، فکر و آراء اندیشه مربوط می‌شود به معانی و بیان و بلاغت.

بحث دیگر این کتاب، شعر از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) است. در این مورد توضیح می‌دهید؟

این مقاله نقدی بر اکرم (ص) از شعر و شاعری است. در اینجا با ذکر مآخذ معتبر و براهین و ادله روشن، نشان داده‌ام که پیامبر اکرم شاعرانی را که با این آرمان یعنی نیایش، شاعرانی را که با وحی، با اخلاق، شعر خود را در خدمت به این معانی بزرگ قرار داده‌اند، مورد تشویق قرار داده‌اند هم تشویق مالی فرمودند هم تشویق معنوی که موارد آن را در این کتاب آورده‌ام. شعر به طور کلی دهیم افتخاری است که بر فرق مفاخر کائنات می‌درخشد. آنچنان که گویی شاعران را با عناصر هستی مانند باد و آتش و ماه و مهر و زمین و آسمان پیوندی دیرگسل و نستنی جاویدان است. چنان که گفته‌اند خدای را در فرود عرش گنج‌هاست که شاعران کلید آنها هستند.

از این روی است که پیامبر گرامی اسلام (ص) شاعرانی چون عبدالله بن رواحه، کعب بن مالک و حسان بن ثابت را مورد تشویق قرار دادند و از سوی دشمنان رسالت و توحید را نکوهش کرده‌اند.



زبان فارسی است و غایت آن تحصیل در زبان قرآن است تا بتواند این آمیزش و این تنش و این زنجیره همبستگی بین این دو زبان را نشان بدهد. ادبیات فارسی با آمدن آیات قرآنی و احادیث نبوی، افزون بر غنای چندین هزارساله ادب فارسی غنای فوق‌العاده‌ای یافته است. حتی فردوسی را می‌توان از این دیدگاه مورد بحث و بررسی قرار داد.

شما بحث نمایش هنری در قرآن را مطرح کردید. منظور از نمایش هنری کدام نمایش است؟

منظور این است که استعاراتی که در قرآن کریم به کار برده شده، سجع‌ها و آهنگ‌هایی‌اند که در این کتاب الهی به چشم می‌خورند. وصل‌ها و فصل‌ها و ایجاز‌ها، تشبیهات و کنایات، مسائل معانی و بیان، نقد ادبی‌اند که مصدر همه آنها قرآن کریم بوده است. کتاب‌های دیگر هم مؤلفه‌های زیبایی خود را از این کتاب آسمانی گرفته‌اند. این نمایش، یعنی اظهار و تبیین این نکات ظریف و زیبا. نمایش هنری شامل این مباحث و مسائل ادبی در قرآن می‌شود. حتی در باب وضع و فصل و حصر، قطع و مسائل دیگر، علم معانی و در مسائل دیگر علم بیان و خیلی از مسائل دیگر هم می‌شود که ما در کتاب‌های دینی داریم. بعضی از چیزهایی که ایجاد استقلال می‌کند، مثل تمثیل، یا برهان‌سازی و علت‌سازی و علت‌سوزی، این مقاله شامل همه این‌هاست که سال‌ها پیش در مجله یغما چاپ شده بود و خودش نظریه‌ای قابل ارائه است و امیدوارم به تدریج این مطالب در اختیار پژوهندگان قرار داده شود.

بحث بلاغت را که در نهج البلاغه مطرح کردید، آیا از همان نوع است که در «جامع التواریخ» نظر شما را جلب کرد؟

بلاغت نهج البلاغه متکی به بلاغت نبی اکرم (ص) است و بلاغت نبی اکرم هر دو از سرچشمه بلاغت قرآنی است. یعنی این بلاغت از مولد است. یعنی از زاده‌ها و از آورده‌های بلاغت قرآنی است. بلاغت قرآنی قدرتش آن است که در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر این آیات و این قرآن را بر کوه‌های بلند و صخره‌های سخت نازل می‌کردیم، آنها پودری می‌شدند و تاب تحمل این آیات را نداشتند. به خاطر آن عظمت و ارزش الهی که آن آیات دارند.» البته مراد از سنگ،

هنری و نکات ظریفی است که دانشوران بلاغت قرآنی، پیش از این، آن را در قالب اصطلاحات خاص مورد توجه قرار داده و کمتر توفیق شکافتن آن را یافته‌اند. هر چند در این راه، محققان و نقادان بزرگ، چون جاحظ، ابن قتیبه، ابوالهلال عسکری و قدامه و به ویژه عبدالقاهر جرجانی فضل تقدم داشته‌اند. چند تن از محققان معاصر نیز مباحثی از این دقایق را مطرح کرده‌اند. البته سید قطب در اواخر کتابش به نوعی، به کوشش‌های دانشمندان یاد شده ارج می‌نهد. این نویسنده پرتوان، طالبان ادب قرآنی را با پهنه جذاب و فرازهای پر اوج و موج آن آشنا ساخته و تصاویر فنی و هنری قرآن را بررسی کرده است. کتاب «تصویر فنی: نمایش هنری در قرآن» در چهارده فصل تالیف شده است. سید قطب در فصل دوم کتاب با سرآغازی نغز، داستان اعراب را در برخورد با نخستین آیات یاد می‌کند که چگونه با آن سابقه شعر و سخنوری، برخی با دل و جان ایمان می‌آورند و گروهی می‌گریزند. چنان‌که ولید بن مغیره گریخت و داستان این گریز را شرح می‌دهد و آن وقت نتیجه می‌گیرد که ما می‌توانیم از آن پس که سخن را در گستره تعبیر و بیان اختصاص می‌دهیم، از این میدان تجاوز کنیم و از مرزها و نسل‌ها فراتر برویم تا آن جمال فنی خالص را تماشا کنیم. عنصری را تماشا کنیم که در ذات خود دارای استقلال کامل و در نهاد قرآن جاودانه است.

این بلاغت در جاهای دیگر هم قابل مشاهده است؟ چون قرآن کریم متن کلام معظم الهی است، بر این اساس نمط بلاغت است. یعنی تمام کتب بلاغت در دوره‌های اسلامی. البته پیش از آن بلاغت از یونان و ایران و برخی جاها داشته‌ایم. ولی این آثار هم، زیر پوشش بلاغت قرآنی جامی شدند. یکی از معجزه‌های پیغمبر اکرم (ص) کمال سخن قرآن است. این به گونه‌ای است که تمام شاعران، نویسندگان، حکماء، دانشمندان و فیلسوفان به دنبال این سخن هستند. چون آن وحی است که از جانب خداوند و مهندس عالم فرستاده شده تاکنون کسی به آن درجه نرسیده است.

در واقع ما یک عزت و یک افتخار و استقلال فرهنگی و ادبی و بلاغی داریم و ملازمه آن دانستن

آقای تجلیل با توجه به آن که مجموعه مقالات «شرح درد اشتیاق» با رویکرد زیبایی‌شناسی نوشته شده است، چه تعریفی از زیبایی‌شناسی دارید؟

زیبایی‌شناسی امری است که باید همه حواس ظاهر و باطن و حیثیت هر انسانی فطرتاً پاسخگوی آن باشد یعنی زیبایی کلام این است که هدف و غرض خود را به خوبی وارد ذهن و دل خواننده یا شنونده و مخاطب کند و ضمناً او را به نوعی تکریم و احترام و عزت و به صورتی لذت‌یابی از سخن، وادارد. این تعریفی از زیبایی است. پس زیبا و زیبایی آن کرامت خدادادی است که انسان را به احترام، تکریم و دل‌بستگی وادار بکند؛ به هر چیزی که بوده باشد، از اشیاء و عناصر جهان گرفته تا مسائل معقول معنوی. البته این مسئله باید با حکمت همراه باشد و مصلحت جهان بشری و جهان آفرینش و پابندگی انسان را تضمین کند. زیبایی‌شناسی که براساس هوای نفس بشری، خودبینی‌ها و خودبزرگ‌بینی‌های غیرمنطقی استوار باشد، مدفون می‌شود و ماندگار نیست.

از نظر بلاغی، زیبایی آن است که مطابق اقتضای حال باشد. یعنی کلام کاملاً منطبق باشد با اقتضای حال شنونده.

مؤلفه‌های زیبایی در هر دوره‌ای دچار دگرگونی می‌شوند یا ثابت‌اند؟

زیبایی‌شناسی عنصر مرکب ثابت است؛ یعنی عناصرش دائماً عوض می‌شوند اما خودش ثابت است. از آنجایی که باید پاسخگوی طبع زیباپسند و عالی‌شناس انسان باشد، ثابت است، ولی از نظر اجزاء و عناصری که در زیبایی شعر دخالت دارند، ممکن است عنصرهای تازه‌ای کشف شوند. مثلاً در اوزان عروضی از نظر آهنگین، آهنگ‌های متناسب دیگری هم اضافه شوند؛ یا در نویسندگی، نویسندگان امروز به درجه‌ای از بلاغت در نثر رسیده‌اند که خیلی روان و زیبا می‌نویسند گرچه تعدادشان اندک باشد.

ذوق و سلیقه مخاطب دائماً در حال تغییر است. طبعاً حس زیبایی‌شناسی‌اش هم در سنین مختلف عوض می‌شود. این موضوع را چگونه تبیین می‌کنید؟

سلیقه‌ها دو نوع‌اند؛ یکی، سلیقه‌های طبیعی و فطری انسان است که ثابت‌اند. یکی هم داده‌های مکسب آدمی است و اگر طوری تربیت شود که به کمالاتی از اخلاق و انسانیت برسد، همان عنصر هم وارد تعریف زیبایی کلام و تفکر او می‌شود. ولی هرگاه انسان با وجود عشق و دل‌بستگی به زیبایی، بر زیبایی‌شناسی لغزانی است و در معرض فناست؛ پایدار نیست و از بین می‌رود.

یکی از مقالات «شرح درد اشتیاق» درباره آشنایی با تصویر فنی و نمایش هنری در قرآن است. در این زمینه چه توضیحی دارید؟

این مقاله در معرفی کتابی به اسم «تصویر فنی: نمایش هنری در قرآن» است که دانشمند اسلامی سید قطب آن را نوشته و آقای محمدعلی عابدی به فارسی ترجمه کرده است. این کتاب، آفاق تازه‌ای از بلاغت و سخن‌گستری قرآن کریم را فراروی پژوهندگان ادب اسلامی و علاقه‌مندان علوم قرآنی گشوده است.

منظور از این آفاق تازه بررسی گسترده زیبایی‌های



کتابی که خوانده نمی شود

هایدگر در مصاحبه خود با اشپگل درباره کتاب «چه باشد آن چه خوانندش تفکر؟»، می گوید: «شاید این نیز نشانه عصر ما باشد که در میان همه آثار منتشر شده من درست این اثر است که کمتر از همه خوانده می شود». اما چرا این گونه است؟ مگر هایدگر در این کتاب خود به چه پرداخته است؟

آنچه هایدگر در اندیشه خود بسیار بدان توجه داشته، غفلت انسان است. او در اندیشه های متقدم خود، به غفلت انسان از هستی و پرداختن به هستنده ها به جای هستی توجه کرده؛ اما در اندیشه های متأخرش، به غفلت انسان از خود به عنوان موجودی اندیشنده و به طور کلی غفلت از اصل اندیشیدن می پردازد. مسأله اصلی در «هستی و زمان» این است که رویکردهای سنتی به «هستی» و به واقع شکست خورده اند و پرسش بنیادین خود را به جای هستی به هستندگان متوجه کرده اند و این غفلت که ریشه در تاریخ بشری دارد، انسان امروز را با بحران مواجه ساخته و باعث شده انسان که موجودی ذاتا هستی مند است، بی جهان و بی خانمان شود.

اما هایدگر در آثار متأخر خود، به غفلت انسان از جنبه دیگری می پردازد. او معتقد است انسان که موجودی اندیشنده است، اندیشه رافر و گذاشته. انسان مدرن و رابطه او با اندیشیدن، سطحی نگری و اکتفا به پاسخ های پیشین و نبود پرسشگری، لگام گسیختگی تکنولوژی، سلطه آن بر زندگی انسان و بی محتوایی آن چه امروزه اندیشه نام دارد، از دل مشغولی های هایدگر است. در این آثار این اندیشیدن است که از آن پرسش می شود. البته در این جا اندیشیدن درباره چیزی مطرح نیست؛ بلکه این خود اندیشیدن است که مورد پرسش قرار می گیرد.



او انسان را فرامی خواند که وظیفه ای را که از یاد برده به یاد آورد و آن را هر چند دشوار، بر دوش کشد. این وظیفه دشوار همانا اندیشیدن است. هدف او این است که انسان امروز را برانگیزد تا شجاعت و پایداری لازم را برای اندیشیدن به دست آورد. انسان مدرن می پندارد که بیش از هر زمان دیگری در تاریخ، می اندیشد. چرا که هیچ گاه در تاریخ، بشر اینچنین مشتاقانه در تمامی زمینه ها به تحقیق و تفحص نپرداخته است. در هیچ دورانی از تاریخ طرح هایی چنین بلندپروازانه و دور از تصور به نتیجه نرسیده اند. انسان مدرن این قبیل ادعاها را با اتکا به پیشرفت و توسعه فزاینده علم و تکنولوژی و فراگیر شدن آن در تمامی وجوه انسان عنوان می کند. اما هایدگر در آثار متأخر خود از جمله کتاب «چه باشد آنچه خوانندش تفکر» با جسارت این ادعا را مورد چالش قرار می دهد و می گوید: «اندیشه برانگیزترین امر آن است که ما هنوز اندیشه نمی کنیم، گرچه وضعیت جهان همواره اندیشه برانگیزتر می شود.»

حضور دوباره اندیشمند آلمانی در نمایشگاه کتاب

هستی و اندیشه در تفکر هایدگر متأخر



که در وهله نخست به «اندیشیدن» ترجمه می شود، به ما نشان می دهد که منظور از این اندیشیدن نه اندیشه ابژه بین و حسابگر، که دل نهادن و التفات است. پیداست که در این ترجمه نیز تیغ نقد وی به سوی سوژکتیویسم و اومانسیسم است که می خواهد همه چیز را به نفع سوژه انسانی و صرفا به عنوان ذخیره و منبع انرژی ای برای او مصادره کند.

در گام آخر نیز ما با تفسیری از عبارت «هستنده هست» روبه رو می شویم که در آن هستی هستنده به حضور امر حاضر تبدیل می شود؛ یعنی امری که در نزدیک ماست و به نزدیک ما آمده است و خود را برای ما نامستور می سازد و عیان می کند. امر حاضر به عنوان امری که باید به آن دل نهاد و به آن رخصت داد تا پیش روی ما قرار گیرد. اینچنین است که راه حقیقت هموار می شود.

درست بر اساس همین تلقی از هایدگر است که شاید بتوان هم سخن با مترجم فاضل کتاب به این نتیجه رسید که هایدگر هیچ گاه دست و روی از ایده پدیدارشناسی و دسترسی بی واسطه به اشیا، نشست و برنگرداند. چرا که در پرتو چنین نگرشی به اندیشه است که می توان در راه حقیقت گام برداشت.

در پایان به این نکته نیز باید توجه کرد که هایدگر با مقابل هم قرار دادن امر حاضر و دل نهادن به آن در معنای هستی و اندیشه، با این مفهوم هگلی به مخالفت برمی خیزد که «هستی اندیشه است». چرا که اگر هستی اندیشه باشد، همان اتفاقی رخ می دهد که با ظهور نیچه از آن پرده برداشته شد؛ یعنی نیهیلیسم. «هستی اندیشه است» یعنی سوژکتیویسم مطلق؛ در حالی که هایدگر به دنبال آن است تا با حفظ اصالت امر حاضر از طریق گوش فرادادن و دل نهادن به آن، این فرصت را به خود بدهد تا هستی او را به خود فراخواند و درست به همین دلیل است که وی بر این باور است که با رویکردی که در متافیزیک غربی و به دنبال آن علم و تکنولوژی داریم، هیچ گاه فرصت آن را نخواهیم داشت که بیندیشیم؛ یعنی دل بنهیم به حضور امر حاضر. اینچنین است که وی درس گفتارهای خود را با این جمله آغاز می کند که: «ما به آنچه تفکرش خوانند وقتی ره می یابیم که خود فکر کنیم. برای آن که چنین کوششی کامروا شود باید آماده باشیم که تفکر را بیاموزیم. همین که درآمدن به این آموختن را پذیرا گشتیم، پیشاپیش این را نیز پذیرفته ایم که ما را هنوز یاری تفکر نیست.»

وی این هستی است که ما را به تفکر فرامی خواند و چون تاریخ فلسفه غرب، تاریخ فراموشی و غفلت از هستی بوده است؛ بنابراین با وجود همه تکنولوژی ها و موفقیت های ظاهری علمی ما بی خانمان شده و دچار نیهیلیسم و نبود معنا شده ایم. وی در ادامه برای نشان دادن راهکار «هستی اندیش بودن» به تحلیل قطعه مشهور پارمنیدس درباره راه حقیقت می پردازد تا برداشت خود از این گونه اندیشیدن را روشن کند.

پارمنیدس و پرسش از هستی

بند مشهوری در شعر پارمنیدس درباره راه حقیقت وجود دارد که وی در آن می گوید: «لازم است هم گفتن و هم اندیشیدن که هستنده هست». این بند مبنای بحث و تحلیل هایی می شود که هایدگر در ادامه کتاب برای روشن سازی پروژه فکری خود از آن بهره می جوید.

نخستین امری که در این بند توجه ما را به خود جلب می کند، پیوند بنیادینی است که میان هستی و اندیشه وجود دارد؛ یعنی همان امری که هایدگر به دنبال آن است و آن راه برون رفت از بحران کنونی بشر می داند. اما وی در ادامه با موشکافی های زبانی و فلسفی بسیار روی سه بخش این عبارت به تفسیر دیگری از آن می رسد که به کلی از آنچه در وهله نخست از این عبارت فهمیده می شود، متفاوت است.

وی با ریشه شناسی واژه «گفتن» در زبان یونانی، آن را به «رخصت دادن به فرآینش قرار گرفتن» برمی گرداند. درست در همین جاست که وی با اعتراض به ترجمه لاتین از این واژه یونانی (لگه این) به «راتیو»، انحراف بزرگی را نشان می دهد که از نگاه وی در تاریخ فلسفه غرب رخ داده است. به نظر وی، «راتیو» نحوه ای گفتار و نطق است که حسابگر و استدلال کننده است و به هستی نظر ندارد؛ بلکه تماما در پی به دست آوردن قدرت و ابژه سازی همه چیز حتی انسان است و مبنای این نوع از گفتار نیز منطق و لوژیک می شود که خود را به نام بنیان اندیشه بر ما غالب کرده و راه را برای نیهیلیسم و فراموشی هستی باز می کند. در نگاه وی منظور پارمنیدس از «گفتن» یا «لگه این»، این بوده که به جای برنامه ریزی و استفاده ابزاری از چیزها به آنها رخصت دهیم که در برابر ما قرار بگیرند تا هستی از زبان آنها با ما سخن بگوید و ما را به خود فراخواند.

وی در ادامه با ریشه شناسی واژه یونانی «نویه تین»،

پس از انتشار ترجمه سیاوش جمادی از کتاب «هستی و زمان»، اثر مارتین هایدگر، امسال، بیست و دومین نمایشگاه کتاب تهران، اثر دیگری از این اندیشمند آلمانی با ترجمه جمادی را میزبانی کرد. این کتاب در روزهای واپسین قبل از آغاز نمایشگاه از سوی نشر ققنوس منتشر شد تا به نمایشگاه کتاب برسد.

«چه باشد آنچه خوانندش تفکر» مجموعه درس گفتارهای مارتین هایدگر شامل ۲۱ درس گفتار در دو بخش است. این درس گفتارها در دو نیمسال زمستانی و تابستانی در سال های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ میلادی در دانشگاه فرایبورگ ایراد شده اند.

طبق روال معمول، مفسران هایدگر این کتاب را متعلق به اندیشه های متأخر هایدگر می دانند؛ یعنی دورانی که با کارهایی چون «سر آغاز کار هنری» و «افادات در فلسفه» از اواسط دهه ۳۰ قرن گذشته میلادی به بعد آغاز می شود. همان طور که از نام کتاب پیداست، پرسش اساسی آن، پرسش از خود اندیشیدن و تفکر است. این که چرا هایدگر چنین پرسشی را مطرح می کند و به این مسأله می پردازد، خود معلول نگاهی است که وی به تاریخ فلسفه در غرب دارد. تاریخی که وی آن را تاریخ فراموشی هستی می نامد و نتیجه آن را ظهور علم و تکنولوژی و در نهایت بی خانمانی انسان و ظهور نیهیلیسم می داند - امری که هایدگر در این کتاب با یاری گرفتن از نیچه بیان می کند آن جا که نیچه می گوید: «بیابان ها (زمین های لم یزرع) گسترش می یابند».

وی با اعتراض به اندیشه ای که از زمان افلاطون به بعد در طول تاریخ غرب گسترش یافته، یعنی همان تفکر متافیزیکی و تفکری که مدام در فکر اثبات و سلطه جویی و محاسبه گری است، راه خود را به سوی پرسش از خود اندیشیدن باز می کند. وی زمانی که از خود اندیشیدن می پرسد بر این باور است که ما هنوز نمی اندیشیم؛ زیرا اگر اندیشیده بودیم به این وضع گرفتار نمی آمدیم: «مادر زمانه ای زندگی می کنیم که فعل و انفعالات مغز ثبت می شود؛ اما درخت در حال شکوفه دادن به فراموشی سپرده شده است.»

در چنین وضعیتی است که پرسش از خود اندیشیدن معنا پیدا می کند و هایدگر از اندیشیدن می پرسد و می گوید «چه باشد آن چه خوانندش تفکر؟»

ملاحظات زبانی راهگشا

وی راه خود را با تحلیل همین پرسش آغاز می کند. هایدگر با بررسی دلالت هایی که برای فعل «هایسن» در زبان آلمانی مطرح می کند، نشان می دهد که این فعل هم به معنای «خواندن» و هم به معنای «فراخواندن» به کار می رود. «خواندن»، معنای اولی است که از این واژه در وهله نخست به ذهن هر کسی متبادر می شود و به همان معنای «نامیدن» است. در این وضعیت وی می پرسد که چه چیزی را تفکر می نامیم یا بهتر بگوییم معنای تفکر چیست. اما برای آن که در یابیم معنای تفکر چیست، باید بدانیم که مهم ترین چیزی که ما را به تفکر فرامی خواند چیست. به سخن دیگر، اندیشه برانگیزترین امر در زمانه اندیشه برانگیز ما چیست که ما را به تفکر فرا می خواند. پیداست که وی به زیرکی با تحلیل این پرسش راه خود را از معنای نخست فعل «هایسن» به معنای دوم آن می گشاید - فراخواندن. بدین ترتیب عنوان کتاب چنین می شود که چه امری است که ما را به تفکر فرا می خواند. پاسخ هایدگر به این پرسش روشن است. به نظر



۲۸ اردیبهشت ماه روز بزرگداشت خیام نامگذاری شده است. رباعیات عمر خیام تا کنون به زبان های مختلفی ترجمه شده است و حتی در ایران نیز شاهد انتشار برخی نسخه های دو زبانه یا چندزبانه از رباعیات او بوده ایم. دکتر ایرج رستگار، دارای دکترای ارتباطات و روزنامه نگاری از دانشگاه شوچنکو اوکراین است و آذر ماه سال گذشته کتاب دو زبانه «عمر خیام» را در انتشارات بعثت منتشر کرده که یک نسخه دوزبانه فارسی - روسی است. با او درباره انگیزه ترجمه رباعیات خیام به زبان روسی گفت و گویی انجام داده ایم. او معتقد است که در مقایسه بزرگی و گستردگی فعالیت های خیام، به اندازه کافی درباره او کار نکرده ایم.

با دکتر ایرج رستگار، مترجم رباعیات خیام به زبان روسی

خیام اصلی را بشناسیم

چه ضرورت هایی شما را به انتشار کتاب دوزبانه رباعیات خیام به روسی و فارسی ترغیب کرد؟

من در اوکراین روزنامه نگاری خوانده ام. سال ۲۰۰۲ و زمانی که نشریه کاکتوس را به دو زبان روسی و انگلیسی منتشر می کردم، قصد داشتم برای شرکت در یک کنفرانس سرمقاله نویسی به مینسک پایتخت بلاروس بروم. داشتم از کی یف با قطار به مینسک می رفتم. در مرز اوکراین و بلاروس قطار توقف کرد. من هم مثل تمام مسافران پیاده شدم و تصمیم گرفتم از یک پیرزن بستنی بخرم. وقتی فهمیدم از ایران آمده ام، شعری خواند و پرسید: می دانی از کیست؟ گفتم: نه. گفت از رودکی است. می خواستم بگویم من هم ادیبان شمارامی شناسم. شروع کردم به گفتن جمله ای از پوشکین و هنوز تمام نکرده بودم که گفت: پوشکین. و بعد به زبان روسی یک رباعی از خیام خواند: آن کس که به خوبان لب خندان داده است/ خون جگری به دردمندان داده است/ گر قسمت ما نداد شادی غم نیست/ شادیم که غم هزار چندان داده است.

همین داستان باعث شد در روسیه و کشورهای همجوار شروع به جستجو کنم تا ببینم درباره ادیبان ما چه می دانند. در دانشگاه های این کشورها خیام را خوب می شناسند و در کتابخانه ها، بیش از ۳۰ ترجمه مختلف از رباعیات او به زبان روسی وجود دارد و ۱۲ پژوهشگر هم کتاب هایی در تشریح فلسفه، جهان بینی و اندیشه خیام منتشر کرده اند. بیشتر این ترجمه ها از دهه ۱۹۵۰ به این سو انجام شده است. در این جست و جوها متوجه شدم که در برخی از این نسخه ها، حدود ۱۷۰۰ رباعی به زبان روسی وجود دارد در حالی که گفته می شود برخی تنها در انتساب ۷۰ رباعی به خیام شکی وجود ندارد و اگر در برخی نسخه های فارسی بین ۲۲۰ تا ۲۳۰ رباعی از او وجود دارد، به دلیل شباهت هایی است که این رباعی ها با اندیشه خیام دارند.

جالب این بود که در هیچ یک از این ترجمه ها اصل فارسی اشعار وجود نداشت و نکته دیگر این بود که ترجمه مجاری، بلاروسی، اوکراینی، ارمنی و ... رباعیات خیام هم از روی نسخه های روسی انجام

شده است. ناشران این کتاب ها هم به خاطر بازار خوبی که برای رباعیات خیام وجود داشته، هر بار بدون سند، رباعی جدیدی را به دیوان اضافه کرده اند. بنابراین تصمیم گرفتم رباعیات واقعی را پیدا کنم و با نسخه های روسی مقایسه کنم تا هم حرمت خیام حفظ شود، هم روس ها فارسی را در کنار روسی ببینند و هم دانشجویان ایرانی از آن استفاده کنند. حاصل دو سال کار من کتاب «عمر خیام» است که در سال گذشته با سرمایه شخصی در نشر بعثت منتشر شد.

در انتشار این ترجمه روسی، کدام نسخه را اصل قرار دادید؟

یکی از اصلی ترین و قدیمی ترین نسخه های خطی رباعیات خیام به زبان فارسی در موزه سن پترزبورگ نگهداری می شود که حدود ۲۰۰ رباعی دارد. من این نسخه را که اسکنی از آن را در اختیار داشتم، پایه ترجمه روسی خود قرار دادم. البته از رباعیات خیام یک نسخه با همین قدمت هم در فرانسه هست که اساس کار مرحوم فروغی قرار گرفته است.

با توجه به اینکه در نسخه های روسی رباعیات خیام، رباعی های متعددی هست، برای بازاریابی این کتاب کاری انجام داده اید یا اصلا می توان کاری انجام داد؟

درد من بازار روسیه نیست. درد من ناشر روسی که به دنبال سود مالی خود می گردد نیست. مساله این است که گاه دیده می شود نسخه ای از رباعیات خیام به مهمانان خارجی هدیه می شود که تمام این رباعیات جعلی را در خود جای داده است. خیام اولین کسی است که در جهان درباره معادلات درجه اول و درجه دوم اظهار نظر کرده است و ۱۰۰ سال پیش محققان فرانسوی اعلام کرده اند که او نخستین کسی است که نهصد سال قبل درباره این معادلات کار کرده است. من در جایی این اعتراض را مطرح کردم و جواب من این بود که آن نسخه روسی خیلی قشورتر است، پس شما که کاری نکرده اید! این خیانت به ادبیات فارسی است. برخی از روی ناآگاهی یک نسخه جعلی را به اسم فردی مثل عمر خیام به اهالی کشورهای دیگر هدیه می کنند.

با دکتر قدمعلی سرامی درباره پژوهش تازه اش از رباعیات خیام

من مرتبت بلند و پستی دانم

در شخصیت پارادوکسیکال و متضاد خیام جست و جو می کنم. او ادامه می دهد: «به نظرم می رسد که او درون و زندگی متناقضی داشته و با گروه های مختلف سلوک می کرده است. او از یک سو از دانشمندان ترین افراد زمان خود است و از نجوم و ریاضیات گرفته تا فرهنگ عامه و قرآن و حدیث را خوب می شناسد؛ تا حدی که او را «حکیم» می خوانند اما از طرف دیگر خدا این فهم را به او داده است که اذعان کند از حقیقت کار سر در نمی آورد. خیام در رباعیات خود از حق عدول نکرده و گفته است: با همه آنچه می دانم، هیچ نمی دانم؛ من باطن نیستی و هستی دانم/ من مرتبت بلند و پستی دانم/ یا این همه از دانش خود شرمم باد/ گر مرتبه ای و رای هستی دانم».

او در ادامه می گوید: «مستی در عرفان مرحله ای است که عارف در آن از همه دانش های جزئی رسته، صیقل پیدا کرده و نقش حیرت را نگاه داشته است. او کسی است که حقیقت کلی را می داند. او کشف کرده است که دشمن آدمیزاد در راه معرفت کلی، خودش است و تا گرفتار خودمان هستیم و شر آگاهی از سر ما کم نشده است، عارف نخواهیم شد.» سرامی درباره وجه دیگر شخصیت خیام می گوید: «وظیفه ای که فطرت

بهناز قاسم خانی: گستردگی مضامین و علمی که خیام این حکیم نیشابوری قرن ۵ و ۶ در طول دوران زندگی خود به آنها پرداخته است، به حدی است که هر قدر درباره او و اندیشه هایش پژوهش شود، باز هم کم است. دکتر قدمعلی سرامی در پژوهش تازه خود درباره خیام و رباعیات او، که بخش هایی از آن در مقاله ای با عنوان «دانش مستی» در مجله ترویج زبان و ادبیات فارسی منتشر شده است، به اندیشه و عرفان این رباعی سرا و دانشمندان ایرانی پرداخته است.

دکتر قدمعلی سرامی از خیام هم با همان عشقی حرف می زند که از مولانا او در پاسخ به این سوال که با چه انگیزه ای سراغ پژوهش درباره خیام رفته است، می گوید: «خیام شخصیتی است که همه گروه ها او را متعلق به خود می دانند. عده ای او را متشعری می دانند، عده ای فیلسوف و عده ای ملحد و هر یک او را به یک وضعیت اندیشگی منتسب می کنند. اما آنچه در شخصیت خیام برای من جالب توجه است، این که در روزگار سیاه سلجوقی که به خاطر اختلافات مذهبی آدم می کشند، کسی بتواند به گونه ای زندگی کند که با وجود فعالیت در رشته های مختلف از آسیب هایی که عین القضاات ها را به پای چوبه دار برد، جان به در ببرد. من دلیل این امر را



مطرح کرده است که از این مسائل برای ترسیم نقش کاشی ها استفاده کند و این بسیار جالب است که مبحثی که او در آن روزگار برای طرح کاشیکاری مطرح کرده است، امروز به عنوان یکی از بنیان های اصلی علم هندسه مطرح است.

درباره وجه علمی خیام چه میزان کار انجام شده است؟

در مقایسه با حجم کاری که او در طول حیات خود انجام داده است، هیچ! ابداع تقویم جلالی به دستور ملکشاه سلجوقی در اصفهان که تا امروز هم از آن استفاده می شود و کامل ترین تقویم دنیاست، کار او بوده است. یکی از حفره های کره ماه به نام خیام نامگذاری شده است. او ۱۷ اثر علمی در حوزه های حساب، جبر، هندسه، فلسفه، نجوم، پزشکی و موسیقی دارد.

درباره بسیاری از شاعران و دانشمندان ایرانی کاری انجام نداده ایم. یک اندیشمند ژاپنی که به این عربی علاقه مند شده بود، برای خواندن آثار او زبان عربی می آموزد و امروز در کانادا استاد این عربی است. بعد ما از او دعوت می کنیم که به ایران بیاید و درباره این دانشمند ایرانی برای ما سخنرانی کند!

نیکلسون انگلیسی زبان فارسی را یاد گرفته است و تصحیحی را برای شعر مولانا نوشته و ما اثر او را ترجمه کرده ایم و در دانشگاهها تدریس می کنیم! این مساله درباره خیام هم مصداق دارد و میزان کاری که روی آثار او انجام داده ایم، در مقایسه با عظمت شخصیت او هیچ است.

الهی در انسان ها به وجود آورده این است که اینار کنند و به جهان شادی ببخشند. خیام برای انجام این وظیفه در خود اسیر نماند. چون اگر کسی در خود اسیر شود، شادی تمام می شود. شادی درها کردن خویش است که هستی می یابد. در بسیاری از رباعیات او خود را به نادانی می زند. او معتقد است که با به دست آوردن دانش های جزئی نمی توان آنها را شناخت، بلکه باید برای شناخت آنها تر کنشان کرد.»

او درباره این مقوله که برخی خیام را ملحد می دانند می گوید: «من در کار خود نشان می دهم که او عارف به معنی کامل کلمه است و او را از این جهت عارف می دانم که با کنار زدن دانش های جزئی به معرفت رسیده است. خیام در همه جای آثارش در مقوله های ریاضی، نجوم و ... خدا را قبول دارد و او را سپاس می گزارد و در سراسر رباعیات او هم چیزی که نافی وجود خداوند بزرگ باشد، وجود ندارد. اگر برخی از اهالی تصوف او را سرگردان و نابینا خوانده اند از آن جهت است که او را به درستی نشناخته اند.»

سرامی ادامه می دهد: «هنر بزرگ خیام هنر خوش بودن و خوش باشی اوست و روان او ضرورت شاد زیستن را در هیچ آنی انکار نمی کند. او در تمام آفات شادی را تبلیغ می کند.»

کتاب دکتر سرامی درباره خیام تا کنون به صفحه پنجاهم رسیده است و بخشی از آن در مقاله ای تحت عنوان «دانش مستی» منتشر شده است. او امیدوار است که تا پایان سال جاری بتواند این کتاب را به پایان برساند و پس از طی مراحل نشر، آن را در انتشارات «ترفند» منتشر کند.



آرش تنهایی، فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیباست و از سال ۱۳۸۰ در حوزه طراحی پوستر و طراحی جلد کتاب فعالیت می‌کند. او شرکت در بیش از سی نمایشگاه گرافیک و نقاشی، همچنین دبیری نمایشگاه بیست و پنج سال پوستر تئاتر را در کارنامه فعالیت‌هایش دارد. «پژوهشی درباره پوسترهای انقلاب در ایران» و «زنان گرافیک ایران» از دیگر آثار تنهایی است که تا چندی دیگر روانه بازار کتاب خواهد شد. «پنجاه پوستر از ۱۰ طرح گرافیک» عنوان کتابی است که در گفت‌وگوی حاضر با آرش تنهایی به آن پرداخته‌ایم.

نویسنده کتاب «پنجاه پوستر از ده طرح گرافیک»:

تهران جایی برای نصب پوستر فرهنگی ندارد

چنین مقاله یا مقدمه‌هایی در این کتاب را از قلم خودتان چگونه توجیه می‌کنید؟

احساس من این بود که این کتاب حاصل کار گروهی ۱۰ طرح، از جمله من و مجید کاشانی بود که گردآوری این مجموعه را به عهده داشتیم. شاید این کتاب محل مناسبی برای ارائه پژوهش و مقاله‌های شخصی‌ام نبود. به گمان من باید چنین کاری در یک کتاب پژوهشی با رویکردی تاریخی مورد توجه قرار گیرد.

به عنوان یک طراح و در عین حال پژوهشگر تاریخ گرافیک، مطالعه و بررسی تاریخ گرافیک چه تأثیری بر شما و آثارتان گذاشته است؟

از عنوان‌هایی که مطرح کردید، می‌ترسم. یاد ممیز می‌افتم که عده‌ای به او می‌گفتند پدر گرافیک ایران، عده‌ای هم می‌گفتند فرزند گرافیک ایران و او از این نام‌ها فرار می‌کرد و کار خودش را می‌کرد.

من یک طراح گرافیک هستم؛ تعدادی هم مقاله و کار پژوهشی انجام داده‌ام. من خود را یک پژوهشگر حرفه‌ای نمی‌دانم اصلاً هم قصد شکسته‌نفسی و تعارف ندارم. به نظرم ما هنوز پژوهشگر و منتقد حرفه‌ای در عرصه گرافیک نداریم که از این طریق امرار معاش کند؛ ما افرادی هستیم علاقه‌مند به پژوهش. متأسفانه مفهوم کلمه حرفه‌ای در جامعه ما به اشتباه به کسی اطلاق می‌شود که کار خود را به خوبی انجام می‌دهد. در صورتی که حرفه‌ای یعنی کسی که از طریق این حرفه امرار معاش کند. تازمانی که من نتوانم از طریق حق‌التالیف کتاب‌ها و مقالاتی که می‌نویسم زندگی کنم خودم را یک آمانور و یک علاقه‌مند می‌دانم. اما در جواب باید بگویم دانایی نسبت به مسیر طی شده تاریخی در هر رشته‌ای از علم یا هنر برای هر کسی مفید است. ما تاریخ را می‌خوانیم تا از تجربه‌های تلخ پرهیز کنیم یا تجربه‌های شیرین آن را مرز کنیم. متأسفانه چون تاریخ مکتوبی در حوزه گرافیک نداریم، امکان این استفاده برای همه افراد جامعه گرافیک ما وجود ندارد. من راه حل‌ها و چالش‌هایی که طراحان گرافیک با آن روبه‌رو شده‌اند را شنیده‌ام، دیده‌ام، خوانده‌ام و بررسی کرده‌ام، بی‌شک چیزهای بسیاری از آنها را آموخته‌ام و امیدوارم روزی بتوانم این لذت را با دیگر همکارانم تقسیم کنم؛ گرچه به صورت محدود این کار را در مصاحبه‌هایم با پیشگامان گرافیک ایران و مقالات و نوشته‌هایم انجام می‌دهم.



جذب مخاطب ببینند، اما من اینطور فکر نمی‌کنم؛ پوستر تئاتر شروع نمایش است و دریچه‌ای برای راه یافتن به دنیای یک اجرا.

برگردیم به بحث تاریخ گرافیک. دو سال قبل دبیری نمایشگاه بیست و پنج سال پوستر تئاتر را بر عهده داشتید. در آن نمایشگاه، آثار زیادی از پوسترهای تئاتر جمع‌آوری شد. آیا قصد انتشار آنها را ندارید؟

سال ۱۳۸۶ به عنوان مدیر هنری به جشنواره تئاتر فجر رفتم، ولی پس از مدتی احساس کردم با مسیر پر پیچ و خم و ناهمواری مواجه‌ام که برداشتن این موانع از توان من خارج است. در این حین پیشنهاد برگزاری نمایشگاه بیست و پنج سال پوستر تئاتر با استقبال دکتر سرسنگی دبیر جشنواره روبه‌رو شد. در آن نمایشگاه چیزی حدود ۷۰۰ پوستر جمع‌آوری شد که بخش عمده آن بی‌شک در معرض نابودی بود که در نمایشگاه مذکور برای اولین بار به نمایش درآمد؛ نمایشگاه برگزار شد، اما نه جوایز برگزیدگان اهدا شد و نه حق‌الزحمه داوران و کتابی هم که قرار بود منتشر شود هیچ‌گاه منتشر نشد. اکنون دو سال پس از آن ماجرا من همچنان به گردآوری آن پوسترها ادامه می‌دهم و ماحصل مجموعه‌ای شده است از پوسترهای تئاتر ایران در دوران مختلف، ولی به علت حجم کار و رنگی بودن پوسترها، انتشار این مجموعه در توان هر ناشری نیست.

با توجه به مقالات و نوشته‌هایی که در زمینه تاریخ پوسترهای تئاتر منتشر کرده بودید، جای خالی

فرهنگی‌ای که دارند، اجازه می‌دهند پوسترهایی از این دست بر در یا شیشه مغازه‌ها نصب شود، جای دیگری برای نمایش ندارند. این انتقاد بزرگی است که من به این شهر و مدیریت شهری آن دارم. اما این که چرا کارگردان‌ها طراحان پوستر را نمی‌شناسند یا به آنها سفارش نمی‌دهند بحث دیگری است. متأسفانه برخی از کارگردان‌های تئاتر پوستر را جدی نمی‌گیرند و پوستر برای آنها مقوله مهم و حائز اهمیت نیست. من بارها شاهد بوده‌ام که یک کارگردان با چه وسواس و دقتی بازیگرهای نمایش خود را انتخاب می‌کند که اگر این دقت درباره طراح پوستر صورت می‌گرفت وضعیت پوسترهای تئاتر کمی بسامان‌تر بود.

پوستر تئاتر با چه روشی تهیه می‌شود و چه تفاوت‌هایی با دیگر پوسترها دارد؟

خوشبختانه هنوز پوسترهای تئاتر را کارگردان‌ها سفارش می‌دهند و مانند پوسترهای فیلم این مسئله به دست تهیه‌کنندگان نیفتاده است؛ از این رو فاجعه‌ای که بر سر پوستر فیلم آمد، بر سر پوسترهای تئاتر نخواهد آمد. در پوستر تئاتر با یک سفارش دهنده آگاه روبه‌رو هستیم که انتظار دارد پیام اثرش را به مخاطب منتقل کنیم. ماهیت پوستر تئاتر روایتگری است. کمتر پوستر تئاتری دیده‌ام که به اندازه یک پوستر موسیقی یا پوستر نمایشگاه انتزاعی باشد. نمی‌خواهم نسخه کلی ببچم؛ برخی ممکن است پوستر تئاتر را پوستر لوکس، تزئینی و بی‌تأثیر در

نمایشگاه و کتاب «پنجاه پوستر تئاتر» یک قطعه از پازلی است که شما آن را مدت‌هاست با نوشتن مقالات و جست‌جوی تاریخ گرافیک شروع کرده‌اید. نظر شما در این باره چیست؟

نمایشگاه به نوعی می‌تواند قسمتی از آن پازل باشد؛ چرا که جست‌وجو برای یافتن شاخه‌های مختلف گرافیک و ثبت تاریخی آن همیشه برای من مهم بوده و این نمایشگاه می‌تواند بخش کوچکی از این تلاش باشد. اما این نمایشگاه مستقیماً چنین هدفی را دنبال نمی‌کند. من و مجید کاشانی در نظر داشتیم با گردآوری این کتاب فاصله‌ای که میان کارگردان‌های تئاتر و طراحان پوستر که پوستر تئاتر از دغدغه‌های اصلی‌شان بود را پر کنیم و این شاید با یک تیر دو نشان زدن بود.

با توجه به این که کارگردان‌های تئاتر طراحانی را که در این کتاب معرفی شده‌اند می‌شناسند، آیا معرفی این طراحان در کتاب یک دور باطل نیست؟ این طور فکر نمی‌کنم؛ به شخصه به عنوان طراحی که بیش از بیست پوستر تئاتر طراحی کرده بارها شاهد بوده‌ام که کارگردان‌هایی که به من پوستر سفارش داده‌اند، پوسترهای من را ندیده بودند، گرچه دوستان دیگر شهرت بیشتری دارند اما فکر نمی‌کنم خانواده تئاتر شناخت زیادی از توانایی‌ها و بضاعت خانواده طراحان گرافیک داشته باشند. بارها از دوستان تئاتری‌ام شنیده‌ام که جز مرحوم مرتضی ممیز، قبادشویب، ابراهیم حقیقی و حسین خسروجریدی طراحان دیگری را نمی‌شناسند.

شاید بتوان این گونه نتیجه‌گیری کرد که چون این پوسترها در سطح شهر کمتر به نمایش درمی‌آیند و کارکردی تزئینی پیدا کرده‌اند، از این رو شناخت کمتری نسبت به طراحان آن وجود دارد.

متأسفانه تا حدود زیادی این حرف درست است؛ کلان شهری مثل تهران جایی برای نصب پوستر ندارد و پوسترهایی که در سطح شهر دیده می‌شوند محدود شده‌اند به پوسترهایی چون کلاس‌های کنکور، آموزشگاه‌ها و خدمات شهری که فکر می‌کنم در مکان‌های غیرقانونی و غیرمجاز نصب می‌شوند. متأسفانه شهر ما جایی برای نصب قانونی یک پوستر فرهنگی چون تئاتر، موسیقی و نمایشگاه نقاشی ندارد و به جز تعدادی از کتابفروشی‌ها، کافه‌ها و فروشگاه‌هایی در حول حوش میدان انقلاب تا چهارراه ولیعصر (عج) که به خاطر علاقه و دغدغه‌های

احسان استیروی؛ مراسم سومین جایزه «آثار برتر نمایشی» هفته گذشته در سالن تپه‌ون خانه هنرمندان ایران، از سوی خانه تئاتر ایران برگزار شد و طی آن آثار برتر نمایشی در سال گذشته معرفی شدند. یکی از این آثار برگزیده در بخش نمایشنامه‌های چاپی «قصیده شب نمناک» نوشته علی ثقفی بود. این نویسنده که فارغ‌التحصیل رشته ادبیات نمایشی از دانشگاه تهران است، تاکنون بارها در جشنواره‌های مختلف به خاطر «قصیده شب نمناک» مورد تقدیر قرار گرفته است. با او گپ و گفت کوتاهی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌آید.

قصیده شب نمناک چه درونمایه‌ای دارد؟

این نمایشنامه جامعه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد که پول در آن حرف اول را می‌زند و آدم‌های شایسته از جایگاه خود حذف می‌شوند یا اصلاً

در گفت‌وگو با علی ثقفی عنوان شد

دشواری‌های نمایشنامه‌نویسی اجتماعی

توجه به مسائل اجتماعی است. میراث فرهنگی یا فرهنگ‌های لغات تلاش می‌کنند تا بخشی از میراث معنوی ما را حفظ کنند، اما گویی مادر این میان‌فراموش کرده‌ایم که تئاتر چه ظرفیتی در ثبت و ضبط روابط آدم‌ها در یک اجتماع و در یک زمان مشخص دارد. «آدم‌ها چه روابطی با هم دارند؟»، «این روابط چگونه شکل گرفته است؟» و «زبان و ادبیات مردم چگونه است؟» اینها سوالاتی است که می‌توان پاسخشان را در یک نمایشنامه اجتماعی یافت، اما متأسفانه رویکرد اجتماعی در میان نمایشنامه‌نویسان ما کم‌رنگ شده است. من به دلیل یافتن همان پرسش‌هایی که مطرح کردم به نمایشنامه‌های اجتماعی علاقه‌مندم.

نمی‌توانند جایگاهی را که درخور آن هستند، به دست آورند؛ چرا که در چنین جامعه‌ای هر کس می‌تواند به اهداف خود با سرمایه دست یابد، یا به سخن بهتر، جایگاه و شأن اجتماعی را با پول بخرد. در «قصیده شب نمناک» آدم‌هایی را می‌بینیم که به رغم شایستگی‌شان نمی‌توانند موقعیتی درخور کسب کنند و در مقابل فردی را می‌بینیم که هیچ شایستگی در هیچ زمینه‌ای ندارد و تنها به خاطر پول هر موقعیتی را که می‌خواهد کسب می‌کند.

چرا در نمایشنامه‌هایتان تا این حد به مسائل اجتماعی می‌پردازید؟

فکر می‌کنم آنچه در تئاتر ایران بسیار کم‌رنگ شده

چرا نمایشنامه‌های ایرانی به سمت فضاهای انتزاعی می‌روند؟

یکی از دلایل آن است که بسیاری از اهالی تئاتر ما از فضاهای دانشگاهی برآمده‌اند و یک ذهنیت روشنفکرانه خاص دارند. این افراد بدون خودآگاهی جذب فضاهایی می‌شوند که با لازمه و ضرورت جامعه ما کاملاً بیگانه است. علاوه بر این، نوشتن نمایشنامه اجتماعی بسیار سخت است؛ چرا که در آن، نمایشنامه‌نویس در دیالکتیک یک مدل بیرونی، یعنی وضعیت اجتماعی و قواعد درونی اثر قرار می‌گیرد؛ به این معنا که اگر بخواهد تنها مدل بیرونی و وضعیت اجتماعی را منعکس کند، درام قربانی می‌شود و اگر بخواهد کاملاً بر اساس و اصول درام حرکت کند، واقعیت اجتماعی مخدوش می‌شود؛ به این ترتیب رعایت هر دوی این الگوها و جمع کردن‌شان در یک اثر کاری دشوار است.

روزنامه داری؛ شهر فراموش شده

«روزنامه نگاری و روزنامه داری» به قلم حسین انتظامی، ماه‌های پایانی سال گذشته از سوی دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها چاپ و توزیع شد. این کتاب که امسال در غرفه این انتشارات در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه شده است، از آثاری است که به موضوعاتی چون اقتصاد رسانه‌ای و بررسی شیوه‌های مدیریت مالی و اداری مطبوعات می‌پردازد.

همواره از ابتدای شکل‌گیری مطبوعات در ایران، پاشنه آشیل رسانه‌های فارسی زبان، وابستگی مالی به اشخاص، احزاب یا دولت بوده است. این وابستگی مالی، رسانه‌های فارسی زبان را از مسیر اصلی حرفه روزنامه‌نگاری خارج کرده و در بسیاری موارد نشریات را تاحد بولتن‌های حزبی یا تریبون‌های شخصی نازل کرده است. این روند باعث شده مطبوعات ایران به سبب وابستگی کامل مالی و برای ادامه حیات خود، مخاطب را فراموش کنند. در چنین نشریاتی گزارش‌ها، گفت‌وگوها، یادداشت‌ها و مقاله‌های نشریه نه برای ارضای نیازهای مخاطب که تنها برای ارضای کارفرما تحریر شده‌اند. توانایی یک رسانه برای اداره امور مالی خود نیز در آمدازی و عدم وابستگی به سرمایه‌گذار همیشه، اصلی‌ترین عامل استقلال رسانه و پیشرفت آن در جلب افکار عمومی است از این رو کتاب «روزنامه‌نگاری و روزنامه‌داری» که راهکارها و شیوه‌های توفیق مطبوعات در امور اقتصادی و اداری را می‌کاود، می‌تواند برای مدیران نشریات، علاقه‌مندان به اقتصاد رسانه، دانشجویان و دانش‌پژوهان ارتباطات، علوم اجتماعی، مدیریت و اقتصاد قابل توجه باشد.

مؤلف این کتاب خود از مدیران موفق مطبوعات فارسی زبان بوده است. وی در این کتاب تلاش کرده تا تجربیات خود را در این رشته بیان کند. او در مقدمه کتاب تأکید می‌کند که در ابتدا قصد تألیف کتاب نداشته و به تحریر چند مقاله اقدام کرده است و می‌نویسد:

«نبود مدیریت کارآمد یکی از دلایل اصلی عدم توفیق مطبوعات است. اگر با مدیریت صحیح مطبوعات و جدی گرفتن وجه اقتصادی آن بتوانیم صنعت مطبوعات را اقتصادی کنیم، رونق، نشاط و ماندگاری آن تضمین می‌شود و همین بالندگی، سایر دلمردگی‌های این فضا را تا حدی التیام خواهد بخشید.»

تاکنون آثار بسیاری در زمینه مکتب‌ها، نظریه‌ها، رویکردها و تکنیک‌های مطبوعاتی چاپ و منتشر شده‌اند، اما به ادعای انتظامی؛ «تاکنون هیچ تالیف حتی ترجمه‌ای درباره مدیریت مطبوعاتی و کارکرد اقتصادی مطبوعات نداشته‌ایم». این در حالی است که اقتصاد رسانه‌ها، یکی از مباحث اصلی مربوط به حوزه رسانه است و این مبحث در دهه‌های اخیر به صورت علمی مجاز در دانشکده‌های بسیاری از کشورهای تدریس شده است.

این نکات اهمیت انتشار چنین کتابی را در ایران مشخص می‌کند. اما درباره محتوای کتاب حاضر و ثمر بخش بودن آن نمی‌توان به راحتی اظهار نظر کرد. «روزنامه‌نگاری و روزنامه‌داری» از نظر ادبیات تألیف یک کتاب، فاقد انسجام لازم است. همان‌گونه که مؤلف در مقدمه خود تأکید می‌کند: «قرار بود این مطلب در قالب یک مقاله مطبوعاتی آماده شود». از سوی دیگر، مؤلف کتاب، نه یک شخصیت علمی و آکادمیک و نه یک تئورسین و نظریه‌پرداز حوزه رسانه‌ها، بلکه تنها مدیری است که تجربیاتش در مدیریت رسانه را خاطره‌وار نقل کرده است. هر چند مورد آخر را می‌توان یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب دانست. حال که مدرسان دانشگاه و شخصیت‌های آکادمیک از این مبحث غافل مانده‌اند، چرا مدیران تجربی، حاصل فعالیت‌های حرفه‌ای خود را شرح ندهند؟ مطالعات این تجربیات شاید در برخی موارد عینی، مفیدتر و به واقعیت‌های رسانه‌های کشور نزدیک‌تر باشد.

انتظامی کتاب خود را در پنج فصل تحریر کرده است



اما فصل بندی‌های او نشان از عدم آشنایی اش با شیوه تحریر و تقسیم بندی کتاب‌های آکادمیک دارد. فصل نخست از پنج فصل کتاب، تنها شش صفحه است. وی برای این صفحات عنوان «آسیب شناسی مطبوعات» را برگزیده که مخاطب هوشیار را با این سوال مواجه می‌کند که چگونه در این حجم اندک، مطبوعات آسیب شناسی شده‌اند؟ نویسنده در این شش صفحه تنها به چند مورد کلی پرداخته است که به باور او عرصه را بر مدیریت مطبوعات ایران تنگ کرده است. اما دومین فصل کتاب که «اقتصاد مطبوعات» نام گرفته، جذاب‌تر از فصل نخست است. مؤلف در این فصل تجربه‌های خود در مدیریت برخی از روزنامه‌های موفق فارسی زبان را مرور کرده و به صورت موردی درباره مسائل مختلفی چون «قرارداد نویسی»، «توزیع»، «آگهی»، «شرکت‌های خدماتی»، «برون سپاری»، «سامانه اطلاعات مدیریت» و «عوامل موثر بر تیراژ» نوشته است.

سومین فصل کتاب با نام «منابع انسانی» شاید قابل درک‌ترین مبحث کتاب باشد. توجه نویسنده به جزئیات این مبحث قابل توجه است و ذکر اموری بسیار جزئی (به عنوان مثال نامه‌های دست‌نویس درون سازمانی) را می‌توان نکته‌ای شایسته در کتاب حاضر دانست. در این فصل مؤلف از کلی‌گویی پرهیز کرده و به جزئیاتی می‌پردازد که مخاطب به خوبی با آنها ارتباط می‌گیرد. حتی اگر نظر مؤلف برای مخاطب قابل قبول نباشد، اشاره او به امور جزئی، مخاطب را ناچار به تفکر درباره این امور می‌کند.

در دو فصل پایانی کتاب، مؤلف مستقیماً تجربیاتش را نقل می‌کند. فصل چهارم در دو بخش به ذکر آموخته‌های انتظامی از حضور در گروه مدیریتی دو روزنامه «همشهری» و «جام جم» اختصاص دارد. فصل پایانی نیز «تجربیات» نام گرفته و از عنوانش پیداست که مؤلف قصد ورود دارد. این بخش از کتاب «روزنامه‌نگاری و روزنامه‌داری» فاقد پیوستگی و انسجام است. نویسنده تنها مطالب گوناگون را با شماره از هم جدا کرده است و در هر شماره به موضوعی می‌پردازد.

انتظامی تلاش کرده با افزودن بخشی به نام «پیوست‌ها» کتابش را کاربردی‌تر کند. وی در صفحات پایانی کتاب «جدول زمانی تحولات روزنامه جام جم»، «تحولات موضوعی روزنامه همشهری»، «شیوه‌های عناوین و اسامی در روزنامه همشهری»، «آیین‌نامه تعامل رسانه‌های کاغذی همشهری و بخش الکترونیک این نشریه» و «آیین‌نامه آرشو عکس» را درج کرده است.

کتاب ۱۶۰ صفحه‌ای «روزنامه‌نگاری و روزنامه‌داری»، به عنوان تنها الگوی چاپی از شیوه‌های روزنامه‌داری و اولین کتابی که به موضوعاتی پیرامون اقتصاد و مدیریت رسانه پرداخته است و اقدامی خوب است، گرچه انتشار این کتاب با عجله همراه بوده است و ناپیوستگی و عدم انسجام محتوایش مخاطب را سردرگم می‌کند.

پشت پرده جدال ژورنالیستی



شهاب وفايي: بشر از دیرباز شاهد وقوع جنگ بوده است، جنگ‌های قبیله‌ای، جنگ بین دو کشور، جنگ منطقه‌ای و حتی جنگ جهانی که وقوع تمامی آنها خسارات جانی و مالی بسیار فراوانی را به جامعه بشریت تحمیل کرده است. همگام با پیشرفت آدمی در عرصه‌های مختلف علم و فن آوری، ساختار جنگ‌ها نیز دچار تغییر و به نوعی پیشرفت شد.

در جریان جنگ‌ها، همواره عده‌ای به عنوان نیروهای اطلاعاتی عمل کرده‌اند و با ارسال خبر و آمار و اطلاعات، باعث پیروزی یا شکست جبهه‌ای در مقابل جبهه دیگری شده‌اند؛ از کبوترهای نامه‌رسان گرفته تا جاسوسان حرفه‌ای و دو طرفه. اما این روزها، یعنی در آغاز هزاره سوم، وضعیت به قدری تغییر کرده که به صراحت می‌توان گفت اطلاعات و اطلاع‌رسانی، جزء برترین راهبردهای یک جبهه برای رسیدن به پیروزی در جریان جنگ‌های گوناگون به حساب می‌آید.

این موضوع تا آنجا پیشرفت کرده که «جنگ نرم» به عنوان جنگی گسترده و فراگیر در سراسر عالم معرفی شده است. از انواع و اقسام جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای است، موضوعی که دو مین جلد از مجموعه کتاب‌های جنگ نرم را به خود اختصاص داده است.

در این کتاب که توسط حمید ضیایی پرور به رشته تحریر درآمده و از سوی انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران روانه بازار نشر شده به پرسش‌هایی نظیر چیست جنگ رسانه‌ای، نحوه کاربرد، شناخت کاربران، جایگاه آن در سیاست بین‌الملل و نحوه بهره‌برداری از فنون آن در رسانه‌های ملی می‌گوید.

بهرتر است قبل از هر بررسی و نقدی درباره کتاب «جنگ نرم» تعریفی از جنگ رسانه‌ای ارائه شود. شاید بنیادی‌ترین تعریف از جنگ رسانه‌ای

یا «Media war» استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات برای دفاع از منافع ملی است. در حقیقت، جنگ رسانه‌ای یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های جنگ نرم یا «soft war» و جنگ‌های جدید بین‌المللی است.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که رابطه جنگ رسانه‌ای با جنگ‌های نظامی چیست؟ آیا جنگ رسانه‌ای تنها همزمان با جنگ نظامی کاربرد پیدا می‌کند؟

پاسخ این پرسش می‌تواند تا حدود زیادی گستره جنگ رسانه‌ای را مشخص کند. ضیایی پرور (نویسنده اثر) معتقد است: «جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیررسمی ادامه دارد و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه‌ها، بهره‌گیری می‌کند.»

به گفته ضیایی پرور، جنگ رسانه‌ای، ظاهراً بین رادیو و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و سایت‌های اینترنتی جریان دارد. اما واقعیت آن است که در پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام «سیاست رسانه‌ای یک کشور» یا همان «policy media» نهفته است و به طور مستقیم توسط بودجه رسمی مصوب پارلمان‌ها یا بودجه‌های مخفی سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و سرویس‌های جاسوسی تغذیه می‌شود. سربازان جنگ رسانه‌ای نیز متخصصان تبلیغات، طراحان راهبردهای تبلیغات بین‌المللی و کارگزاران رسانه‌ها هستند.

یک تفاوت عمده بین جنگ رسانه‌ای با جنگ نظامی در این است که در جنگ نظامی، افراد کشته، زخمی و اسیر و ساختمان‌ها ویران می‌شوند و خسارت‌های مالی و جانی بسیاری به بار می‌آید. اما در جنگ رسانه‌ای، هیچ خونریزی رخ نمی‌شود و به اصطلاح جنگی آرام، بهداشتی و تمیز درمی‌گیرد؛ جنگی که در صفحات روزنامه‌ها و پشت میکروفون رادیو و صفحات تلویزیون‌ها، عدسی دوربین‌ها و خطوط اینترنت جریان دارد. اگر بخواهیم به نمونه‌ای بارز از جنگ رسانه‌ای اشاره کنیم باید به زمان

پیش از آغاز جنگ آمریکا علیه عراق بازگردیم؛ زمانی که راهبر طراحی شده توسط عراق باعث شد ۵۲۷ خبرنگار که در اردوگاه‌های آمریکایی و انگلیسی حضور داشتند، اخبار را از دریچه دوربین‌های خود و البته از زاویه نگاه مهاجمان به جهان منبأ کنند. آن روزگار همگان دیدند که به جز سرنگونی رژیم صدام حسین، آغاز اشغالگری عراق و مظلومیت مردم بی‌دفاع آن کشور چگونه در هیاهوی رسانه‌ها و جنگ رسانه‌ای غربی‌ها گم و خفته شد. ضیایی پرور در این کتاب، طی چهار فصل به موضوع جنگ رسانه‌ای می‌پردازد. او در فصل اول پس از ارائه تعریفی از جنگ رسانه‌ای، به عنصر تبلیغات و کاربرد آن در جنگ رسانه‌ای، انحصار رسانه‌ای، جنگجویان رسانه‌ای، تبلیغات و جنگ، جنگ و سانسور خبری، دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا و رسانه‌ها و نوحفاظه کاران آمریکا اشاره می‌کند. فصل دوم با عنوان ابزارهای جنگ رسانه‌ای، به بررسی نقش و عملکرد رادیوهای دولتی، بین‌المللی و بین‌المللی عرب، جنگ پارازیت‌ها و تلویزیون‌ها، واحد جهانی خبر، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، خبرگزاری‌ها و چالش‌های رسانه‌های الکترونیکی مدرن می‌پردازد. این نویسنده «کاربرد و جنگ رسانه‌ای» را به عنوان موضوع فصل سوم کتاب خود انتخاب کرده و به بیان سابقه عملکرد رسانه‌ها در جنگ، کاربرد ماهواره‌ها در جنگ اول خلیج فارس، مقایسه پوشش خبری جنگ اول و دوم خلیج فارس، پروژه خبرنگاران همراه، دستور العمل پنتاگون و کاخ سفید، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها در انتشار اخبار جنگ و ... می‌پردازد.

فصل چهارم نیز به موضوع «ایران و جنگ» رسانه‌ای می‌پردازد و موضوعات جالبی را نظیر رادیوهای فارسی زبان، سایت‌های اینترنتی فارسی، مطبوعات و خبرگزاری‌ها، تأثیر رسانه‌های الکترونیکی جدید بر ایران، اقدامات و توانمندی‌های ایران و آسیب‌پذیری ساختار رسانه‌ای در ایران مطرح می‌کند. چاپ سوم کتاب «جنگ نرم ۲» (ویژه جنگ رسانه‌ای) از سوی موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با قیمت ۲۴۰۰ تومان به بازار کتاب عرضه شده است.



کاوه رحمانی

در بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، طبق دوره های گذشته، در مراسم اختتامیه برنامه ای هم به تقدیر از برترین ناشران داخلی در حوزه های مختلف اختصاص داشت. در این راستا، تعدادی از ناشران در بخش خصوصی، دولتی، وابسته به دولت و ... بر اساس معیارهایی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد تقدیر قرار گرفتند. با این ناشران درباره فعالیت ها و برگزیده شدنشان گپ و گفتی کوتاه زده ایم که در پی می آید.

با ناشران برگزیده نمایشگاه بیست و دوم

نمایشگاه، اطلاع رسانی موفق داشت

بردن استانداردهای کانون شویم. حوزه فعالیت مان را نیز متنوع کردیم که این هم باعث جلب نظر مخاطبانمان در نمایشگاه شده بود. علاوه بر اینها، ما برخی از کتاب هایمان را در فرمت و شکل و شمایل جدیدی ارائه کردیم. کتاب های الکترونیکی که به صورت سی دی ارائه شد، کتاب - پوسترهایی که قابلیت نصب روی دیوار دارند و کتاب های بریل کودکان و نوجوانان از جمله این کتاب ها بودند.

یک ناشر برتر چه معیارها و اصولی را در کارش لحاظ می کند؟

توجه به نیازها و علایق مخاطب یکی از بارزترین ویژگی های یک ناشر موفق به شمار می آید؛ البته سنجش این نیازها کار دشواری است و به دقت و گاهی پژوهش و تحقیق نیز نیاز دارد. ناشری که به نیاز مخاطب خود توجهی ندارد باعث هرز رفتن وقت، انرژی و سرمایه های کشور می شود و اثری را تولید می کند که هیچ نقشی در فرآیند پیشرفت فکری و فرهنگی جامعه ندارد.

برخی از ناشران برگزیده، توزیع را مهم ترین مشکل ناشران می دانند. آیا شما هم این مشکل را در چرخه نشر دارید؟

کانون پرورش فکری مراکز فرهنگی - هنری متعددی دارد و این مراکز که تعدادشان هفتصد مرکز است در فرآیند توزیع بسیار موثرند و عملاً مشکل توزیع را برطرف می کنند.

امسال چند عنوان کتاب را در غرفه انتشارات کانون پرورش فکری به مخاطبان ارائه کردید؟
ما حدود هزار و صد و پنجاه اثر را به نمایشگاه امسال بردیم که از این تعداد صد عنوان آن آثاری بود که در فاصله نمایشگاه پیشین تا نمایشگاه امسال منتشر شد.

مدیر انتشارات سوره مهر

انتخاذ سیاست های بلند مدت

انتشارات سوره مهر حدود سیصد و پنجاه اثر را در غرفه خود به نمایش گذاشت. این انتشارات صد و شصت اثر جدید نیز ارائه کرد و هیئت داوران بیست و دومین نمایشگاه کتاب سوره مهر را به عنوان ناشر برگزیده سی سال پژوهش، تاریخ نگاری و ادبیات انقلاب اسلامی معرفی کردند. محمد حمزه زاده مدیر انتشارات سوره مهر درباره شیوه کار و راهبردهای این انتشارات با کتاب هفته گفت و گو کرد.

چه تدابیری را برای پیشرفت و کسب مدارج در خور برای انتشارات تان اندیشیده اید؟

یکی از برنامه های ما برای معرفی انتشارات سوره مهر، تولید کتاب در دیگر حوزه های زبانی بود. ما تاکنون کتاب هایی را به زبان های انگلیسی، اردو، ترکی استانبولی و عربی، منتشر کرده ایم که توانسته در گسترش مخاطبان سوره مهر موثر باشد. از دیگر برنامه های ما انتشار نشریه ای تخصصی در زمینه نقد و تحلیل کتاب بود. اما برنامه ای که به گمانم سبب شده انتشارات سوره مهر به عنوان ناشر برگزیده معرفی شود، اتخاذ یک سیاست بلندمدت برای این انتشارات بود. ما سیاستی بلندمدت برای چاپ و انتشار اتخاذ کردیم که مطابق آن بیشتر در زمینه موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی فعالیت کرده و می کنیم. وجود یک سیاست بلندمدت موجب نظام مند شدن فعالیت های سوره مهر و در نتیجه موثر شدن آثار آن شده است.

از دید شما یک ناشر برتر چه ویژگی هایی دارد؟



تخصصی ما در آنها فعالیت می کنند. مشکل اصلی شما در فرآیند تولید و چاپ کتاب چیست؟

مهم ترین مشکل ما و بسیاری از ناشران مسئله توزیع است. البته این یک مشکل بسیار قدیمی است که همه اصحاب نشر، نسبت به آن واقف اند. همین مشکل باعث شده که آمار مطالعه ما نیز پایین بیاید؛ در واقع چون ویتترین های کتاب در ایران کم است، مردم برای دستیابی به کتاب هایی که به آنها نیاز دارند، با مشکل فراوان روبه رو هستند یا اساساً از چاپ برخی آثار مطلع نمی شوند.

چه راه حلی برای رفع این مشکل دارید؟

یکی از راه حل های این مسئله حضور دولت و معاونت فرهنگی وزارت ارشاد در فرآیند مدیریت توزیع کتاب است. اما مهم ترین موردی که تمایل دارم از این تریبون درباره آن صحبت کنم شأن فعالان حوزه کتاب و نشر است. به زعم من اگر صداوسیما با توان بیشتری در حوزه کتاب فعالیت کند؛ به تبلیغ کتاب نگاه اقتصادی نداشته باشد و با ساخت برنامه هایی به صورت بلند مدت برای بالا بردن شأن و جایگاه همه اصحاب نشر، از مولف گرفته تا ناشر و کتابفروش، برنامه ریزی کند، ناخودآگاه وضعیت توزیع نیز بهتر می شود؛ چراکه در این صورت یک تشنگی نسبت به کتاب به وجود خواهد آمد و مخاطبان خود به دنبال کتاب می روند.

مدیرمسئول انتشارات کانون پرورش

سنجش نیاز مخاطب

حمیدرضا شاه آبادی مدیرمسئول انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از ناشرانی است که با چاپ آثاری چون مجموعه داستان «کمپوت گیلاس»، در عرصه تالیف نیز فعال است. انتشاراتی که او مدیریت آن را بر عهده دارد، در سال جاری و در کنار انتشارات مدرسه برهان در بخش کودکان و نوجوان به عنوان ناشر برگزیده معرفی شد.

چه تدابیری سبب شد که انتشارات کانون پرورش فکری یکی از ناشران برگزیده نمایشگاه بیست و دوم باشد؟

انتشارات کانون پرورش فکری در طول سال ها فعالیت خود به یکی از ناشران قابل اعتنا و معتمد مردم تبدیل شده است. ما نیز تلاش کردیم تا علاوه بر حفظ این اعتبار بر کیفیت کتاب هایمان بیفزاییم و باعث بالا

مهم ترین ویژگی انتشارات «محراب قلم» چیست؟
بارزترین ویژگی ما انتشار کتاب های مرجع برای کودکان و نوجوانان است. ما با تهیه کتاب های مرجع در حوزه های مختلف قصد داریم کودکان را با زمینه های مختلف فکری آشنا کنیم تا این سرمایه های ملی در آینده و در مرحله انتخاب، گزینش های بهتری داشته باشند.

مدیر انتشارات مدرسه برهان

شأن اصحاب نشر را بالا ببریم

انتشارات موسسه مدرسه برهان در حوزه ناشران کودک و نوجوان به عنوان ناشر برگزیده، معرفی شد. این انتشارات با اهداف تحقیق، تالیف و انتشار کتاب و نشریات علمی، آموزشی، کمک آموزشی، تربیتی و مذهبی برای دانش آموزان و فرهنگیان و ایجاد تسهیلات برای دستیابی معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش به تازه ترین کتاب های منتشر شده و محصولات فرهنگی، فعالیت خود را آغاز کرده است. آنچه در پی می آید گفت و گویی با علی اصغر فیضی زاده مدیرمسئول انتشارات مدرسه برهان است.

چه ملاک هایی را در تولید کتاب مد نظر قرار می دهید؟

انتشارات مدرسه برهان تلاش می کند در وهله اول کتاب هایی تولید کند که به لحاظ سخت افزاری کیفیت مطلوبی داشته باشد و در عین حال سعی می کنیم که در مسائل نرم افزاری کتاب هم دقت فراوانی داشته باشیم. این دقت در وسواسی که در مقابله کتاب با متن اصلی نویسنده دارید، خود را نشان می دهد. اما از دیگر فعالیت های ما در این زمینه تشکیل ۱۴ گروه کارشناسی بوده است. این گروه ها از کارشناسان خبره آموزش و پرورش و معلمان با سابقه تشکیل شده اند. به علاوه، شورایی را نیز به عنوان شورای تالیف در مجموعه مدرسه برهان داریم. این شورا از تعدادی از مولفان و مسئولان انتشارات تشکیل شده است که با سنجش نیازهای دانش آموزان، معلمان و دیگر تکاپوگران حوزه تعلیم و تربیت، به نویسنده، سفارش تالیف می دهد و اثر او را نیز به لحاظ کیفی بررسی می کند.

گروه های تخصصی که به آنها اشاره کردید در چه زمینه هایی فعالیت می کنند؟

ادبیات، معارف اسلامی، ریاضیات، شیمی و مسائل تربیتی از حوزه هایی است که گروه های چهارگانه

مدیر انتشارات «محراب قلم» آشنایی کودکان با همه زمینه های فکری

انتشارات محراب قلم، از نخستین ناشران کودک و نوجوان پس از انقلاب اسلامی است که در بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به عنوان ناشر برگزیده انتخاب شد. عبدالعظیم فریدونی مدیرمسئول محراب قلم با آن که اوضاع نشر در حوزه کودک و نوجوان را چندان پویا ارزیابی نمی کند، اما با تلاشی مداوم سعی در احیای جایگاه کتاب کودک و نوجوان دارد. وی در گفت و گوی کوتاه زیر این نکته را شرح داده است.

امسال با چند عنوان کتاب در نمایشگاه شرکت کردید؟

انتشارات محراب قلم در بیست و دومین دوره نمایشگاه کتاب تهران بیش از چهارصد عنوان کتاب به مخاطبان و علاقه مندان ارائه کرد که در این میان ۷۴ عنوان کتاب برای نخستین بار در این دوره عرضه شد. **چه عواملی باعث شد که شما به عنوان یکی از ناشران برگزیده معرفی شوید؟**

فکر می کنم یکی از مهم ترین دلایلی که محراب قلم را مستحق چنین عنوانی کرد، کیفیت کتاب های ماست. شما می توانید هم در میان کتاب های برگزیده سال و هم کتاب های تقدیری جایزه کتاب سال آثاری از محراب قلم را ببینید. علاوه بر این، ما در جایزه کتاب سال و لایت هم کتاب برگزیده داشتیم. تعدادی از آثار ما جوایز جشنواره های رشد و انجمن ناشران را دریافت کرده و کتاب برگزیده فصل هم داشته ایم. کسب این تعداد جایزه از انواع جشنواره های کتاب می تواند مؤید کیفیت آثار ما باشد و تصور می کنم این امر برای داوران مهم بوده است. از دیگر سوما کتاب های تالیفی فراوانی هم داشتیم که می تواند امتیازی مثبت برای کار یک ناشر به حساب بیاید.

سومین عامل موثر در جلب نظر داوران تولید کتاب های مرجع برای کودکان و نوجوانان بوده است. چنانچه می دانید تولید یک کتاب مرجع می تواند سال ها وقت و انرژی یک ناشر را به خود اختصاص دهد.

این کتاب های مرجع در چه حوزه هایی تالیف شده اند؟

دایرةالمعارف اینترنتی که حدود چهارصد صفحه بود و چهار سال زمان صرف تولید آن شد یکی از مهم ترین آثار مرجع بود که در نمایشگاه ارائه شد. دایرةالمعارف «شگفتی های جهان»، «تاریخ»، «جهان»، «زمین» و «پوشاک بین الملل» هم از دیگر آثار مرجع مهم ماست.

معیار شما برای یک ناشر برتر و برگزیده چیست؟

به نظر من مهم ترین معیار برای شناسایی یک ناشر خوب، کار حرفه ای است؛ به این معنا که ناشر خوب، ناشری است که تمام هم و غم خود را صرف حرفه نشر کند. او باید به همه ابعاد و ویژگی های کار نشر تسلط داشته باشد و علاوه بر این که مراحل سخت افزاری تولید کتاب مانند مراحل چاپ و صحافی را می شناسد، نسبت به مسائل نرم افزاری نیز تسلط داشته باشد و به زمینه های مختلف علمی و هنری آگاهی داشته باشد. متأسفانه گاهی با ناشرانی روبه رو می شدیم که انگیزه های تجاری دارند؛ یا این که تمرکزشان بر کار نشر نیست و این فعالیت را در کنار چندین زمینه اقتصادی دیگری گیری می کنند و مشخص است که چنین ناشری نمی تواند حرفه ای باشد.

انتشارات پیدایش از سال ۱۳۶۸ فعالیت خود را در حوزه انتشار کتاب های کودکان و نوجوانان آغاز کرده است.

مدیرمسوول دلیل ما

سالن ناشران عمومی بهترین سالن نمایشگاه

مدیرمسوول انتشارات «دلیل ما» بیان اینکه کیفیت خدمات ارایه شده در بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نسبت به سال گذشته بهتر و مناسب تر بود، گفت: سالن ناشران عمومی یکی از معدود سالن هایی است که با چیدمانی مناسب غرفه بندی شده است و کمترین مشکل را دارد.

یدالله سعدی ادامه داد: هرچند ناشران عمومی مشکلات محدودتری نسبت به دیگر ناشران دارند، ولی سالن های دیگر مثل کودک و نوجوان و ناشران عربی مشکلاتی برای چیدمان غرفه ها و فاصله راهروها وجود دارد که امیدواریم دست اندرکاران برگزاری نمایشگاه سال آینده درصد رفع آن باشند. وی با اشاره به افزایش حضور ناشران در نمایشگاه بیست و دوم گفت: افزایش تعداد ناشران نیازمند فراهم ساختن ساز و کارهای مناسب و فضاهای جدید است تا بتوان پاسخگوی نیاز مخاطبان و علاقه مندان حوزه کتاب بود. سعدی همچنین درباره سهولت رفت و آمد مردم به نمایشگاه اظهار داشت: نزدیکی ایستگاه های مترو با مصلی تهران، همچنین افزایش تعداد خودروهای رایگان داخل محوطه نمایشگاه برای رفت و آمد عموم نیز توانست رضایت جمعی را به دنبال داشته باشد.

وی با اشاره به ایجاد بخش ویژه ای با عنوان «حضرت زهرا (س)» در نمایشگاه امسال گفت: این بخش ویژه که همزمان با روزهای شهادت این بانوی بزرگ اسلام همراه بود، با استقبال خوبی از سوی مخاطبان برگزار شد و تقدیر از مسوولان نمایشگاه برای ایجاد این بخش ضروری است، زیرا موجب ارزش نهادن به ایشان و احیای دوباره کتاب های منتشر شده در این حوزه بود. سعدی تصریح کرد: در این سالن بیش از یک هزار و ۵۰۰ عنوان کتاب با محوریت موضوع زندگی حضرت زهرا (س) در غرفه ای با عنوان کوثر ارایه شده بود که با توجه به تخفیف ۵۰ درصدی آثار در آن، بیش از ۸۰ میلیون جلد کتاب به فروش رفت. مدیرمسوول انتشارات «دلیل ما» راه اندازی این سالن را در علاقه مندی و جذب بیشتر مخاطب به سوی این شخصیت بزرگ اسلامی تاثیر گذار دانست و گفت: بسیاری از نوجوانان و جوانان پس از اطلاع از وجود این غرفه به سمت آن می آمدند و با حجم گسترده ای از کتاب های شخصیت شناسی، زندگی نامه و... وی آشنا می شدند و آثار را خریداری می کردند.

وی با اشاره به دلایل برگزیده شدن «دلیل ما» در نمایشگاه بیست و دوم گفت: این انتشارات امسال به دلیل کیفیت مناسب آثار، همچنین انتشار کتاب هایی متناسب با نیاز مخاطبان در حوزه اهل بیت (ع) برگزیده شد که یکی از افتخارات این مرکز به شمار می آید. به گفته سعدی، این انتشارات امسال با ۱۰۲ عنوان کتاب جدید و ۲۴۶ عنوان کتاب تجدید چاپ در موضوعات دین، احادیث، معارف و اهل بیت (ع) در نمایشگاه امسال شرکت کرد.

وی با بیان اینکه مجموعه ۲۵ جلدی «موسوعه حضرت زهرا (س)» یکی از آثار جدید و برگزیده این انتشارات در نمایشگاه امسال بود، اظهار داشت: این مجموعه به عنوان دایرة المعارف کاملی از زندگی حضرت زهرا (س) است که به سه دوره زندگی ایشان قبل از این عالم، در این عالم و پس از این عالم می پردازد. سعدی همچنین به کتاب «موسوعه این ادیس حلی» اشاره کرد و گفت: در این کتاب نیز مجموعه آثار ابن ادریس، به قلم سید مهدی خراسان بررسی شده است. وی تصریح کرد: همچنین در روزهای نمایشگاه مجموعه چهار جلدی «درس هایی در نقد وهابیت» به قلم نجم الدین طبری و سه اثر جدید از محمدرضا حکیمی منتشر شد. انتشارات «دلیل ما» در بخش کتاب های بزرگسالان بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از حیث چاپ و محتوا به عنوان ناشر برگزیده شهرستان ها انتخاب شده است.

آثار تولید شده با ویژگی های مناسب کمی و کیفی در نمایشگاه امسال انتخاب شده است. اظهار داشت: در این زمینه، توجه به فعالیت های حرفه ای در کار نشر و در نظر گرفتن اصول اساسی در کار نشر می تواند موجبات موفقیت را فراهم آورد. وی با اشاره به اینکه انتشارات پیدایش طی سال ها فعالیت در حوزه نشر برای تولید کتاب با کیفیت، خوب و مناسب تلاش کرده است، گفت: کتاب با کیفیت معیاری دارد که از آن میان می توان به بداعت اثر و توجه به نیاز مخاطب به عنوان مهمترین معیارهای کتاب مناسب اشاره کرد. مدیرمسوول انتشارات پیدایش، همچنین درباره لزوم نیازسنجی از مخاطبان برای انتشار آثار مناسب توضیح داد: در این زمینه، نیاز مخاطبان این انتشارات که اغلب



مدیرمسوول انتشارات پیدایش

دسترسی آسان مخاطبان به نمایشگاه

مدیرمسوول انتشارات «پیدایش»، ناشر برگزیده بخش کودک و نوجوان بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، با اشاره به استقبال مردم از نمایشگاه کتاب گفت: نمایشگاه امسال، از نظر حضور کمی بازدیدکنندگان بهتر از سال گذشته بود، دسترسی مراجعه کنندگان به نمایشگاه آسان تر شده و این خود در حضور گسترده عموم مردم در نمایشگاه تاثیر گذار بود.

محسن طائب با بیان این مطلب افزود: وجود ایستگاه های مترو در مصلی تهران، موجب تسهیل رفت و آمد مردم به نمایشگاه شده بود و پس از گذشت سه سال، مردم به خوبی توانستند با راه های دسترسی به نمایشگاه کتاب تهران آشنا شوند. وی ادامه داد: البته در برخی موارد مشکلاتی وجود دارد که برای مثال، بارش باران موجب ناراحتی برخی ناشران شد که می توان با اقدامات پیشگیرانه از بروز چنین مواردی جلوگیری کرد.

وی درباره فضای برگزاری نمایشگاه نیز پیشنهاد کرد: بهتر است برای فضای سالن ها، دستگاه های تهویه هوای مناسب پیش بینی شود تا عموم مراجعه کنندگان و کارکنان موسسات انتشاراتی دچار کمترین مشکل های جسمی و تنفسی در روزهای برگزاری نمایشگاه شوند.

طائب با بیان اینکه، این انتشارات به دلیل ارایه

تصور می کنم در حوزه نشر به جای آن که به کمیت اهمیت دهیم، باید به کیفیت آثار بها بدهیم. گرچه تعداد آثار تولیدی هم مهم است و انتشارات ما هم تلاش دارد تا نیاز مخاطبان را با تولید آثار فراوان در زمینه معارف مرتبط با انقلاب اسلامی تامین کند، اما مهم تر از تعداد کتاب ها، کیفیت و محتوای آنهاست. ممکن است ناشری با تولید دوپست اثر، تاثیر گذارتر و مفیدتر از ناشری باشد که پانصد کتاب در طول یک سال تولید می کند. از این گذشته، ناشر برتر باید با هدفی مشخص وارد عرصه نشر شود. داشتن این هدف همان طور که اشاره کردم، موجب تمرکز ناشر و سامان بخشیدن به فعالیت های او می شود.

مدیرمسوول بوستان کتاب قم

برنامه ریزی برای سال آینده

مدیرمسوول انتشارات بوستان کتاب قم، با اشاره به استقبال گسترده مردم از بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران گفت: اطلاع رسانی مناسب از سوی رسانه های مختلف، معرفی برنامه های نمایشگاه قبل از برگزاری و همچنین ارایه آثار شایسته از جمله دلایل موفقیت این نمایشگاه محسوب می شود.

محمد کاظم شمس با بیان این مطلب ادامه داد: خوشبختانه امسال رسانه ها با قوت بیشتری، یاری رسان نمایشگاه بودند و توانستند با اطلاع رسانی گسترده درباره برنامه ها و کتاب های نمایشگاه، در جذب مخاطب کمک خوب و شایانی انجام بدهند. وی از همکاری و دقت نظر مسوولان برگزاری نمایشگاه در جانمایی غرفه ها و سالن ها به عنوان یکی دیگر از دلایل موفقیت نمایشگاه امسال نام برد و افزود: هرچند در برخی روزها به دلیل ازدیاد جمعیت، رفت و آمد در راهروها سخت شده بود، اما خوشبختانه امسال نمایشگاه با مشکلات کمتری نسبت به سال گذشته برگزار شد. شمس با بیان اینکه این انتشارات امسال، یک و نیم برابر سال گذشته افزایش فروش داشته است، گفت: استقبال عموم مردم از کتاب های دینی و روایات نسبت به سال گذشته رشد ۱۵۰ درصدی داشت.

وی تصریح کرد: نمایشگاه امسال با تلاش و همت دست اندرکاران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای سومین سال متوالی در مصلای امام خمینی (ره) تهران برگزار شد و امکانات اجرایی امسال در مقایسه با دو سال گذشته، تفاوت های بسیاری داشت.

شمس با بیان اینکه برنامه ریزی برای برگزاری نمایشگاه سال آینده باید از اکنون آغاز شود، عنوان کرد: نباید فکر کرد، فرصت پیش رو زیاد است و می توان در فرصت مناسب، برنامه ریزی انجام داد. برای بهتر برگزار شدن برنامه های نمایشگاه، پیش بینی امور مختلف می تواند موثر باشد.

وی در ادامه با اشاره به مشکلات حوزه نشر کتاب در کشور اظهار داشت: مشکل عمومی نشر کشور در سه بخش اطلاع رسانی، شبکه توزیع و ویرتین کتاب است، مشکلی که هر چه می گذرد به دلیل بی توجهی دست اندرکاران این حوزه بیشتر می شود. شمس با بیان اینکه اغلب مردم منتظر برگزاری نمایشگاه کتاب هستند و در اردیبهشت ماه خود را به نمایشگاه می رسانند، گفت: احساس می شود عطش مطالعه کتاب در مردم بسیار است اما نمی توان به درستی به این عطش پاسخ داد و برگزاری نمایشگاه های کتاب استانی می تواند در این زمینه یاری رسان حوزه نشر باشد. وی تصریح کرد: این نمایشگاه می تواند به معنای واقعی نمایشگاه باشد و فقط نمایش کتاب باشد و ناشر مخاطب سنجی کند نه اینکه به دنبال فروش کتاب باشد. به گفته شمس، این انتشارات با ۹۰۰ عنوان کتاب در موضوعات اندیشه اسلامی، قرآن، حدیث، تاریخ، سیاسی، اجتماعی، فلسفه فقه و فلسفه کلام در چهار غرفه سالن های عمومی، کودک و نوجوان، بازار جهانی کتاب و کتاب های عربی در نمایشگاه شرکت داشته است.

وی همچنین درباره پر مخاطب ترین کتاب های بوستان کتاب قم در نمایشگاه توضیح داد: کتاب «مباحث فلسفی اسلامی و عرفان اسلامی» یکی از پر فروش های این مرکز بود و مجموعه ۱۳ جلدی



زهرة نیلی

در گفت و گو با ناشران تأکید شد

نیاز کتاب کودک و نوجوان به ویرین

دانش آموزان کنکوری از نمایشگاه را هدفمند می دانند و می گویند: «باید کیفیت بازدیدکنندگان را بالا ببریم و بازدید آنها از نمایشگاه را هدفمند کنیم.»

هر متر مربع ۳۰ یورو

مینو فرشچیان، مدیر بخش بازار جهانی کتاب با اشاره به این که تعدادی از ناشران کودک در این بخش شرکت کرده و توانسته اند با بعضی ناشران خارجی برای فروش حق مولف، مذاکره کنند می گویند: «کتاب های کودک به لحاظ تصویری، قابلیت مطرح شدن در بازارهای جهانی را دارند، اما چون ایران، عضو قانون کپی رایت نیست، تنها تعداد محدودی از ناشران با توجه به ارتباطات خود با ناشران موفق شده اند به خرید و فروش حق مولف بپردازند.»

فرشچیان از ارسال فراخوان برای همه ناشران خبر می دهد و می گویند: «متأسفانه خود ناشران، علاقه چندانی برای شرکت در این بخش نشان ندادند، شاید به این دلیل که به ازای هر متر مربع، باید ۳۰ یورو پرداخت می کردند اما ناشران فعال در حوزه کودک و نوجوان باید در این نمایشگاه شرکت کنند و آثار خوب خود را در برابر دید علاقه مندان بگذارند.»

اختصاص غرفه ها به میزان فعالیت

محسن یگانه، مدیر اجرایی انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان است. امسال هم مانند سال های گذشته، مدیریت سالن کودک نمایشگاه کتاب و آگاداری غرفه ها به انجمن فرهنگی سپرده شده است؛ غرفه هایی که متر از آن به گفته یگانه بر اساس تعداد صفحات، عناوین و شمارگان بوده است.

او با اشاره به این که بعضی ناشران به اصطلاح «زیر سقف» هستند و برخی دیگر «در چادر» می گویند: «ناشرانی که متر از بالای ۱۰۰ متر درخواست کرده بودند، زیر چادر و خارج از فضای اصلی سالن قرار گرفته و خواه ناخواه از ترتیب قبلی جدا شده اند، چرا که امکان تقسیم این فضاها به متر از کوچک تر وجود ندارد. از سوی دیگر بعضی ناشران، خیلی دیر ثبت نام کردند و ما ناچار شدیم به هر دلیل به آنان غرفه بدهیم اما ثبت نام بی موقع آنان موجب به هم ریختن ترتیب قبلی شد.»

یگانه با اشاره به واگذاری ۲۱۴ غرفه به ۲۶۰ ناشر می افزاید: «امسال ناشران کودک با ۱۴ هزار عنوان کتاب در نمایشگاه شرکت کرده و غرفه های خود را ۱۰ روز پیش از آغاز به کار رسمی نمایشگاه، تحویل گرفته اند. این فاصله چندروزه، زمان خوبی بود تا غرفه خود را آماده کنند و شکایات خود را با ما در میان بگذارند.» وی می افزاید: «البته انتشارات شبابویز چنین نکرد. این ناشر، ۲۸ متر درخواست و ۲۴ متر دریافت کرده بود که قطعاً اگر شبابویز، پیش از شروع نمایشگاه، اعتراض می کرد و شکایت خود را با ما در میان می گذاشت، تدبیری برای مشکلش در نظر گرفته می شد.»

وی در پاسخ به این که چرا انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان امسال هم مانند سال های گذشته با اسباب بازی ها و وسایل کمک آموزشی بسیار در نمایشگاه شرکت کرده بود می گویند: «قطعاً اگر کانون یک ناشر خصوصی بود، مانع فعالیتش می شدیم اما با توجه به سابقه انتشارات کانون و شرایط ویژه اش نمی توانیم ضوابطی را که برای دیگر ناشران در نظر گرفته ایم، درباره کانون اعمال کنیم.»

از یگانه می پرسیم: برخی فکر می کنند که شرایط بهتری برای پنجاه و هشت ناشر عضو انجمن فرهنگی در نظر گرفته شده است؟ و او پاسخ می دهد: «شرایط برای همه یکسان بوده، اما فرصت ما برای پاسخگویی به تک تک ناشران و راضی و مجاب کردن آنها کافی نبوده است.»



مجموعه تهیه کنند، از سوی دیگر، بعضی خانواده ها دوست دارند به فرزندان خود، کتاب هدیه دهند و این گونه مجموعه ها به چشم می آیند.»

فتاحی، دلیل استقبال نکردن ناشران از مجموعه های طنز را سختی این گونه ادبی می داند و معتقد است: «خندانان مردم اگر با مسخره کردن و لودگی همراه نباشد، کار بسیار دشواری است. انتشار نمایشنامه ها نیز با مشکل روبه رو است، چرا که ناشران فکر می کنند زمانی می توانند به چاپ این گونه کتاب بپردازند که قابلیت اجرا و نمایش برای آن وجود داشته باشد.»

استقبال از کتاب های آموزشی

نیلوفر تیموریان، مدیر انتشارات ایرانیان از دیگر ناشرانی است که با ۳۰ عنوان کتاب تازه در دو بخش ناشران عمومی و کودک و نوجوان شرکت کرده است. او به استقبال خوب مخاطبان از کتاب های آموزشی و روان شناسی اشاره می کند و می گویند: «پیش از این بزرگسالان به کتاب هایی چون «راز» پناه می بردند اما اکنون آموزش و پرورش و کتابخانه ها نیز خواهان این گونه آثار برای نوجوانان هستند.»

او با اشاره به این که همه بازدیدکنندگان، مخاطبان جدی کتاب نیستند می گویند: «اگر همه این افراد، خواننده واقعی کتاب بودند، شمارگان ما ۱۵۰۰ یا دو هزار نسخه نبود. از سوی دیگر اگر بخش کمک آموزشی را از نمایشگاه حذف کنیم، تعداد بازدیدکنندگان به نصف کاهش می یابد.»

تیموریان معتقد است اگر کتاب ها از بخش خوبی برخوردار باشند و به راحتی در اختیار خوانندگان قرار بگیرند، بسیاری از مشکلات برطرف می شود.

اصل، رضایت بازدیدکنندگان است

علیرضا متولی، مدیر انتشارات رویش، ۲۰ سال است که در نمایشگاه کتاب شرکت می کند. او نیز چون نادر قدیانی و حسین فتاحی بر این باور است که کتاب کودک از نبود فضای کافی و لازم برای نمایش رنج می برد. از این روست که نمایشگاه به مکانی برای خرید و فروش کتاب تبدیل می شود، نه فضایی برای آشنایی با نویسندگان، ناشران و آثار مختلف. او همچنین بر این باور است که در سالن کودک و نوجوان، باید فضایی به این گروه سنی اختصاص یابد تا کتاب های مورد علاقه خود را ببینند و آنچه را دلخواهشان است، انتخاب کنند. متولی نیز، توزیع را یکی از ضروریات دانست که باید به آن توجه شود. او گمان می کند زمانی که بخش خوبی وجود نداشته باشد و کتاب در اختیار مخاطب قرار نگیرد، نمی توان انتظار چندانی داشت. او بازدید هیئت های علمی، دانشجویان و

مدیر انتشارات قدیانی درباره کتاب های طنز آمیز و انتشار آثاری در قالب نمایشنامه گفت: «من مجموعه طنز منتشر کرده ام اما موفق نبوده است. در حوزه نمایشنامه نیز، نمایشنامه خوبی در این گروه سنی وجود ندارد یا من نمی شناسم، اگر می شناسید معرفی کنید...»

حق مؤلف را به رسمیت بشناسیم

اگر قانون کپی رایت را به رسمیت بشناسیم، کتاب های موفق تری در حوزه بین الملل خواهیم داشت. حسین فتاحی، نویسنده کودک و نوجوان بر این باور است که نویسندگان و ناشران ایرانی برای برقراری ارتباط موثر با ناشران خارجی، در درجه نخست باید قانون حق مؤلف را بپذیرند. اما ایران، هنوز قانون مورد نظر را به رسمیت نشناخته و تنها چند ناشر محدود چون افق و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، به واسطه ارتباطات خود با ناشران خارجی، این قانون را پذیرفته اند و رعایت می کنند.»

نویسنده مجموعه پیامبران به شمارگان پایین کتاب با توجه به جمعیت ایران اشاره می کند و می گویند: «۲۰ میلیون نفر از جمعیت ۷۰ میلیونی ما را کودکان و نوجوانان، در بر می گیرند، در صورتی که شمارگان کتاب های مادر بهترین حالت به پنج هزار نسخه می رسد و متولیان فرهنگی باید تدبیری برای این مسئله بیندیشند.» فتاحی راه اندازی فروشگاه کتاب کودک را ضروری می داند و معتقد است که کتاب های کودک باید به خوبی توزیع شوند و به راحتی در اختیار مخاطبان قرار بگیرند و در این میان خوب است که مسئولان فرهنگی، وزارت ارشاد، آموزش و پرورش، شهرداری ها و... دست در دست یکدیگر بگذارند و در هر خیابان و محله، فضایی را به کتابخانه یا کتابفروشی اختصاص دهند. او دلیل استقبال از مجموعه ها را دشوار بودن انتخاب کتاب خوب می داند و می گویند: «بسیاری از مردم دوست دارند به جای خرید یک کتاب، یک

♦ **فتاحی راه اندازی فروشگاه کتاب کودک را ضروری می داند و معتقد است که کتاب های کودک باید به خوبی توزیع شوند و به راحتی در اختیار مخاطبان قرار بگیرند**

سال هاست که از گسترش فرهنگ کتابخوانی سخن می گویند، بی خبر از آن که مطالعه کتاب و علاقه به آن، باید از کودکی در وجود انسان ها نهادینه شود؛ شاید به همین دلیل است که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون فرهنگی وی در نشست رسانه ای بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب به این مسئله اشاره کرده و توجه به نشر کودک و نوجوان را ضرورتی انکارناپذیر و موثرترین روش برای گسترش کتابخوانی دانستند.

ویرین کتاب های کودک

محسن مهرآبادی، مدیر انتشارات فرهنگ گستر از جمله ناشرانی است که در نمایشگاه بیست و دوم شرکت کرده بود. وی نبود ویرین را یکی از مشکلات جدی کتاب کودک می داند و معتقد است معمولاً کتاب های کودک، شیرازه ندارند، بنابراین به فضایی برای نمایش نیاز دارند و متأسفانه ما این فضا را نداریم. وی می افزاید: «به همین دلیل است که نمایشگاه کتاب به فروشگاه بزرگ تبدیل شده؛ زیرا خانواده ها این ایام را فرصتی مغتنم برای خرید کتاب های مورد نیاز خود و فرزندانانشان می دانند در صورتی که اگر تعداد کتابفروشی ها و کتابخانه های عمومی، بیش از این و هماهنگ با شمار مخاطبان بود، نمایشگاه به مکانی کاملاً فرهنگی تبدیل می شد.»

مهرآبادی به معیارهای واگذاری غرفه ها در نمایشگاه اشاره می کند و می گویند: «غرفه ها را بر اساس تعداد صفحات، عناوین و شمارگان کتاب ها به ناشران مختلف واگذار کردند.»

مدیر نشر فرهنگ گستر بر این باور است که آموزش و پرورش، نقش موثری در علاقه مند کردن کودکان به کتاب و کتابخوانی دارد؛ نقشی که از آن بی خبر است از سوی دیگر، رسانه فرآگیری چون تلویزیون، سعادت و خوشبختی را در گروه مال اندوزی بیشتر می داند، نه دانش و تجربه افزون تر و همه اینها کودکان را از روی آوردن به کتاب بازمی دارد.

میزان خرید کتاب افزایش یافته است

نادر قدیانی، مدیر انتشارات قدیانی است که با ۱۳۸ عنوان کتاب تازه در سالنی به وسعت ۵۰۰ متر مربع به ارائه آثار خود پرداخت و بزرگ ترین فضای نمایشگاهی را به خود اختصاص داده بود.

او استقبال از نمایشگاه بیست و دوم را بهتر از سال های پیش می داند و می گویند: «هم تعداد بازدیدکنندگان بالا رفته بود و هم قدرت خرید مردم؛ در هر حال باید پذیرفت که ناشران در درجه نخست به فعالیت اقتصادی در حوزه نشر می پردازند و نمایشگاه در تمام این بیست و دو سال برای آنها، یک فروشگاه بزرگ بوده است؛ البته در حاشیه شاهد اتفاقاتی بودیم مثل اینکه ناشران از نویسندگان دعوت کردند تا با مردم ارتباط برقرار می کنند و...»

قدیانی، کتاب های پر فروش حوزه خردسالان را آثار آموزشی - تربیتی می داند و می گویند: «کودکان به قصه و شعر آموزشی - علمی علاقه دارند و نوجوانان، همچنان رمان را می پسندند و «شازده کوچولو» با ترجمه مصطفی رحماندوست پس از سال ها، هنوز در صدر فروش جای دارد چرا که به زبانی شاعرانه و برای نوجوانان امروزی است.»

وی درباره انتشار مجموعه ها می گویند: «همه جای دنیا، کتاب ها، اغلب به صورت مجموعه هستند، به ویژه در حوزه کودک و نوجوان و انتشارات قدیانی نیز به انتشار مجموعه ها پرداخته است، چه ترجمه و چه تالیف؛ برای مثال از شنبه تا پنج شنبه، مجموعه ۱۲ جلدی و قصه های منظوم هزارویکشب مجموعه ۱۰ جلدی است که با استقبال مخاطبان روبه رو شده است.»



نگاهی به رشد ادبیات کودک با بهره‌گیری از اقتباس‌های سینمایی

چگونه مطالعه برای کودکان جذاب می‌شود؟

از سویی دیگر به تازگی یک شرکت انگلیسی در حال ساخت انیمیشن بر اساس «هملت» شکسپیر است. شکسپیر که با قدمتی ۵۰۰ ساله به عنوان قدیمی‌ترین میراث ادبیات نمایشی جهان غرب شناخته می‌شود هنوز هم در صدر برنامه‌های هنری ادبی غرب قرار دارد و برای نهادینه کردن نام او در ذهن نسل تازه کودکان جهان باز هم با هزینه هنگفت اقتباسی تازه از آثارش را ارائه می‌کنند. در این شرایط انیمیشن و سینمای ماجه‌بی تفاوت از کنار ظرفیت‌های بالای ادبی می‌گذرد و این جفا را در حق ادبیات کودک و نوجوانان انجام می‌دهد. در این میان، نظرات فیلمسازان و انیماتورهای ایرانی نیز قابل توجه است.

مینو فرشچی، در این باره می‌گوید: «جوانان ایرانی باید از متون کلاسیک و معاصر ادبی کشورمان برای ساخت آثار اقتباسی در جشنواره انیمیشن بهره‌مند شوند تا بتوانند در این هنر برای همه ما کسب هویت کنند.»

فرخ یکدانه، کارگردان آثار انیمیشن نیز معتقد است: «برای صنعتی شدن انیمیشن می‌توان از حماسه‌ها و داستان‌های اصیل ایرانی بهره‌ای را برد.»

بهرام عظیمی، کارگردان انیمیشن‌هایی چون «ترافیک»، «شهر من» و «ایمنی گاز» در این باره می‌گوید: «افسانه‌ها و قصه‌های مکتوب ایرانی مانند شاهنامه، دارای معنا و رمز گشایی‌اند و این توان بالقوه برای ساخت بازی رایانه‌ای و انیمیشن‌های قوی و همچنین کمیک استریپ نیز قابل استفاده است.»

باید این فرصت را به کودکانمان بدهیم تا بتوانند از زمانی که آغاز به اندیشیدن می‌کنند هم بخوانند و هم آن چیزی را که می‌بینند و از آن لذت می‌برند، از بار ادبی مناسب و غنی برخوردار باشند.

نباید غافل بود که برای ساخت اثری مانند شاهنامه برای گروه سنی کودک و نوجوان ناچار به تلطیف متن هستیم. تجربه شکست خورده ایرانی در این حوزه نشان می‌دهد که بیان سنگین اشعار کلاسیک ایرانی، سودی در بر نخواهد داشت و باید با بهره‌گیری از فانتزی و زبانی شاد مفهوم و محتوا را منتقل کرد تا بتوان نتیجه دلخواه و مناسب را از ساخت این گونه آثار گرفت.



این‌ها نشان می‌دهد این داستان، نه از سر ذوق یک نویسنده سبک‌فانتزی، بلکه با بهره‌گیری از برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کارشناسان غربی، پنجاه سال پس از نگارش همچنان صادر می‌شود و آنها می‌دانند که با استفاده از جلوه‌های تصویری چه تأثیری شگرفی بر فرآیند تحمیل فرهنگ خود، سراسر جهان دارند.

مثلاً فیلم سینمایی انیمیشن «شئل» با اقتباس از داستان کوتاه مشهور «نیکلای گوکول» به زودی روانه پرده سینماهای جهان خواهد شد. به تمامی این موارد، ساخت انیمیشن‌هایی بر اساس داستان‌هایی از «شرلوک هلمز»، «تولستوی»، «همینگوی» و حتی «جین استین» را اضافه کنید تا مفهوم سیاست‌گذاری‌ها را به خوبی متوجه شوید. انیمیشن‌ها را به فروش «کورالین» نیز نمونه دیگری است که در روزهای آغازین سال ۲۰۰۹ توانست در صدر فیلم‌های پرفروش آمریکا قرار گیرد. کتاب «کورالین» یکی از اولین کتاب‌های «نیل گیمن» نویسنده ۴۷ ساله بریتانیایی است که در سال ۲۰۰۲ منتشر شده است. او سال بعد توانست برای نگارش این اثر جایزه بهترین رمان سال جایزه «هوگو» را دریافت کند. گیمن، علاوه بر این، نویسنده بسیاری از آثار انیمیشن موفق، مانند «مرد شنی» است.

می‌نازند؛ غافل از این که اولی خود اقتباسی زیرکانه از شاهنامه ایرانی است و دومی تخیلی است که مبنای ادبی ندارد. حال ماییم و این پرسش بزرگ که آیا فردوسی، نظامی، سعدی و مولانا این گناه ما را برخواهند تافت و اگر در حجم‌های رسانه‌ای بازی فرهنگی را بپذیریم، پاسخی برای کودکان داریم؟

دنیای فانتزی ما را باور کنید

سال گذشته قسمت دوم فیلم «نارنیا» توانست با فروشی خیره‌کننده در صدر آثار نمایش داده شده در زمان خود قرار گیرد. این فیلم مانند قسمت قبلی توسط «آندرو آدامسون» کارگردانی شده و خودوی نیز فیلمنامه را از یک رمان اقتباس کرده بود. جالب این که این فیلم اقتباسی بود از آثار یک نویسنده ایرلندی که آثارش بیش از صد میلیون نسخه قبل از نمایش فیلم در سراسر جهان، به فروش رفته بود.

«سی.اس. لوویس» نویسنده فقید ایرلندی از نامدارترین مولفان داستان‌های افسانه‌ای و فانتزی در ادبیات بریتانیا به شمار می‌آید. مجموعه داستان‌های «نارنیا» تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیون نسخه در سراسر جهان فروش داشته و به ۴۱ زبان زنده دنیا نیز منتشر شده است.

وقتی رئیس جمهور در آیین گشایش بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، از اهمیت توجه به ادبیات کودک و نوجوان سخن گفت، لروم توجه بیشتر به رشد ادبی این قشر از جامعه که فرهنگ ساز آینده‌اند، به خوبی روشن شد.

ارائه آثار ارزشمند ادبی از سوی نویسندگان این حوزه به کودکان از سنینی که رشد ذهنی را آغاز می‌کنند، این فرصت را به جامعه می‌دهد که در آینده از مطالعه مستمر و مفید آنها برخوردار شود. از سوی دیگر باید توجه داشت که با حضور انیمیشن و سینما در هزاره سوم، به‌طور طبیعی و البته به دلیل جذابیت این رسانه‌های تصویری نزد کودکان و نوجوانان، استقبال از آنها در مقایسه با کتاب بیشتر خواهد بود.

دنیای سینما نیز با بهره‌گیری از این موضوع توانسته مفاهیم مورد نظر فرهنگی خود را در هر کشوری بر مبنای ادبیات خود و در قالب آثار تصویری در اختیار کودکان قرار دهد تا از این فرهنگ سازی بهره‌بردار.

در کشور ما این نگاه به کلی نادیده گرفته شده و به جز چند نمونه انگشت‌شمار، تلاشی برای ارائه آثار تصویری برگرفته از ادبیات داستانی معاصر نشده است، در حالی که ادبیات ما پشتوانه‌ای غنی در این زمینه دارد و در ادبیات کهن ما نیز به روایات کودکان حتی در آثاری مانند «کلبله و دمنه»، «هزار و یکشب» و حتی «مثنوی معنوی» توجه شده است. این را اضافه کنید به پشتوانه قدرتمند کتاب مذهبی ما، همچون قرآن مجید که سرشار از داستان‌هایی است که می‌تواند برای هر کودکی تأثیر گذار باشد و به سالم سازی جامعه نیز کمک کند.

شاید نگاه به آثار تولیدی در سال گذشته سینمای جهان، این فرصت را ایجاد کند که اهمیت تلاش بیشتر در این حوزه را بهتر شناخته و قدم‌هایمان را برای ساخت آثار ایرانی با اقتباس از ادبیات داستانی، تندتر و محکم‌تر برداریم.

این در حالی است که در برخی کشورهای غربی بدون داشتن ادبیات کهن و تنها با استفاده از انیمیشن ادبیات معاصر خود را با ساخت فیلم‌های پر هزینه در سراسر جهان معرفی می‌کنند و کودکان آن‌گلو ساکسون به داشتن افسانه‌هایی چون «ارباب حلقه‌ها» و «هری پاتر»

گزارشی اجمالی از عملکرد غرفه ویژه خانه کتاب در نمایشگاه بیست و دوم

خانه‌ای در قلب ناشران

فرهنگی ضمن حضور در این غرفه به ارائه خدمات اداری نیز می‌پرداختند می‌افزاید: در طول ایام نمایشگاه واحد شابک موسسه خانه کتاب به ۸۰۰ نفر از ناشرانی که در سال ۱۸۷ از شابک اشتباهی استفاده کرده بودند، مراجعه کرد و طی نامه‌ای مبنی بر تصحیح اشتباهات از سوی ناشر، مراتب را به اطلاع ناشران رسانده‌اند. نظربلند همچنین می‌گوید: در این مدت ۴۰ ناشر برای دریافت شابک مراجعه کردند و خدمات لازم به آنها عرضه شد. همچنین واحد شابک، کارگاه آموزشی شابک و تأثیر آن بر نشر ایران را در سرای اهل قلم برگزار کرد.

وی معتقد است اصلی‌ترین کاری که در این غرفه انجام شد، معرفی محصولات چاپی و غیر چاپی خانه کتاب و خدمات این موسسه در قسمت‌های گوناگون آن از جمله شابک، شابم، نرم افزارها، جشنواره‌های فرهنگی، خبرگزاری کتاب ایران (ابینا) و کتاب هفته حضور داشتند.

نظربلند با توجه به این که در قسمت‌های گوناگون

قلم کودک و نوجوان، سالن کارنامه نشر و غرفه دیدار با برگزیدگان اشاره بودند.

در این میان یکی از مهمترین بخش‌های فعالیت این موسسه، غرفه ویژه خانه کتاب مستقر در شبستان مصلا بود و نمایندگان از بخش‌های گوناگون این موسسه در آن حضور داشتند و به ارائه خدمات به مخاطبان و ناشران می‌پرداختند.

قرار گرفتن این غرفه در شبستان مصلا (محل حضور ناشران عمومی) و ارائه خدمات گوناگون به بازدیدکنندگان، به ویژه ناشران شرکت‌کننده، باعث شده بود این غرفه به نوعی در دل ناشران جا پیدا کند.

آزاده نظربلند، مسوول این غرفه می‌گوید: در این غرفه ویژه، نمایندگان گوناگونی از بخش‌های مختلف خانه کتاب مانند شابک، شابم، جشنواره‌های فرهنگی، سایت کتاب - رایانه، توزیع محصولات و نرم افزارها، خبرگزاری کتاب ایران (ابینا) و کتاب هفته حضور داشتند.

وی با اشاره به این که نمایندگان این موسسه

مرضیه منصوریان: برگزاری موفقیت‌آمیز رویداد عظیمی نظیر نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ماحصل تلاش همه جانبه تمامی دست‌اندرکاران برگزاری و همچنین نهادها، سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و ناشران متعدد است.

خانه کتاب ایران نیز از جمله موسسه‌هایی است که در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، علاوه بر معرفی عملکرد بخش‌های مختلف خود، به راهنمایی مخاطبان و ارائه اطلاعات ناشران و کتاب‌های موجود در این نمایشگاه پرداخت.

سرای اهل قلم از جمله بخش‌هایی بود که از سوی موسسه خانه کتاب در نمایشگاه بیست و دوم فعال و نشست‌های متعدد تخصصی در آن برگزار شد.

پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای کتاب و ناشران بخش دیگری از فعالیت موسسه خانه کتاب بود. این پایگاه‌ها در بخش‌های مختلف محوطه مصلا امام خمینی (ره) مستقر بودند و افراد بسیاری در آن به مخاطبان کمک می‌کردند تا کتاب یا ناشر مورد نظر خود را به راحتی پیدا کنند.

از دیگر بخش‌های خانه کتاب که در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برنامه‌های تخصصی و فرهنگی را برگزار می‌کردند، سرای اهل

محیط مصلا واحدهای اطلاع‌رسانی رایانه‌ای وجود داشت، بیان می‌کند: در غرفه ویژه خانه کتاب علاوه بر دستگاه‌های رایانه کارمندان غرفه، چهار دستگاه به صورت کافی‌نت سایت‌های خانه کتاب را نمایش می‌داد و کسانی که مایل بودند کتاب یا ناشر مورد نظرشان را خودشان جست‌وجو کنند، می‌توانستند از این دستگاه‌ها استفاده کنند.

نزدیکی این غرفه به غرفه کتابخانه ملی ایران و همچنین غرفه کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی باعث شده بود تا بسیاری از شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی که به این دو غرفه می‌آمدند، از غرفه ویژه خانه کتاب نیز دیدار کنند.

نظربلند در این باره می‌گوید: در مدت برپایی نمایشگاه کتاب افراد سرشناسی چون احمد ناطق نوری، نماینده مردم نور در مجلس شورای اسلامی، صادق محصولی، وزیر کشور، غلامعلی حداد عادل،

رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عده‌ای از فرهنگ‌دوستان و اهالی قلم سایر کشورها نظیر رییس کتابخانه ملی پاکستان، عده‌ای از اهالی قلم عراق، اعضای انجمن دوستی ایران و ژاپن و... از غرفه ویژه خانه کتاب دیدار کردند و رضایت و خشنودی خودشان را از فعالیت‌های این موسسه در حوزه کتاب اظهار کردند.



ساسان کشاورز

«نخل و نی» نام یکی از رمان‌های مطرح در حوزه دفاع مقدس است. آنچه بیش از هر چیز موجب خاص شدن این اثر شده، تکیه داشتن آن به تحقیق و پژوهش، پیش از نگارش رمان است. نویسنده «نخل و نی» که کتابش درباره خرمشهر و دفاع مقدس است، دارای دو مدرک کارشناسی در رشته‌های تئاتر و سینما، از دانشگاه‌های تهران و صداوسیما است. وی معتقد است که تحصیلاتش بر روند رمان‌نویسی او تأثیر گذاشته و پشتوانه خوبی برای دیالوگ‌نویسی اوست. رمان‌های «قطار ۵۷»، «اسیر ۵۳۳۹» و مجموعه ده جلدی «ستاره‌های بی‌نشان» از دیگر آثار رئیسی به شمار می‌رود. او همچنین کارگردانی نمایش «کبیردلان» در تالار وحدت و نیز کارگردانی فیلم تلویزیونی «رز سرخ» و سریال تلویزیونی «همسفران» را در کارنامه خود دارد.

خرمشهر در «نخل و نی» در گفت‌وگو با رضا رئیسی

شخصیت‌ها را سیاه و سفید نمی‌بینم

شما عادت به بازنویسی‌های مکرر دارید؛ تا جایی که می‌گویید «قطار ۵۷» را ۱۷ بار بازنویسی کرده‌اید. آیا روند بازنویسی در «نخل و نی» هم وجود داشته و موجب از میان رفتن آثبات و وجه اشراقی‌اش نمی‌شود؟

بازنویسی راه، حتی به مثابه یک تکنیک، در کار نویسندگان بزرگ تاریخ رمان می‌بینم و تصور نمی‌کنم که بازنویسی به روح رمان ضربه بزند. اما با نظر شما هم موافقم. به این معنا که در بازنویسی‌ها وجه شاعرانه اثر تا حدودی مخدوش می‌شود. این را هم در نظر بگیرید که در آثاری مانند «نخل و نی» چاره‌ای جز بازنویسی‌های مکرر نبود؛ چرا که اطلاعات به صورت خرد خرد به دستم می‌رسید و من نوشتن رمان را آغاز کرده بودم، اما در میانه یا حتی پایان کار به اطلاعات جدیدی درباره تاریخ خرمشهر می‌رسیدم و از این رو مجبور می‌شدم، رمان را بازنویسی کنم. متأسفانه تحقیق میدانی به سرمایه و اعتبار مالی قابل توجهی احتیاج دارد در حالی که من نمی‌توانستم به طور متمرکز وقت را روی تحقیق بگذارم و پس از پایان تحقیق سراغ نوشتن رمان بروم.

به نظر می‌رسد یکی از مشکلات رمان‌نویسی ما تسلط نویسنده به اثر و اصرار برای انتقال مفهوم است. با توجه به این که شما هم در نخستین صفحات «نخل و نی» با صراحت راجع به وجه تسمیه رمان صحبت کرده‌اید، تصور نمی‌کنید که رمان شما هم این کاستی را داشته باشد؟

در اولین صفحات کتاب درباره عنوان رمان و چرایی آن نوشته‌ام و شاید، چنانکه شما می‌گویید این امر چندان مطلوب نباشد. اما در باقی اثر اینگونه نیست. من آدم‌ها را سیاه و سفید نمی‌بینم و همواره آنها را با انواع پیچیدگی‌های خاص خودشان تصویر می‌کنم. هیچ کس برای من مطلق نیست و بسیاری از شخصیت‌های رمانم کاملاً غیرقابل پیش‌بینی هستند. به این معنا که نمی‌توان از پیش درباره رفتار آنها قضاوت کرد، اما ایرادی که شما وارد کردید هم قابل تامل است.



شما شاهد جلوه‌هایی از ویژگی‌های درونی یک شخصیت هستید. شما برای گردآوری مستندات چه فرآیندی را طی کردید؟

گردآوری اطلاعات و مستندات به یک دوره مطالعه و تحقیق طولانی مدت و دشوار احتیاج داشت. تا جایی که توانستم اسناد ساواک را که به خرمشهر ربط داشت مطالعه کردم. در این اسناد، هم عکس بود، هم گزارش و هم نامه‌های فراوان. همچنین به کتاب‌هایی که درباره خرمشهر نوشته شده بودند مراجعه کردم و آثار مردم‌نگاری و مردم‌شناسی این خطه را مطالعه کردم، تا قبایل عرب خرمشهر و مردم آن را کاملاً بشناسم. اما امری که بیش از هر چیز در راه جمع‌آوری اطلاعات یاریگرم بود گفت‌وگوهای بود که با مردم انجام دادم چرا که در گفت‌وگوها سراغ کسانی رفتم که مستقیماً در دل وقایع حضور داشتند. این افراد زوایای پنهانی از حوادث خرمشهر را برای من آشکار کردند.

نقدی دارد، حتماً آن را به من منتقل کند و همین‌ها مرا به سمت رعایت کامل فنون رمان سوق داد و در نهایت سبب شد تا در کنار ارائه اطلاعات و مستندات، این فنون را نیز در نوشته‌ام اعمال کنم. آیا در رمان‌هایی مانند «نخل و نی» که با مضامین اجتماعی نوشته می‌شوند، فرصت پرداختن به شخصیت‌ها و دنیای درونی آنها وجود دارد؟

در رمان‌های ابتدایی‌ام بیشتر به روایت تکیه داشتم و از شخصیت غافل بودم، اما در رمان‌های اخیر مانند «نخل و نی» درگیر مسائل درونی و ویژگی‌های روانی شخصیت‌های رمان نیز شده‌ام. این را هم بگویم که چون در «نخل و نی» قصد روایت حادثه یا حوادثی را دارم، یکی از محورهای اصلی رمان حادثه است. من برای این که آشتی‌ای میان حادثه محوری و شخصیت‌محوری برقرار کنم یکی از شخصیت‌های رمان را در ذهن خودم، به عنوان نمادی از خرمشهر در نظر گرفتم. با این ترنند، هم حوادثی که بر سر خرمشهر آمده است، به صورت نمادین بیان می‌شود و هم ما گاه و بیگاه

شما در صحبت‌های قبلی‌تان از اصطلاح رمان مستند درباره برخی از نوشته‌هایتان استفاده کرده‌اید. این اصطلاح دقیقاً به چه معناست؟

البته من این اصطلاح را به تسامح استفاده می‌کنم، چرا که در وهله اول هیچ رمانی نیست که ریشه در واقعیت نداشته باشد و در وهله دوم هر اثری که ادعای رمان بودن را داشته باشد، باید تمام قواعد آن را رعایت کند. به این ترتیب رمان مستند همان رمان است و همه ویژگی‌های رمان را دارد. مقصود من از به کار بردن این اصطلاح منتقل کردن این معناست که چنین اثری کاملاً مبتنی بر مستندات تاریخی است و با واقعیت بیرونی کاملاً تطابق دارد. از این نکته که بگذریم رمان مستند هیچ تفاوتی با رمان ندارد.

چنانچه اشاره کردید بسیاری از آثار مانند «نخل و نی» ناظر به حوادث و اتفاقات بیرونی هستند. در چنین شرایطی آیا ساختار درونی رمان تحت الشعاع تلاش برای تطابق با واقعیت بیرونی قرار نمی‌گیرد؟

مسئله‌ای که به آن اشاره می‌کنید، کاملاً با مهارت نویسنده در ارتباط است. در جلد نخست از سه‌گانه «نخل و نی» که با عنوان «موج و مرجان» منتشر شد، بازگویی حقیقت واقعه و سیر بیرونی حوادث بر قواعد درونی رمان چیرگی داشت. آن رمان حدود ۲۰۰ صفحه بود. من پس از انتشار «موج و مرجان» بازنویسی آن را آغاز کردم که بعداً ۱۵۰ صفحه به اثر اولیه اضافه شد. در رمان دوم، نثر و زبان تغییر کرد و شکل اثر بیشتر به سمت رمان رفت؛ اکنون که در حال نوشتن جلد سوم از این سه‌گانه هستم کاملاً به قواعد درونی رمان پایبند می‌مانم. در واقع، در رمان‌های اولیه بیشتر به معانی و موضوعات و انتقال اطلاعات فکر می‌کنم، اما هر چه که پیش‌آمدم فرم رمان برایم اهمیت بیشتری پیدا کرد شاید به همین دلیل بود که با تجدید چاپ «موج و مرجان» موافق نیستم. این آگاهی به دلیل نقد‌های سازنده‌ای به «موج و مرجان» به وجود آمد.

من در کتاب هم اشاره کرده بودم که هر کس

شهید باکری در آینه ۳ کتاب جدید



کتاب می‌افزاید. کتاب «مهدی باکری در اندیشه و عمل» در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه منتشر شده است.

دومین کتابی که انتشارات «اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان آذربایجان شرقی» منتشر کرده مجموعه عکس‌ها و خاطره‌هایی از شهید باکری است که در شمارگان ۵۰۰۰ نسخه به بازار

آمده است. عکس‌های این کتاب به کوشش حسین نجفی یکی از دوستان شهید باکری از مجموعه‌های عکاسان رزمنده لشکر ۳۱ عاشورا و آرشو شخصیه رزمندگان و فرماندهان دوران دفاع مقدس تهیه شده است. در ابتدای این کتاب نویسنده سال شماری از زندگی شهید مهدی باکری آورده

پس از پیروزی انقلاب و «دوران جنگ تحمیلی» تقسیم می‌شود که به شکلی مفصل به زندگی شهید باکری و فعالیت‌های وی در این سه برهه تاریخی می‌پردازد. فصل دوم کتاب با عنوان «شیوه مدیریت و فرماندهی مهندس مهدی باکری»، نوع نگرش وی در برخورد با زیردستانش و ابتکارات و نوآوری‌های وی در جنگ و شیوه‌های برخورد با مشکلات و سازماندهی نیروهایش را بررسی می‌کند.

در بخش‌های آخر کتاب نویسنده به ویژگی‌ها و دیدگاه‌های شهید مهدی باکری می‌پردازد و وصیت‌نامه شهید را عیناً نقل می‌کند. همچنین در بخش ضمائم این کتاب اسناد و عکس‌هایی از شهید مهدی باکری گنجانده شده که بر زیبایی

سعید شیعه بیگی؛ با گذشت بیش از ۲۴ سال از شهادت مهندس مهدی باکری، هنوز یاد و خاطره و قدر و منزلت او در اذهان بسیاری از هم‌زمان‌وی و مردم ایران از جمله ساکنان خطه آذربایجان، زنده است. در این مدت و به ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی، شناخت شخصیت برجسته و اهمیت نقش موثر باکری در دوران دفاع مقدس و انقلاب اسلامی، دائماً در افکار عمومی جامعه افزایش یافته است. اخیراً «اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان آذربایجان شرقی» دو کتاب درباره شهید مهدی باکری به چاپ رسانده است. کتاب نخست با عنوان «مهدی باکری در اندیشه و عمل» نوشته دکتر حسین اعلائی (رئیس پیشین ستاد مشترک سپاه) به زندگی شهید مهدی باکری از دوران پیش از انقلاب و فعالیت‌های او در مبارزه با رژیم سلطنتی، تا زمان شهادت وی در عملیات بدر می‌پردازد.

این کتاب از هشت فصل مجزا تشکیل شده است. فصل اول با عنوان «فعالیت‌ها»، خود به سه بخش «سال‌های پیش از پیروزی انقلاب»، «دوران

است که دیدی هر چند جزئی از زندگی این شهید بزرگوار و مبارزاتش قبل و بعد از انقلاب و دوران جنگ تحمیلی به دست می‌دهد.

خاطرات این دفتر با فرازی از فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره سرداران شهید آذربایجان آغاز می‌شود. در ادامه خاطراتی از امیر سپهبد شهید علی صیاد شیرازی، سرلشکر پاسدار سیدرحیم صفوی، دکتر محسن رضایی، دکتر علی عبدالعلی زاده (وزیر سابق مسکن و شهرسازی)، سید مهدی حسینی (رییس ستاد لشکر ۳۱ عاشورا در دوران دفاع مقدس)، حاج طیب خیراللهی (مسوول تدارکات لشکر ۳۱ عاشورا)، صفیه مدرس (همسر شهید باکری)، فاطمه امیرانی (همسر شهید حمید باکری)، عبدالزاق میراب (بیسیم چی شهید مهدی باکری)، سرلشکر پاسدار شهید احمد کاظمی، علی غفوری (معاون لشکر ۳۱ عاشورا)، سردار مصطفی مولوی (جانشین لشکر ۳۱ عاشورا) و دکتر حسین اعلائی (رئیس اسبق ستاد مشترک سپاه) نیز در این کتاب گردآوری شده است.



گفت وگو با سیده زهرا حسینی همواره برایت تازگی دارد، چرا که در سیمای او می توانی زنی را مشاهده کنی که با قامتی استوار و نستوه در طول هشت سال جنگ تحمیلی پایه پای مردان حماسه ساز نقشی فعال را ایفا کرده و توشه های گرانبهایی از این دوران اندوخته است. حالا، پس از سال ها سکوت برای آگاهی بیشتر نسل جوان و نوجوان از واقعیت های دفاع مقدس و رشادت های رزمندگان، خود را موظف به انتشار کتابی از خاطرات سال های جنگ تحمیلی دانسته است. زمانی که از وی می خواهیم تا ساعتی را به گفت وگو با کتاب هفته اختصاص دهد، در ابتدا مردد می ماند و سپس دلیل این تردید را اینگونه بیان می کند: «اصلا تصمیم گرفته بودم با هیچ نشریه ای مصاحبه نکنم. بعضی از خبرنگاران بی انصافی می کنند و برای اینکه نشریه شان فروش خوبی داشته باشد، بعضی از تیتراها را عنوان می کنند که بسیار نامناسب است. به عنوان مثال، یکی از خبرنگاری ها سخنرانی یکی از دوستان متخصص را، که درباره «دا» اظهار نظری کرده بود، با چنان تیترا نامناسبی کار کرده بود که سبب دلخوری شده بود. البته ایشان عکس العمل شدیدی نشان داد اما همین اتفاق موجب شد تا تصمیم بگیرم با هیچ خبرنگاری مصاحبه نکنم» اما به اسرار ما می پذیرد و با حوصله به سوالهای کتاب هفته پاسخ می دهد.

«دا» و خاطرات روزهای حماسه در گفت وگو با سیده زهرا حسینی

«دا» مدیون یاد شهداست

است سلیقه شخصی خود را در آن دخالت دهند و ناقل کتاب به جای من، آنها باشند. بنابراین از بیان آنها خودداری کردم. برای من خیلی مهم بود کسانی که ناشر این اثرند، امین باشند.

چطور شد پذیرفتید حوزه هنری خاطرات شما را مکتوب کند؟

زمانی که دیدم در این روزگار بچه های جبهه متهم می شوند به جنگ طلبی و مظلوم واقع می شوند و کم ارزشها هم در حال تبدیل شدن به ضد ارزشند و ضدارزشها جایگزین ارزشها می شوند، برای همین تصمیم گرفتم در تصمیمم تجدید نظر کنم و منتظر شدم خدا فرصت بازگویی این خاطرات را به من بدهد. سال ۸۰ بود که از دفتر حوزه هنری با من تماس گرفتند و از من خواستند خاطراتم را مکتوب کنم، چون هیچ شناختی نسبت به دفتر ادبیات مقاومت حوزه هنری نداشتم، شروع کردم به خواندن آثار این دفتر و پی بردم می توانم به افرادی که در این دفتر فعالیت می کنند، اعتماد کنم. در ابتدا با آنها شروطم را در میان گذاشتم و تاکید کردم که هیچ دخل و تصرفی در انتشار کتاب وجود نداشته باشد. آنها هم پذیرفتند و همکاری ما شروع شد.

آیا خاطراتی هم وجود دارد که بازگو نکرده باشید؟

در این کتاب همه آنچه را به چشم خود دیده بودم به جز بخشی که فراموش کرده بودم و همچنین بخشهایی که احساس می کردم بعضی افراد دوست ندارند خاطر اتشان گفته شود، بیان کردم.

در آینده نمی خواهید این ناگفته ها را مکتوب کنید؟

شاید در آینده این کار را انجام بدهم اما اکنون ضرورتی برای این کار نمی بینم. اما همسرم که در هشت سال جنگ تحمیلی حضور داشت و قبل از آن هم از نیروهای بسیجی بود که در خرمشهر با گروهکهای منافق می جنگیدند، صندوقچه بسیار غنی ای از خاطرات در سینه دارد که شاید بتوانم این خاطرات را از دلش بیرون بکشم. در حال حاضر ایشان ظفره می روند چرا که به اندازه کافی حوصله و توان و صبر ندارد. همه این عوامل بر روحیات وی تاثیر منفی گذاشته است. اما احساس می کنم ناگفته های بسیاری از جنگ دارند که برای نسل جوان ما بسیار ارزشمند و آموزنده است.

به عنوان سوال پایانی درباره ساخت فیلمی از وی «دا» صحبت های زیادی می شود، آیا کارگردان خاصی مد نظر تان است؟

امتیاز ساخت فیلم و سریال از روی این اثر را به حوزه هنری سپرده ام؛ به این دلیل که از این اثر صیانت شود و از سرقت ادبی مصون بماند. تا کنون خدا کمک کرده و بعد از این هم کمک خواهد کرد تا کارگردان خوبی برای آن پیدا شود. البته برای انتخاب کارگردان شرطی هم گذاشته ام و آن اینکه کارگردان و بازیگران موافق نظر من باشد. چرا که فکر می کنم اگر هدف کارگردان و بازیگران این باشد فرهنگ جبهه را میان جوانان ترویج کنند، موفق خواهند شد. از طرف دیگر، پیشنهاد دادم اگر کسی بخواهد این کتاب را فیلم کند، بهترین کار ساخت سریال است چرا که همه جزئیات آن را نمی توان از طریق ساخت فیلم سینمایی منتقل کرد و از سوی دیگر، تلویزیون در مقایسه با سینما مخاطبان گسترده تری دارد.



کرد که این خاطرات را بنویسم. ماجرا از این قرار بود که حسین - یکی از نیروهای همسرم در جبهه - به خانه ما آمد. او یکی از بچه هایی بود که ما مادر «جنت آباد خرمشهر» در خاکسپاری شهدا همکاری می کرد. بعد از سقوط خرمشهر که من مجروح شدم، دیگر او را ندیده بودم و ملاقات دوباره ما در یکی از روزهای مهر ماه سال ۶۱ بود که اولین فرزندم عبدالله به دنیا آمد. در آن روز با هم نشستیم و خاطراتمان را مرور کردیم، بعد که او رفت، فکر کردم که خاطرات آن دوران را بنویسم.

چطور شد که از نوشتن منصرف شدید؟

روزی روزشمار آن خاطرات را نوشتم اما برخلاف «دا» که از آغاز دوران کودکی ام شروع شده است روزشمار خاطراتم را از زمانی شروع کردم که حسین را بعد از مدت ها دیده بودم. من از همان دوران خردسالی با نوشتن میانه ای نداشتم و حتی از آن بیزار بودم؛ به همین دلیل از نوشتن خاطرات پشیمان شدم و نوشته ها را که چند برگ بیشتر نبود و آن هم به زبان محاوره ای نوشته بودم، پاره کردم و دیگر دنبال نوشتن آنها نرفتم. تنها این خاطرات را در ذهنم مرور می کردم تا اینکه بعدها به این نتیجه رسیدم باید واقعیت های جنگ تحمیلی و رشادت های شهدا را برای نسل جوان بازگو کنم.

قبل از حوزه هنری افراد دیگری هم برای مکتوب کردن خاطرات شما پیش قدم شدند؟

بله، سال ۷۰ بود یا اوایل دهه ۶۰ دقیقاً یاد نمی آید، شهید آوینی یا من تماس گرفت و از من خواست که خاطراتم را بازگو کنم. تا قبل از آن، نه من او را می شناختم و نه او مرا. از طریق یکی از بچه هایی که در خرمشهر بود، شنیده بودم من خاطرات زیادی از ایام جنگ دارم. اما من به دلیل برخی از مسائلی حاضر به مکتوب کردن خاطرات نشدم. بعدها بارها از طرف اطرافیان ایشان با من تماس گرفتند اما من نپذیرفتم.

دلیل خاصی برای این نپذیرفتن داشتید؟

اولاً ضرورتی برای بازگویی خاطرات نمی دیدم و از سوی دیگر، تصمیم گرفته بودم این خاطرات را بدون هیچ دخل و تصرفی و با ذکر تمام جزئیات آن منتشر کنم و احساس می کردم که بعضی ها ممکن

دارند، هوشیار و کنجکاوند و می توانند حوادث را خوب به ذهن بسپارند. زمانی که اطرافم را می پاییدم به تمام اتفاقات توجه داشتم. این را هم اضافه کنم که من ۲۰ سال با این خاطرات زندگی کردم و همیشه آنها را در ذهنم مرور می کردم و هر زمان چهره شهیدی به ذهنم می آمد، خصوصیات اخلاقی آن شهید هم در ذهنم تداعی می شد. حتی زمانی که در خانه مشغول آشپزی هستم و گوشتی را می برم، همین گوشت مرا به خاطرات غسلخانه برمی گرداند و شهدا به ذهنم متبادر می شوند. این کار، کار خدا بود. محمود فرخی - که خدا رحمتش کند - کتابفروشی ای در خرمشهر داشت که ما از او کتاب می گرفتیم. او خیلی انسان غیرتی ای بود و نسبت به دخترها غیرت خاص داشت و از آنها حمایت می کرد. زمانی که چهره او به ذهنم می آمد، غیرت او به ذهنم تداعی می شد. این یادآوری ها اتفاقی نبود و خون پاک شهدا کمک می کرد.

آیا زمانی که جزئیات را به ذهن می سپردید، فکر می کردید روزی این خاطرات مکتوب شود؟

نه. آن روزها هیچ گاه به این فکر نیتادم که خاطرات را مکتوب کنم. وقتی با جنگ درگیر شدیم جنگ وارد خانه های ما شد. آن وقت فکر نمی کردیم این جنگ هشت سال طول بکشد و حدس می زدیم در عرض یک هفته آتش جنگ خاموش خواهد شد. اما برخلاف انتظار ما، جنگ طولانی شد، پس از گذشت دو سال از جنگ روزی اتفاقی به فکرم خطور

روزی روزشمار آن خاطرات را نوشتیم اما برخلاف «دا» که از آغاز دوران کودکی ام شروع شده است روزشمار خاطراتم را از زمانی شروع کردم که حسین را بعد از مدت ها دیده بودم

بسیاری از صاحب نظران دلیل تاثیرگذاری «دا» را صداقت شما در روایت خاطرات می خوانند، فکر می کنید چه عوامل دیگری به جز صداقت، این کتاب را به اثری جذاب تبدیل کرده است؟ آیا آثاری که قبل از این منتشر می شد فاقد این صداقت بودند؟

معتقدم غیر از صداقت در گفتار، یکی از مهم ترین ویژگی «دا» جزئی نگری من در روایت خاطرات بود. من فکر می کنم برای اینکه روایت درست و حسابی باشد و بتواند مخاطب را سر شوق آورد؛ باید تمام جزئیات گفته شود. از سوی دیگر؛ تاثیرگذاری این اثر در این است که همه مطالب کتاب گفته های خود من است بی هیچ کم و کاست. مهمترین شرط برای بازگویی خاطرات این بود که هیچ دخل و تصرفی در آن نشود.

فکر نمی کنید نوع نگاه شما به جنگ تحمیلی نیز در این تاثیرگذاری موثر بوده است؟

همین طور است. آثاری که عموماً در این حوزه نوشته می شوند، درباره جنگ و نحوه جنگیدن با دشمن سخن گفته اند و کمتر کسی درباره وضعیت خانواده ها و از مردمی که خانه و کاشانه خود را رها کرده و آواره شده بودند سخن نگفته بود. از طرف دیگر؛ نگاه به جنگ عموماً از زاویه دید مردانه بود و به نقش زنان در جنگ توجهی نمی شد اما «دا» به ناگفته هایی پرداخت که سال ها به آن پرداخته نشده بود.

گفتید که روایت جزئیات رویدادها از مهمترین عوامل موفقیت این کتاب بود. چطور توانستید این همه جزئیات را به یاد بیاورید؟

در کودکی، طوری پرورش یافته بودیم که نسبت به آنچه در اطرافمان می گذشت، دقیق می شدیم. پدرم انسان دقیق، منظم و تیزهوشی بود که همواره به ما توصیه می کرد به اطرافمان نگاه کنیم و همه چیز را به ذهن بسپاریم. بنابراین از همان دوران خوب دیدن و خوب به ذهن سپردن، ملکه ذهن من شده بود. از سوی دیگر، من با جزئیات بزرگ شده بودم. طایفه ما انسان هایی بودند که همه، حافظه هایی قوی داشتند و روایت دقیق از آنچه به چشم خود دیده بودند، هنر بزرگ آنها محسوب می شد. پدر بزرگم همیشه برای ما از دوران خردسالی خود سخن می گفت و این خاطرات را با لحنی جذاب و گویا برای ما روایت می کرد. همه این ویژگی ها به من کمک کرد تا بتوانم خاطرات را خوب به ذهن بسپارم.

البته باید بگویم زمانی که انسان کاری را برای خدا انجام می دهد خدا هم او را در رسیدن به مقصود کمک می کند. می خواستم مظلومیت شهدا را به تصویر بکشم و مطمئن بودم که شهدا در این کار یاری ام خواهند کرد.

زمانی که این کتاب را می خواندم تصویر زنی پیش چشم من می آمد که بسیار کنجکاو است. برایم جای سوال بود که چطور شخصی در بجزوجه بمباران که همه به دنبال جان پناه می گردند، این زن می تواند آسمان را ببیند و حرکت هواپیماها را ردیابی کند؟

اصولاً من انسان کنجکاو بودم، تعریف کردن از خود درست نیست، اما انسان هایی که حافظه قوی



گزارشی درباره بایدها و نبایدهای کتاب‌های دفاع مقدس در سالروز آزادسازی خرمشهر

مرزها و قالب‌ها شکستی‌اند؟

پیامدهای آن توجه کرد، اما در هر دو حال، نویسندگان نباید تخیل خود را نادیده بگیرند بلکه باید به بررسی اسناد و مدارک جنگ پرداخته و بر اساس مستندات به دست آمده، به نوشتن داستان‌های خواندنی و جذاب بپردازند، به گونه‌ای که حتی آنان که جنگ و تبعات آن را درک نکرده‌اند نیز بتوانند این واقعه تاریخی را با به صورتی حسی تر از تاریخ درک کنند و دریابند.»

شعر، بیان لحظه‌هاست

شعر، زبان احساسات و یکی از بهترین روش‌ها برای ستایش نیکی و زیبایی است اما چگونه می‌توان وقایع هشت سال دفاع مقدس را در قالب شعر به کودکان منتقل کرد؟! چطور می‌توان شور و شادی مردم ایران به هنگام آزادسازی خرمشهر را با کسانی در میان گذاشت که هیچ خاطره و تصویری از آن روز ندارند؟!

جعفر ابراهیمی (شاهد)، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان بر این باور است که شعر به بیان کلیات می‌پردازد و می‌تواند صلح، دوستی و محبت را بستاید و بدی، زشتی و ویرانگری را نکوهش کند اما نمی‌تواند از آنچه طی دوران جنگ اتفاق افتاد، برای کودکان سخن بگوید، چرا که قالب چندان موثری برای بیان این گونه مسائل نیست. او داستان و رمان را قالب مناسب‌تری برای گفتن از جنگ و آزادی خرمشهر می‌داند و می‌گوید: «ضرورتی ندارد همه نویسندگان جنگ را درک کرده و در میدان نبرد حاضر شده باشند، بلکه می‌تواند درباره آن مقطع زمانی به مطالعه پرداخته و به مستنداتی روی آورند که درباره آن حادثه بزرگ، تنظیم و تدوین شده است.

ابراهیمی با اشاره به این که جنگ تمام نشده است، می‌گوید: «تا زمانی که جانبازان ما از بیماری‌های گوناگون آزار می‌بینند، جنگ همچنان ادامه دارد و این همان چیزی است که نویسندگان ما می‌توانند به تصویر بکشند، بدون آن که در میدان جنگ حاضر باشند.»

او نگاه به مقوله دفاع مقدس را کلیشه‌ای می‌داند و می‌گوید: «اغلب رسانه‌ها تنها در روز آزادسازی خرمشهر و هفته دفاع مقدس، به این مقوله می‌پردازند و باقی روزها از پرداختن به این موضوع مهم غفلت می‌کنند، بدون آن که رشادت‌ها و دل‌آوری‌های رزمندگان را پاس دارند و به فرهنگ‌سازی در این زمینه بپردازند.»

ابراهیمی، مشکلات کتاب‌های دفاع مقدس برای کودکان و نوجوانان را به چند بخش تقسیم می‌کند و معتقد است: «یکی از این دلایل، مشکلات اقتصادی نویسندگان است. کتابی که در دو هزار نسخه منتشر می‌شود چه انگیزه‌ای در نویسنده ایجاد می‌کند؟ از طرفی فرهنگ کتابخوانی هنوز در کشور ما شکل نگرفته است و همه این عوامل بر ادبیات دفاع مقدس هم تاثیر می‌گذارد.»

وی یکی از راه‌های رشد ادبیات دفاع مقدس را حمایت ناشران دولتی و رسانه ملی می‌داند و می‌افزاید: «اگر قصه‌های مجید به صورت فیلم در نمی‌آمد و از تلویزیون پخش نمی‌شد، به این محبوبیت دست پیدا نمی‌کرد، به همین دلیل بهتر است سازمان صدا و سیما به حمایت از نویسندگان خوب دفاع مقدس بپردازد و آثار برتر را به تصویر بکشد.»



می‌تواند مستندات را پایه و اساس قرار دهد و بر مبنای آن به نوشتن بپردازد.»

حسین فتاحی، نویسنده کودک و نوجوان، ضمن بیان مطلب فوق، جنگ‌رایکی از تلخ‌ترین واقعیت‌ها می‌داند و می‌گوید: «ما با کسی نچنگیدیم؛ بلکه به دفاع از ارزش‌ها و تمامیت ارضی خود در برابر کسانی پرداختیم که خود نیز وسیله‌ای برای برآورده کردن آرزوها و اهداف پلید دیگران بودند. برای نمونه چگونگی می‌توان از خون مردم بی‌گناه سردشت که بی‌خبر از همه چیز در خانه‌های خود نشسته بودند و هیچ چیز درباره بمب و بمباران شیمیایی نمی‌دانستند، گذشت؟!»

نویسنده مجموعه داستان پیامبران معتقد است نویسندگان باید تاریخ و وقایع تاریخی را دستمایه نوشتن داستان‌های جذاب و خواندنی قرار دهند و به روایتی تازه دست یابند، آن گونه که دوست دارند و گرنه نمی‌توانند داستانی تاثیرگذار خلق کنند.

فتاحی بر این باور است که ضرورتی ندارد نویسندگان، جنگ را لمس کرده باشند، آن هم در دوره‌ای که انبوهی از آمار و اطلاعات وجود دارد، بلکه می‌توانند به پژوهش درباره دفاع مقدس بپردازند و بر اساس یافته‌های خود به خلق آثار داستانی روی آورند. مسئولان امور فرهنگی هم باید اطلاعات را جمع‌آوری کنند و خاطرات، فیلم‌ها، نوارها و دستنوشته‌های رزمندگان را مانند غنیمی گرانبها پاس دارند. همچنین مراکزی چون مرکز اسناد انقلاب اسلامی می‌تواند بخشی از اطلاعات محرمانه مربوط به جنگ را فاش کند و در اختیار نویسندگان بگذارد و این همان کاری است که در بعضی کشورها پس از گذراندن دوره‌ای انجام می‌شود.»

وی توجه به حواشی جنگ را هم لازم می‌داند و می‌گوید: «اگر چه نمی‌توان برای نویسندگان تعیین تکلیف کرد که چه بنویسند و چه ننویسند اما در کنار پرداختن به تاریخ دفاع مقدس می‌توان به حواشی جنگ و پیامدهای آن نیز توجه کرد. هر چند توجه به این موارد نباید نویسندگان را از نوشتن درباره تاریخ جنگ غافل کند، زیرا اگر ما درباره واقعت جنگ ننویسیم، دیگران می‌نویسند؛ آن هم نه به درستی!»

فتاحی معتقد است: «هم می‌توان جنگ را به گونه واقعه‌ای تاریخی بازآفرینی کرد و هم به

تراژیک جنگ است که نویسندگان باید به آن بپردازند.» جوانبخت می‌گوید: «رمان در ایران، مقوله جوان و نوپایی است. از سوی دیگر داستان و رمان بینش انتقادی به انسان و جهان است و زمانی می‌تواند جذاب و تاثیرگذار باشد که از شعار فاصله بگیرد و از نظر بیان ادبی، ساختار، زبان، شخصیت‌پردازی، پایان‌بندی، تعلیق هنری و... به جایگاه مطلوب دست یابد و دگرگونی شخصیت‌ها، تزلزل و تردید آنها و کمال‌خواهی‌شان را به تصویر بکشد. برای رسیدن به این جایگاه‌ها باید قالب‌های ذهنی ادبیات دفاع مقدس شکسته شود.»

ضرورت مستندنگاری جنگ

«عکس‌ها، فیلم‌ها، خاطرات و دستنوشته‌هایی که از روزگار جنگ به جا مانده باید گردآوری شود» ابراهیم حسن بیگی، نویسنده کودک و نوجوان، مستندنگاری در زمینه دفاع مقدس را ضروری می‌داند و می‌گوید: «عکس‌ها، فیلم‌ها، خاطرات و دستنوشته‌هایی که در آن روزگار وجود داشته، باید گردآوری شود. به همین خاطر مستند کردن این پژوهش‌ها، لازم و ضروری است و امروز، بهترین زمان برای انتقال واقعیات تاریخی دفاع مقدس به مخاطبان است چرا که افراد بسیاری که جنگ را درک کرده و در میدان‌های نبرد حضور داشته‌اند، زنده‌اند و به خوبی می‌توانند ناظر بر گفتار و رفتار کسانی باشند که به بیان این واقعه تاریخی می‌پردازند.» نویسنده رمان محمد(ص) با اشاره به این که هر چه زمان بگذرد، روایت تاریخی دفاع مقدس، دشوارتر می‌شود، بیان می‌کند: «مرور زمان، موجب از بین رفتن شاهدان عینی جنگ و کمرنگ شدن مستندات تاریخی این واقعه می‌شود و شرایطی را فراهم می‌آورد تا افرادی به تحریف حقایق جنگ بپردازند اما وجوه دیگر جنگ چون ایثار، شهادت‌طلبی و... مواردی است که در هر زمان می‌توان به آن پرداخت.»

حسن بیگی یکی از دلایل کم‌توجهی به ادبیات دفاع مقدس را نشناختن قدر و ارزش شهیدان، جانبازان و آزادگان می‌داند و می‌گوید: «دوره کسانی که از جان و مال خود برای رسیدن به آزادی و آزادی‌گذشتند، به سر نیامده است و ما باید قدر جوانمردی و از خودگذشتگی آنان را دریابیم و از همه خوبی‌ها و ارزش‌هایی که برای حفظ و حراست از آن جنگیدند و به شهادت رسیدند، پاسداری کنیم.»

ضرورت شناخت داستان و عناصر آن

«اگر نویسندگان، جنگ را درک کرده باشند، قطعاً بهتر می‌توانند درباره آن بنویسند اما هر علاقه‌مندی که با داستان و عناصر آن آشنا باشد و زبان و دنیای کودکان و نوجوانان را بشناسد،

تازه‌اند» نوشتن درباره جنگ را همان اندازه مهم می‌داند که پرداختن به حواشی آن را و بر این باور است که کودکان و نوجوانان امروز از یک سو باید جنگ و رشادت‌های رزمندگان ایرانی را بشناسند و از طرف دیگر درد و رنج مادری که تنها فرزند خود را فدای این مرز و بوم کرده یا فرزندی که تنها با یاد و خاطره پدرش بزرگ شده است را درک کنند. به همین دلیل، شاعران، نویسندگان، فیلم‌نامه‌نویسان و دیگر هنرمندان باید به بیان و تصویر این از خودگذشتگی‌ها بپردازند. جوانبخت معتقد است کسانی می‌توانند برای کودکان و نوجوانان بنویسند که کودکی خود را حفظ کرده و نوجوانی‌شان را به یاد داشته باشند؛ همچنین ذهن و زبان این گروه سنی را بشناسند. اگر چه او هنرمند را پیرو ناخودآگاه خود می‌داند و می‌گوید: «وقتی خودم می‌نویسم، تنها به نوشتن فکر می‌کنم بدون آن که بدانم مخاطب نوشته من چه گروه سنی را دربرمی‌گیرد و پس از آفرینش است که به بازنویسی آن و روان کردن واژه‌ها با توجه به گروه سنی مورد نظر خود می‌پردازم.» وی توجه به ابعاد گوناگون جنگ را ضروری می‌داند و می‌گوید: «اگر چه نشان دادن دل‌آوری‌ها و از جان گذشتگی‌های رزمندگان، زیبا و تاثیرگذار است اما مگر می‌توان از کودکی که قدر و ارزش شهادت را نمی‌داند و تفکر شیعی را نمی‌شناسد و تنها می‌خواهد سایه پدر و دست‌نوازشگر او را بر سر خود حس کند، سخن نگفت؟ این همان، بعد

رهیافتی دیگر به گفتمان جنگ

یکی از دو نویسنده کتاب «جنگ و یادبود در سده بیستم» را با عنوان «اشکال خویشتاوندی و یادبود پس از جنگ کبیر» دربر می‌گیرد. به نوشته ساسانی «وینتر در این مقاله می‌کوشد به کسانی بپردازد که به بیان او، کنشگران یادبود یا یادبودگران به شمار می‌آیند و در شکل‌گیری فرایند یادبود جنگ جهانی نخست نقشی اساسی داشته‌اند».

نویسنده بدین منظور، مفهوم خویشتاوندی بین یادبودگران جنگ را - یعنی آنها که خاطره جمعی جنگ را زنده نگاه می‌دارند و به نوعی وارث این خاطره‌ها هستند - تعریف می‌کند. به گمان وینتر، یادبودگران جنگ در کنار هم، نوع دیگری از خانواده را شکل می‌دهند که رابطه بین افراد آن غیرسببی است. وی این مفهوم را از مردم‌شناسان به عاریت گرفته است. به نظر او، جنگ، رفتارهای مردم درگیر خود را سخت تغییر می‌دهد و خاطره جمعی رخدادهای جنگ در بین این افراد، به آنها گونه‌ای خویشتاوندی می‌بخشد که وینتر به این نوع خویشتاوندی، نام خویشتاوندی پنداشتی داده است.

مردان کز چهره، دیگر اصطلاحی است که وینتر به کار می‌برد تا انسان‌هایی را متمایز سازد که با چهره‌های از ریخت افتاده و به شدت آسیب دیده، بخشی از بازماندگان جنگ را تشکیل می‌دهند.

به نوشته وینتر؛ «یادبود، فعالیت کنشگرانی است که آزادانه در مرز میان امور خصوصی و عمومی، خانواده‌ها، جامعه مدنی و دولت گردهم می‌آیند». در نتیجه جمعی شکل می‌گیرد که در وهله نخست، چارچوبی ملی است؛ که از گردهم آمدن انجمن‌های مختلفی تشکیل شده در طی سالیان، خاطره‌های جنگی خاص را زنده نگاه داشته‌اند.

ظلم مظلوم و خاطرات بی‌خبردار

فصل پنجم «خاطره و گفتمان جنگ»، به ترجمه مقاله‌ای از «آنتوان پروست» اختصاص دارد. این مقاله با عنوان «جنگ الجزایر در خاطره جمعی فرانسویان»، به بررسی این امر می‌پردازد که چه چیزی سبب شده فرانسویان فاقد خاطره‌ای جمعی از جنگ الجزایری باشند که یکی از مهم‌ترین رویدادهای حیات سیاسی آنها در قرن گذشته به شمار می‌آید و تبعات آن، هنوز که هنوز است در اجتماع فرانسه به روشنی دیده می‌شود. مهم این جانست که فرانسویان درست در آن مقطع زمانی به اعمال ستم بر بومیان الجزایر می‌پردازند که پیش از یک دهه از خونریزی‌های آلمان نازی در خود فرانسه نگذاشته است. به نظر پروست، مقایسه این دو رویداد در میخله فرانسویان بود که «دیگر جایی برای یادبود و بزرگداشت جنگ با الجزایری‌ها، که نیروهای اشغالگر آن را سرکوبی داخلی به حساب می‌آوردند، در ذهن مردم فرانسه باقی نمی‌گذاشت».



دو نویسنده، در بخشی از این مقاله به بررسی یکی از تازه‌ترین یافته‌های پژوهندگان یاد می‌پردازند: رد خاطره؛ بنا به تعریف آن دو، رد خاطره مفهومی زیست‌شیمیایی و عصب‌شناختی است. به نوشته آن دو، بیشتر تجربه‌های ما ردهایی درازمدت بر جای می‌گذارند که در دستگاه خاطره رویدادی ما ضبط می‌شوند. دستگاه خاطره رویدادی، سیستمی است که چیزی را که اتفاق افتاده، یعنی رخدادها را رمزگذاری می‌کند. تا کنون هیچ شاهدهی مبنی بر از بین رفتن ردهای خاطره گزارش نشده است. این ردها چون وقایع باستان‌شناختی در مغز ضبط می‌شوند؛ حتی اگر ردهای دیگری روی آنها قرار گیرد. با این حال ردهای دیگری که روی آنها باقی می‌مانند، ممکن است منجر به این شوند که ردهای اولیه به تلاش شخص و بی‌درنگ، بازیابی نشوند؛ و این امر ممکن است این تصور را ایجاد کند که بخشی از خاطرات گم و فراموش شده‌اند؛ در حالی که هرگز این طور نیست. خاطره‌های انسان‌های درگیر جنگ نیز از این قاعده مستثنی نیست و دست کم تا شصت سال در ذهن فرد باقی می‌ماند. اما آن چه ناگزیر اتفاق می‌افتد، تحریف، بازتفسیر و افزون‌سازی خاطره‌هاست. رد خاطره هرگز و حتی در بهترین وضع، یک تجربه را دقیقاً همان طور که بوده بازگو نمی‌کند. همواره یکی از سه فرایند بالا رخ می‌دهد و این امر، به ویژه در بررسی خاطره‌های انسان‌های درگیر جنگ، اهمیت می‌یابد. این است که بهترین حالت آن است که کل خاطره‌های به جای مانده در ذهن جنگ‌دیدگان را منتی با قابلیت تفسیر کلامی تلقی کرد؛ چون همان‌طور که گفته شد، این بازگویی‌ها، هرگز عیناً آنچه در واقع رخ داده نمی‌توانند باشند.

خویشتاوندان خاطره و جنگ

فصل دوم کتاب نیز مقاله‌ای دیگر از جی وینتر،

فرهنگی، به ویژه مطالعات زبان‌شناختی و مردم‌شناختی و روان‌شناختی، چهار مقاله از این مجموعه در کتاب حاضر ترجمه و گنجانده شده است؛ چراکه نگاهی کلی‌تر، و به نحوی نظری تر نسبت به این مسائل عرضه داشته‌اند و در عین حال، از ارجاع و استناد به شواهد ملموس و عینی، و تجربه‌های زیستی انسان‌های درگیر جنگ، غافل نبوده‌اند.

در واقع آنچه به ویژه برای ساسانی اهمیت داشته، آن بوده که «خاطره و گفتمان جنگ» با وجود لحن و بیان تئوریک (آن گونه که استفاده از آن را جز برای متخصصان تا حدی دشوار نیز می‌کند)، از درافتادن به دام تحلیل‌های نظری صرف پرهیز کند. این مهم تنها با انتخاب مقاله‌هایی ممکن بوده که در آنها، بیان تئوریک بسته و وابسته باشد به تجارب زیست آدمیان درگیر جنگ.

نشانه‌شناسی خاطرات و گفتمان جنگ

نکته دیگر که شاید رویکرد ساسانی را در گردآوری این مجموعه کمی روشن‌تر کند نشانه‌شناسی نظری بر اساس نظرات سوسور بر آن است که نشانه‌ها و ساز و کار دالی و مدلولی آنها قراردادی‌اند؛ اما این قرارداد، تنها بر مبنای کل نظام نشانگی تبیین شدنی است. بدین معنا که معنای یک نشانه خاص برای مثال در یک زبان خاص، قابل دریافت است به اعتبار آنکه آن نشانه متعلق به نظامی است که معنای آن نشانه را مشخص می‌کند. در واقع بنا به نظرات سوسور، معنای یک نشانه نه به وجه ایجابی (مثبت)، یعنی نه به مراجعه صرف به آن نشانه خاص، که به وجه سلبی (منفی)، یعنی بر اساس روابط آن نشانه با دیگر نشانه‌های زبانی و کل دستگاه نشانه‌ها معلوم می‌شود.

حال به رهیافت ساسانی در این مجموعه بپردازیم؛ ساسانی معتقد است که کل فرایند خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی جنگ را می‌توان متنی در نظر گرفت با نشانه‌های خاص خود؛ دستگاهی متشکل از نشانه‌هایی ویژه، که این متن، در نهایت، قابلیت تفسیر کلامی دارد. او بر مبنای این اندیشه مرکزی، مجموعه مقاله‌هایی را برای ترجمه در «خاطره و گفتمان جنگ» برگزیده است که از زوایای مختلف، همین نگاه را به مقوله خاطرات جنگ پیش چشم داشته باشند.

رد خاطره: مفهومی نوین در مطالعه یاد

به همین دلیل است که برای مثال، نخستین مقاله این مجموعه به قلم جی وینتر و امانوئل سیوان، (نویسندگان «جنگ و یادبود در سده بیستم» که ذکر آن رفت)، با عنوان «چارچوب مطالعه جنگ و یادبود در سده بیستم»، طی نزدیک به شصت صفحه، به بررسی دقیق مفهوم خاطره و یاد، و سازوکار یادآوری، از نظرگاه‌های متنوعی چون دیدگاه زیست‌شناختی و عصب‌شناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و تاریخی اختصاص دارد.

«خاطره و گفتمان جنگ» کتابی است که به اهتمام فرهاد ساسانی، عضو گروه نشانه‌شناسی هنر فرهنگستان هنر تدوین شده است. این کتاب که چاپ نخست آن در سال گذشته عرضه شد، نگاهی بارویکرد تاریخ فرهنگی به جنگ و خاطره‌نویسی جنگ دارد. اهمیت این کتاب در آن جاست که نخستین بار در میان منابع فارسی، با این نگاه خاص، دریچه جدیدی به گفتمان جنگ ارائه کرده است که به ویژه پس از گذشت دو دهه از پایان دفاع مقدس در برابر حمله رژیم بعثی، جای خالی آن عمیقاً احساس می‌شود.

در این کتاب ۹ مقاله در قالب خاطره و گفتمان جنگ گرد هم آمده‌اند تا مجموعه‌ای را شکل دهند که نگاه تاریخ فرهنگی را به مقوله جنگ و خاطرات آن به مخاطب فارسی زبان معرفی می‌کند. آن گونه که فرانک جمشیدی در پیش‌گفتار این کتاب - که خود می‌تواند به عنوان مقاله‌ای مستقل در نظر گرفته شود - آورده است، در این نگاه، شأن فرهنگ جنگ برجسته‌تر از شأن تاریخ جنگ است. چرا که: «فرهنگ جنگ به مثابه مجموعه‌ای از عملکردها و نگرش‌ها و روش‌ها و آفرینش‌های هنری و ادبی سال‌های جنگ و پس از آن، همگی برخاسته از کنش کنشگری است که این فرهنگ را رقم می‌زند». بنابراین، بررسی این نکته اهمیت خاصی می‌یابد که «کنشگران یاد» یا «یادبودگران»، چگونه این یادها و خاطره‌های جنگ را می‌سازند و به دیگران منتقل می‌کنند. مجموعه مقالات این کتاب - هر یک به نوعی - در پی پاسخ دادن به این پرسش‌اند.

فرهاد ساسانی دکترای زبان‌شناسی، عمده فعالیت‌هایش تا امروز در حوزه زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی بوده است. بنابراین مسوولیت او در انتخاب مقالات این مجموعه، به کتاب صبغه‌ای مدرن بخشیده است. در این میان، مقاله‌های کتاب از نوع برخورد والتر بنیامین، فیلسوف یهودی آلمانی و از اعضای اصلی حلقه اندیشمندان فرانکفورت با مقوله جنگ (به ویژه جنگ اول جهانی)، تا دلایل «بی‌خاطره بودن» فرانسویان نسبت به جنگ الجزایر، ماهیت انسانی و کارکرد جنگ در تکامل اجتماعی و چارچوب مطالعه جنگ و یادبود در سده بیستم را دربر می‌گیرد. چهار مقاله از میان مقاله‌های این کتاب، گزیده و ترجمه‌هایی هستند از ۱۱ مقاله کتاب «جنگ و یادبود در سده بیستم» که در سال ۱۹۹۹ از سوی انتشارات دانشگاه کمبریج به چاپ رسیده است. این کتاب به طور عمده به بررسی مقوله یادبود و خاطره و ارتباط آنها با مسئله جنگ پرداخته است. مطلب پایین همین صفحه، داده‌های مناسبی را درباره این کتاب در اختیار مخاطبان کتاب هفته قرار خواهد داد. فرهاد ساسانی درباره دلیل توجه خاص به این کتاب، می‌نویسد: «به سبب اهمیت یادبود و خاطره در مطالعات انسانی و

خاطره جنگ در حافظه جهانی

کتاب «جنگ و یادبود در سده بیستم» مجموعه مقالاتی است که از سوی جی وینتر و امانوئل سیوان تنظیم شده و از منابع کتاب «خاطره، گفتمان و جنگ» به حساب می‌آید.

در این کتاب، محققان برجسته تاریخ قرن بیستم با استفاده از اطلاعاتی که از کشورهای اروپایی، آمریکایی و خاورمیانه جمع کرده‌اند به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه جنگ و مرگ در اثر جنگ، پس از جنگ جهانی اول و دوم، جنگ داخلی اسپانیا و جنگ الجزایر در یادبود جمعی مردم منعکس شده است. آنها به جای در نظر گرفتن نظرات کل جامعه یا طبقه حاکم با استفاده از رویکردی بر مبنای گروه محوری به رفتار گروه‌های کوچک مردم و نحوه یادآوری جنگ توسط آنها می‌پردازند.

موضوع خاصی را به یاد بیاورند؛ به راحتی و با استفاده از نحوه حفظ اطلاعات توسط آنها قابل ارزیابی نیست. علاوه بر این، واژه «حافظه» در زبان‌های گوناگون معانی مختلفی را دربر می‌گیرد.

هدف کتاب معرفی گستره‌گرانهایی از تحقیق تاریخی و روشن‌سازی محدوده آن با ارجاع به جنگ در قرن حاضر است و نویسندگان کتاب انگیزه اولیه خود از نگارش آن را ضعف‌های موجود درباره موضوع «حافظه جمعی» بیان کرده‌اند.

از آنجا که جنگ امری است که حول محور انسان شکل می‌گیرد خاطره آن نیز در اذهان شکل گرفته و با زمان به پیش می‌رود. این پویایی خاطره جنگ، آن را از انحصار تجربه کنندگانش درآورده و تبدیل به تجربه‌ای عام می‌کند که باعث می‌شود مردم نسل‌های بعد یا حتی مردم کشورهای دیگر در ذهن خود به بازسازی خاطره آن بپردازند و این تصویر جنگ در یادبود جمعی شان منعکس شود.

در نخستین بخش این کتاب، مشکلات مفهومی مطالعه حافظه جمعی مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان این کتاب تعاریف مختلفی از گروه محوری، حافظه جمعی و قربانی بودن دارند که نظرات متفاوتشان در مقدمه کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.

نویسندگان تلاش می‌کنند به چگونگی تصویر خاطره جنگ در حافظه جمعی بپردازند. جنگ در قرن بیستم تجربه‌ای است زنده و تراماتیک (آسیب‌زا) همراه با افسردگی و کسانی که آن را تجربه کرده‌اند بارها در ذهن خود به مرور آن می‌پردازند. نویسندگان کتاب با مطالعه موزه‌ها، نمایشگاه‌ها، ادبیات و فیلم به بررسی خاطره جنگ در یادبود جمعی جامعه پرداخته‌اند.

در این باره که آیا می‌توان رابطه با معنایی بین فرآیند شناختی و روان‌شناسی خاص افراد و رفتار گروهی و فرهنگی آنها ایجاد کرد بحث‌های زیادی وجود دارد. این که چگونه گروه‌های مردم می‌توانند



معصومه کبیری

غرفه نرم افزار کتابخانه دیجیتال و آموزش زبان فارسی رای مهر یکی از غرفه های سالن دین و فرهنگ بخش جنبی نمایشگاه بیست و دوم بود. در این غرفه شرکت نرم افزاری رای مهر، دو نرم افزار در حوزه های کتابخانه های دیجیتال و آموزش زبان فارسی را ارائه می داد. درباره نرم افزار آموزش زبان فارسی با مرجان جاویدان، مدیر پروژه این نرم افزار گفت و گویی انجام دادیم. جاویدان معتقد است که این نرم افزار کاربردی قابلیت ارائه در کشورهای دیگر را دارد، اما این کار، همکاری سازمان ها و وزارتخانه های مرتبط را می طلبد؛ همکاری ای که متأسفانه در سطح کلان انجام نشده است. این نرم افزار اکنون توسط مسافران به کشورهای دیگر سفر می کند.

مدیر پروژه نرم افزار آموزش زبان فارسی عنوان کرد

زبان فارسی در جاده ابریشم نرم افزاری

کمک های مادی و معنوی زیادی به ما کرده اند. انجمن فرهنگی ایران و اتریش نیز کار ترجمه آلمانی این نرم افزار را انجام داده است. کارشناسان و متخصصان دایره المعارف بزرگ اسلامی برای بخش های ایران شناسی و بنیاد ایران شناسی برای عکس های مرتبط با این بخش به ما کمک کردند. در واقع تیم های مختلفی تشکیل شدند و این محتوا را در اختیار ما قرار دادند. این محتوا تحت سرپرستی یک مدیر ارشد که مدیر آموزشی شرکت رای مهر است، توسط کارکنان بخش نرم افزار پیاده سازی شد.

این نرم افزار در حوزه ایران شناسی چه آموزش هایی را به کاربران ارائه می دهد؟

بخش ایران شناسی این نرم افزار سه حوزه دارد؛ معرفی کشور ایران، فرهنگ ایران (شامل هنر، زبان و دین) و ایرانگردی، هدف ما از این کار این است که اگر شخصی احتیاج داشته باشد، متن های بیشتری را برای آموزش زبان فارسی مطالعه کند، یک مطالعه فرهنگی و توریستی داشته باشد.

نقاط دیدنی، باستانی و تاریخی و موزه های ایران در این نرم افزار معرفی شده اند. موسیقی، سنتی و صنایع دستی هم در شاخه های مختلف به صورت فیلم، تصویر و عکس معرفی شده است.

در شاخه دین نیز دین ها و مذاهب مختلف ایران و جشن های آنها معرفی شده است و در قسمت زبان هم به تاریخچه زبان فارسی و مشاهیر علمی و ادبی ایران پرداخته شده است و شهرهای مختلف ایران و بخش هایی مانند خلیج فارس و دریای خزر که از اهمیت و حساسیت ویژه ای برخوردارند و لازم است که درباره آنها اطلاع رسانی بیشتری شود، در این نرم افزار معرفی شده است.



دیگری، کمکی برای این کار به ما نکرده است. با توجه به این که شرکت شما یک شرکت نرم افزاری است، در بخش های مرتبط با زبان شناسی و آموزش زبان از چه کسانی کمک گرفته اید؟

کار ما طراحی و تولید نرم افزار است، اما بخش مهم این کار، تهیه محتوای آن بوده که برای این کار از همکاری گروه های مختلف آموزشی استفاده کرده ایم. در بخش آموزش زبان فارسی از همکاری استادان دانشگاه علامه طباطبائی و استنادی که در کار آموزش زبان فارسی به غیر ایرانیان هستند بهره برده ایم. تیم های آموزش، زبان شناسی و ترجمه به زبان های انگلیسی و آلمانی نیز در تهیه این نرم افزار

کشورهای مختلف بهترین گزینه برای معرفی این نرم افزار نیست؟

معمولاً آنها وارد این جور کارها نمی شوند. ما برای معرفی این نرم افزار به سازمان های مختلفی مراجعه کرده ایم، اما هر یک ما را به سازمان دیگری ارجاع داده اند. شرکت ما یک شرکت خصوصی است و حتی یک ریال سرمایه گذاری دولتی نداشته است و این کار را از سال ۸۰ به صورت کاملاً خودجوش انجام داده است. فقط برای نسخه دوم نرم افزار توانسته ایم به صورت مشارکتی از تکفای ۲ (دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی) برای ارتقای نرم افزار کمک بگیریم اما تا امروز هیچ نهاد دولتی

نرم افزار آموزش زبان فارسی چه بخش ها و کارکردهایی دارد؟

این نرم افزار برای آموزش و مکالمه زبان فارسی طراحی شده است و علاوه بر آن فرهنگ و دیدنی های ایران را به بچه های نسل دوم و سوم ایرانی که در خارج از کشور هستند یا افراد خارجی که به نوعی می خواهند با ایرانیان ارتباط برقرار کنند یا زبان فارسی را یاد بگیرند، معرفی می کند و کاربران می توانند از طریق زبان های واسط انگلیسی و آلمانی از این نرم افزار استفاده کنند.

این نرم افزار از نظر آموزش مکالمه زبان فارسی تا چه حد کاربردی است؟

اگر شخصی بخواهد زبان فارسی را یاد بگیرد، این نرم افزار برای او مناسب است. چون آموزش زبان فارسی را از الفبا شروع می کند، به ترتیب کلمه سازی و جمله سازی را آموزش می دهد و سپس به مکالمات روزمره وارد می شود. زبان آموز می تواند بعد از پایان این دوره به راحتی به زبان فارسی صحبت کند. نسخه های مختلف این نرم افزار از سال ۱۳۸۰ وارد بازار شده و تا امروز روی افراد مختلف امتحان شده است تا میزان کارایی و قابلیت آن برای آموزش زبان فارسی سنجیده شود. این نرم افزار حتی توسط سازمان هایی که در حوزه آموزش زبان فارسی کار می کنند هم مورد آزمایش قرار گرفته است.

این نرم افزار به خارج از ایران هم فرستاده شده است؟

خیلی محدود چون ارتباط های ما چندان قوی نبوده و صرفاً توسط مسافران یا دوستان و آشنایان نزدیک، به خارج از کشور فرستاده شده است. رایزن های فرهنگی وزارت امور خارجه در

با مجموعه دار کتاب های حضرت زهرا (س) در نمایشگاه کتاب

ضرورت توجه به کتابخانه های تخصصی



روزهای دیگر سال، کجا قابل دسترسی است. این امکان وجود دارد که پژوهشگران از منابع کتابخانه شما استفاده کنند؟

بله. محققانی که درباره موضوع حضرت زهرا (س) تحقیق می کنند، می توانند از این منابع استفاده کنند. در این صورت مثل کتابخانه های دیگر مهلتی برای آنها تعیین می کنیم و تا دو جلد کتاب را به آنها امانت می دهیم تا برای تحقیق خود استفاده کنند.

این کتابخانه عضوگیری نمی کند؟

فعلاً به خاطر کمبود نیرو و امکانات توانسته ایم عضوگیری کنیم. شاید در آینده این کار را انجام دهیم. فرزندانم در تهیه کتاب ها و فعالیت هایی که خودم نمی توانم انجام دهم، به من کمک می کنند.

به شهر قم می آیند. چگونه به نمایشگاه کتاب دعوت شدید؟ از طرف مدیریت بخش جنبی نمایشگاه کتاب به نمایشگاه دعوت شد تا به مناسبت تقارن با ایام فاطمیه، این کتاب ها را در این بخش به نمایش بگذارم تا علاقه مدان و محققان از وجود چنین منابعی در کنار یکدیگر باخبر شوند. آنها از من خواستند تا خودم هم در اینجا حضور داشته باشم تا درباره این کتاب ها برای مردم توضیحاتی بدهم. البته ۶ سال پیش هم این مجموعه را به نمایشگاه آورده بودم، اما حضور دائمی نداشتم.

در این کتابخانه منابع غیر فارسی هم وجود دارد. چگونه این منابع را تهیه می کنید؟

بعضی از این منابع خصوصاً کتاب های عربی، در ایران منتشر می شود. اما کتاب هایی را که به زبان های دیگر منتشر می شود، از طریق مسافران و دوستانی که به کشورهای دیگر رفت و آمد می کنند، سفارش می دهم و تهیه می کنم. در حال حاضر به ۲۹ زبان از جمله آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی، روسی کتاب هایی در جهان منتشر می شود که گاه از طرف ناشران خارجی که ما را می شناسند به این کتابخانه هدیه می شود یا از طریق دوستان تهیه می کنم.

مردم چگونه از این بخش استقبال کردند؟

کسانی که به این بخش سر می زدند، با دیدن این همه منبع درباره حضرت فاطمه زهرا (س) کنجکاو می شدند بدانند این منابع در

سالن انقلاب اسلامی در بخش فعالیت های جنبی نمایشگاه کتاب، بخش ویژه حضرت زهرا (س) را هم در خود جای داده بود و مجموعه ای از کتاب های مرتبط با حضرت فاطمه (س) را به نمایش گذاشته بود که در نبود یک کتابخانه تخصصی با این موضوع، غنیمت است. با اسماعیل انصاری، مولف کتب دینی و گردآورنده این مجموعه در غرفه حضرت زهرا (س) نمایشگاه بیست و دوم گفت و گوی کوتاهی داشتیم. او و فرزندانش این کتابخانه را اداره می کنند.

منابع این کتابخانه چگونه گردآوری شده است؟

منابع این کتابخانه را بدون هیچ گونه کمکی طی ۲۰ سال گردآوری و کتابخانه تخصصی حضرت زهرا (س) را فراهم کرده ام. هیچ کتابخانه تخصصی از آثار آن حضرت در دنیا و ایران وجود ندارد. البته برخی از کتاب های این کتابخانه از طرف اشخاص علاقه مند به کتابخانه هدیه شده است، اما اکثر منابع آن را خودم خریداری کردم. یعنی به دنبال این بودم که هر کتابی را که با این موضوع منتشر می شود حتماً تهیه کنم.

آیا این کتابخانه به مردم خدمات رسانی هم می کرد؟

این کتابخانه یک کتابخانه شخصی است، اما مراجعه کنندگانی هم دارد. در هیچ جای دنیا کتابخانه تخصصی با این موضوع وجود ندارد و برخی محققان از کشورهای دیگر برای استفاده از منابع این کتابخانه



کوتاه درباره تجلیل از معلمان ماندگار

عادت‌ها به نام مراجعه به دایرة المعارف

قلم محمود حکیمی را دربر می‌گیرد.

وی درباره کتاب‌های مرجع و دایرة المعارف‌ها می‌گوید: «مراجعة مکرر نوجوانان و جوانان به دایرة المعارف و مشاهده آن باعث گسترش علم و فروتنی می‌شود. برای نمونه کتاب «اصطلاحات و تعبییرات عرفانی» اثر دکتر سید جعفر سجادی موجب می‌شود پژوهشگر به این حقیقت دست یابد که برای درک بسیاری از آثار شاعران و عارفان ایران زمین باید به دانشنامه‌های عرفانی مراجعه کند.»

حکیمی خود را مدیون تمام نویسندگان، مترجمان، پژوهشگران، ویراستاران دایرة المعارف‌ها و دانشنامه‌هایی چون دایرة المعارف اسلامی، دایرة المعارف تشیع، فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، موسوعه‌ها و فرهنگنامه‌هایی که پیوسته از آنها استفاده می‌کند، می‌داند و از کتاب ماه کلیات که این دایرة المعارف‌ها و کتاب‌های مرجع را معرفی کرده یا مورد نقد قرار می‌دهد، تشکر می‌کند.

وی می‌گوید: «مرحوم مصاحب با پدید آوردن «دایرة المعارف فارسی» خدمت بزرگی به گسترش فرهنگ ایران زمین کرد. او با این کار پرچم تالیف و انتشار کتاب‌های مرجع مستند در ایران را برافراشت. می‌توانم بگویم من هر روز برای ارزشمند ساختن هر چه بیشتر آثارم همچنان از این دایرة المعارف استفاده می‌کنم و به روح آن مرد بزرگ درود می‌فرستم. ما باید کودکان و نوجوانان خود را عادت دهیم که برای یافتن پاسخ و پرسش‌های خود به دایرة المعارف‌ها و دانشنامه‌ها رجوع کنند.»



باشد و از پرسشگری باز بماند، نیازی به کتاب‌های مرجع ندارد، اما جامعه‌ای که زنده و پویاست کنجکاو و به دنبال اطلاعات تازه خواهد بود. انسانی که از کودکی بیاموزد برای رسیدن به پاسخی جامع باید به کتاب‌های مرجع مراجعه کند، به تدریج به آن عادت می‌کند. همچنین معلمان نیز در ایجاد حس پرسشگری نقش مهمی را در جامعه ایفا می‌کنند.»

«دانشنامه علوم و هنر» کتابی مرجع است که مجموعه‌ای از مقالات نوشته شده طی چهار سال به

بیت (ع) و مجموعه ۲۲ جلدی تاریخ تمدن ویژه نوجوانان، از جمله دلایل انتخاب عنوان «معلم ماندگار» بود.

یکی از تالیفات حکیمی، دانشنامه علوم و هنر است. وی درباره این اثر می‌گوید: «این مجموعه برای نوجوانان در زمینه‌های باستان‌شناسی، زمین‌شناسی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، نجوم، پزشکی، روان‌شناسی و هنر است. پس از انقلاب اسلامی، دانشمندان پرتلاشی مانند استاد کامران فانی و مؤلفان پرتلاش «مجموعه دانش معاصر» آثار ارزشمندی منتشر کردند و تا حدودی این اندیشه را که نوجوان و جوان تنها باید کتاب‌های کنکور را بخوانند تا در زندگی موفق شود، مردود شمردند. من هم در این دانشنامه تلاش کردم اثری در زمینه علوم معاصر به زبان ساده برای نوجوانان به رشته تحریر درآورم.»

کتاب «دانشنامه علوم و هنر» که توسط انتشارات لوح زرین به چاپ رسیده، شامل سلسله مقالاتی است که پیش از این در مجله اطلاعات علمی و مجله رشد معلم منتشر شده و بعد از ویرایش دوباره، در این مجموعه به چاپ رسیده است. حکیمی به عنوان نویسنده حوزه نوجوانان و جوانان به آثار خود به ویژه کتاب «بدن انسان» اثر میچل ویلسون و کتاب «دانش معاصر» که ترجمه آن را بر عهده داشته، علاقه‌مند است. وی که نویسنده کتاب «اختراعات بزرگ» است، می‌گوید: «فرزندان باید از دوران کودکی به پرسشگری عادت کنند. جامعه‌ای که پرسش‌ناداشته

کارهای بزرگ همیشه نتیجه عزم‌های آهنین است، به ویژه اگر این فعالیت‌ها با دود چراغ خوردن و نگارش و قلم زدن همراه باشد.

در کشور ما نیز اگر چه هنوز جایگاه نویسندگی و نویسندگان آن گونه که باید و شاید شناخته نشده، اما اقدامات درخور توجهی برای تجلیل از صاحبان قلم که چراغ عمر را صرف روشنایی راه زندگانی دیگران می‌کنند انجام شده است.

چندی پیش - هشتم اردیبهشت ماه - از سی نفر از معلمانی که سال‌ها به تدریس در مدارس و دانشگاه‌ها یا تالیف کتاب‌های درسی و علمی مشغول بودند، به عنوان «معلم ماندگار» تجلیل شد و آنها موفق به دریافت لوح تقدیر از ریاست جمهوری شدند که از جمله این افراد، محمود حکیمی پژوهشگر، نویسنده، مترجم و معلم دیرین مرکز تربیت معلم بود.

از استاد حکیمی به خاطر تالیف و ترجمه ۱۳۲ کتاب دینی، علمی و تربیتی در مدت چهار سال تقدیر شد. مراسم تجلیل از معلمان ماندگار با ابتکار ستاد بزرگداشت معلم و تصویب هیات دولت و وزیر آموزش و پرورش برگزار شد و نخستین مراسمی بود که برای تقدیر از معلمان سخت‌کوش که سال‌ها در مراکز تربیتی تدریس یا کتاب‌های درسی دینی و علمی تالیف کرده‌اند و در سالهای گذشته بازنشسته شده‌اند، برپا می‌شد.

حکیمی در این باره می‌گوید: «انتشار بیست و هشت عنوان کتاب برای نوجوانان در زمینه قصص قرآنی، زندگانی حضرت محمد (ص) و زندگانی اهل

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات فطره با هفده عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ حمیده فیض‌آبادی با هشت عنوان پرکارترین مولف؛ و ذیح‌الله منصوری با هفت عنوان پرکارترین مترجم بوده‌اند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۲۰۰۰ ریال	آخرین یادگار، حسن نامدار، ناشر: سفیدساز، چاپ ۱، ۲۲ صفحه، ۸۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۷۲۸۰۰۰ ریال	اسول و مبانی اصولی ثابت به روش MBT، ریچارد سکالوفس، حمید قیسری، ناشر: نشران نووار، چاپ ۱، ۲۲۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۶۱ مرتبه	۱۰ خاطرات سیده زهرا حسینی، ناشر: سوره مهر، ۸۱۷ صفحه، ۲۵۰۰ نسخه، ۱۱۰۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	میلان گولراند ناشر: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ ۱، ۲۲ صفحه
کمترین شمارگان	۱۵۰ نسخه	روانشناسی باثبات سلامت (موردتدری و درمان)، منصوره لعلی، ناشر: دانشگاه سمنان، چاپ ۱، ۲۸۸ صفحه، ۹۸۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۵۵۸ صفحه	فرهنگ معاصر فارسی - انگلیسی انگلیسی - فارسی (در یک مجلد)، سیدان حبیبی، ناشر: فرهنگ معاصر، چاپ ۱، ۸۸۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۲ صفحه	Carol Pease, What is not green?, ناشر: نقشه نواندیش، چاپ ۱، ۲۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۶۵۰۰ ریال	کتاب کار فضای دوم دبستان: براساس کتاب‌های بخوابیم و نویسیم، انتشارات اسنادات فارسی، ناشر: ویرای دانش، چاپ ۱، ۵۶ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۳۰۰۰۰ ریال	فوزیک برای رشته‌های فنی، فردریک یوکی، محمدابراهیم اوکادفنی، ناشر: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ ۱، ۸۰۸ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۷۲ مرتبه	دوران سفر به سفر زبان انگلیسی، کامران معتمدی، ناشر: بین‌المللی گاج، ۲۴۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	براندای کام به کام زبان انگلیسی (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی ۸۸-۱۳۸۷، حمیده قیسری، ناشر: منتظران، چاپ ۱، ۴۸۰ صفحه، ۲۲۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	زیست‌شناسی و آزمایشگاه (۲) سال سوم، نوبزه زیرعبان، ناشر: سفیدساز، چاپ ۱، ۲۴۴ صفحه، ۴۵۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتاب‌های بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان		تعداد کتاب‌های الفبا
		مترجم	مؤلف*	
۳۳۶	۶۲	۷۴	۱۱۲	۹

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (نقد نویسنده، ناشر، گردآورنده، مترجم و...) به جز مترجم

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی خانه کتاب و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شماره ۸۸۷۲/۱۹ تا چهارشنبه ۸۸۷۲/۲۳، ۹۹۴ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع ادبیات و سپس علوم علمی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات تاریخ و جغرافیا، کودک و نوجوان، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تاریخ*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	نویسنده	شمارگان متوسط	موضوع
۱	ادبیات	۱۶	۱۱	۶	۷	۱۶	۱۶	۳۰۸۴	۴۲۴
۲	فلسفه و روانشناسی	۶۰	۲۱	۲۸	۲۲	۶۰	۲۶	۲۴۷۰	۲۲۶
۳	ادب	۶۳	۲۰	۲۹	۳۴	۶۱	۲۶	۲۹۴۲	۴۵۲
۴	علوم اجتماعی	۹۴	۲۶	۵۸	۳۶	۹۲	۱	۲۴۰۰	۲۸۴
۵	زبان	۲۳	۱۷	۱	۱۶	۲۲	۱	۲۹۳۸	۲۸۶
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۳	۲۱	۱۲	۱۹	۱۴	۲۲	۲۳۸۸	۴۱۲
۷	علوم علمی	۱۵۰	۸۷	۵۳	۱۰۰	۴۰	۷	۲۲۰۹	۲۷۹
۸	هنر	۵۷	۲۴	۲۳	۴۱	۱۶	۱	۲۱۰۴	۱۹۱
۹	ادبیات	۴۲۲	۱۴۶	۲۶	۱۵۲	۶۹	۱	۲۱۹۷	۴۱۵
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۱۰۵	۸۲	۲۲	۳۷	۶۸	۱۰۵	۲۲۳۸	۵۷۹
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۶۹	۶۷	۲	۴۷	۶۹	۰	۲۰۲۷	۴۰۸
۱۲	کودک و نوجوان	۱۰۲	۷۵	۲۷	۴۶	۲۹	۱۰۲	۲۸۴۶	۶۳
جمع بندی		۹۹۴	۶۸۵	۳۰۹	۴۲۵	۹۸۰	۱۴	۲۱۶۲	۴۱۱

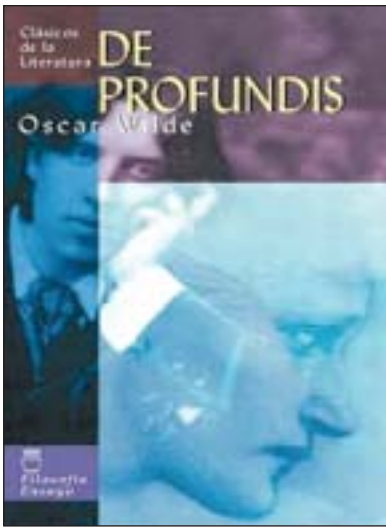
* تاریخ: به معنای آثاری که ترجمه یا تجدید چاپ شده باشد. آثاری که به تازگی به چاپ رسیده‌اند، تاریخ چاپ و تجدید چاپ آن‌ها درج شده است. ** موضوع: آموزشی و کمک‌درسی: آثاری که به تازگی به چاپ رسیده‌اند و براساس موضوع آموزشی نام‌گذاری شده‌اند. ادبیات: به معنای آثاری که به تازگی به چاپ رسیده‌اند و براساس موضوع ادبیات نام‌گذاری شده‌اند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
گرانترین کتاب	۹۰۰۰۰ ریال	نگارهای بدن: سفری شگفت‌انگیز به ساختمان بدن انسان، ریچارد واکر، سیدحسین توابی، ناشر: پیام آزادی، چاپ ۱، ۹۶ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۵ مرتبه	لطیفه‌های تیرین، اسماعیل برادران‌شاهروزی، ناشر: موهایی، ۱۹۲ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰ نسخه	حسینی عایش خدیو، ناشر: هریر، چاپ ۱، ۱۲ صفحه، ۶۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	شادی بزرگ، کیت‌دی کلیمو، ناشر: آروان، کتاب رنگارنگ، چاپ ۱، ۲۲ صفحه، ۳۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۴۴۰ صفحه	دانشنامه‌های تک‌مجله، هشتاد و نه، ناشر: هرمس، کتاب‌های کیمیا، چاپ ۱، ۲۰۰۰ نسخه، ۵۰۰۰۰ ریال

نگاهی به تازه ترین ترجمه از اسکار وایلد

روایتی از اعماق وجود نویسنده



هر جا که مناسب بوده از کنایه و شوخی استفاده کرده است.

در این نامه او مقایسه‌ای استادانه و متهورانه بین زندگی هنرمندان خود و زندگی مسیح ایجاد می‌کند: مسیح به عنوان نماد اندوه، کهن‌الگویی می‌شود از هنرمند. در قسمت‌هایی از نامه وایلد تفسیری از انجیل ارائه می‌دهد که بر غیرانسانی بودن دوران او تاکید کرده و زیبایی‌گرایی را به عنوان روشی از زندگی تقدیس می‌کند.

«از اعماق» شاهدهی است بر طغیان روح انسان در برابر عذابی تحمل‌ناپذیر. اضطراب و رنج روحی محبوس بودن برای وایلد به مراتب دشوارتر از اوضاع نامناسب جسمی‌اش در زندان بود. بنابراین موضوع این نامه که بعد از آزادی‌اش در قالب کتاب منتشر شد رنج است: زیبایی‌آن، سودمندی‌اش (به ویژه در پرورش روح)، لزوم آن و نتایجش. در این نامه او به تأثیری که تجربه رنج کشیدن بر انسان می‌گذارد پرداخته و همین‌طور به بیان تأثیر رنج در زندگی مسیح (ع) که از نظر او انسانی است.

وایلد در این اثر تجربه زندانی شدن را برای چیرگی بر بینش سطحی‌اش نسبت به زندگی و تطهیر خود به عنوان وجودی معنوی، لازم می‌داند و گرچه فقر مادی خود را می‌بیند، اما از قدرت درونی‌ای که به دست آورده خوشحال است.

این کتاب اثری عمیق و یکی از بهترین نمونه‌های نثر انگلیسی است. عنوان آن برگرفته از سرودی مذهبی است که چنین آغاز می‌شود: از اعماق یأس و نویدی ام تو را می‌خوانم، خداوند، خداوند! دعای مرا بشنو!

«متیو آرنولد»، «جان راسکین» و «والتر پتر» وارد مباحثه شد.

او در دهه ۱۸۷۰ در دانشگاه آکسفورد ادبیات کلاسیک خواند و در دهه ۱۸۸۰ برای چندین روزنامه نقد کتاب نوشت، این‌ها و در کنارشان مسافرت به نقاط گوناگون و آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، او را به فردی مطلع تبدیل کرد.

«از اعماق: نامه‌ای از زندان» بیانگر تجربه اسکار وایلد به عنوان یک زندانی است و تصویری نزدیک‌تر از این نویسنده به نمایش می‌گذارد. او این نامه را به یکی از دوستانش با نام «لرد آلفرد داگلاس» نوشته و در آن فلسفه سیاسی و اصول هنری مورد قبولش را بیان کرده است.

کشف هویت فردی همواره یکی از دغدغه‌های وایلد بود. «از اعماق» آخرین نوشته طولانی او، بیانی است کاملاً شخصی از اصول هنری‌ای که قبلاً در آثارش عنوان کرده و اکنون با توجه به دانش حاصل از تجربه رنج و سختی، آن‌ها را گسترش می‌دهد.

در «منتقد به مثابه هنرمند» وایلد می‌گوید: «به

باشند تنظیم کرد. بنابراین رنگی از تفکرات دیگر ادیبان و متفکران همدوره‌اش را می‌توان در آثار او دید!

شاید هیچ دو نویسنده‌ای به اندازه وایلد و دیکنز به هم شبیه نباشند. کسی که آثار این دو را مطالعه و مقایسه کند، می‌تواند رفتار و اطوار یک شخصیت دیکنزی و نظرهای شخصیت دیکنزی دیگری را در دو نمایشنامه وایلد چنان‌گره خورد به اوضاع تصویر شده بیابد که احتمالاً خود وایلد هم هنگام نگارش متوجه این شباهت‌ها نشده است. واضح است که دیکنز در زندگی حقیقی با چنین اشخاصی برخورد کرده، در حالی که وایلد به احتمال زیاد با مطالعه سایر آثار ادبی به خلق (یا بازآفرینی) آنها پرداخته است.

به گفته وایلد: «نویسنده حقیقی با شیوه استفاده‌اش از آن چه (از نوشته‌های سایرین) منظم کرده شناخته می‌شود. در هر حال می‌توان گفت که وایلد آن چه آموخته را بهبود داده و بسیار بیش‌تر از چیزی که دریافت کرده بخشیده است. حتی اگر او به جز مقالاتش چیز دیگری ننوخته بود باز هم

تصویر وایلد در آینه ایرانی

اسکار وایلد در طول زندگی کوتاه ۴۶ ساله‌اش یک کتاب نقد، یک مجموعه نامه، یک رمان، چهار مقاله، پنج مجموعه داستان کوتاه، چهار دفتر شعر و ۱۰ نمایشنامه نوشته است. بیش از ۱۴ زندگینامه از این نویسنده به قلم افراد مختلف به نگارش در آمده و بر اساس زندگی او چندین فیلم و سریال ساخته شده است. نمایشنامه‌ای نیز از زندگی او به روی صحنه رفته است. مجموعه نامه‌ها و دست‌نوشته‌های وایلد که خطاب به حلقه ادبی‌اش نوشته در کتابخانه «ویلیام اندروز کلارک» جمع‌آوری شده‌اند و کتابخانه لندن نیز از دست‌نوشته‌های او نگه‌داری می‌کند. از آن‌جا که وایلد مدتی در آمریکا تدریس می‌کرد و اواخر عمرش را نیز در پاریس سپری کرد و در همان‌جا هم از دنیا رفت، تعدادی از دست‌نوشته‌های او توسط مجموعه داران این دو کشور نگه‌داری می‌شوند. از میان آثار وایلد رمان او «تصویر دوریان گری»، توسط هشت مترجم مختلف به فارسی برگردانده شده است. مجموعه‌های مختلفی نیز با انتخاب مترجمان و ناشران از نمایشنامه‌ها و داستان‌های کوتاه او به فارسی ترجمه شده‌اند. از میان داستان‌های کوتاه او داستان‌هایی که پس از تولد دو پسرش و برای آنها در بین خوانندگان فارسی‌زبان از اقبال خوبی برخوردار بوده و بیش از سایر آثارش به فارسی برگردانده شده‌اند. فهرست آثار ترجمه شده او در پی آمده می‌آید.

رمان: «تصویر دوریان گری»

داستان کوتاه: «بلبل و گل سرخ»، «پسر ستاره و دو قصه دیگر»، «پنج قصه گزیده از داستانهای اسکار وایلد برای کودکان»، «داستان‌ها»، «شاهزاده خوشبخت»، «شاه نوجوان»، «غول خودخواه»، «قلب سربی»، «ماهی گیر و روحش»، «افسانه‌های یادماندنی»، «جناب لرد سوئل و بسیاری داستان‌های دیگر»، «دوست متواضع (مجموعه چهار داستان ویژه نوجوانان)»، «موشک یکی یکدانه و چند قصه دیگر»

نمایشنامه: «بادبزن خانم ویندرمیر در چهار پرده»، «شوهر دلخواه و زن بی‌اهمیت»، «سالومه»

مقالات و نامه‌ها: «سوسیالیسم و فردگرایی»، «از اعماق: نامه‌ای از زندان»، «نامه‌هایی از زندان ری دنیک»

به عنوان یکی از بهترین پندنیسان انگلیسی زبان شناخته می‌شد.

وایلد یکی از منتقدان اصلی جنبش زیبایی‌شناختی زمان خود بود و با بزرگانی چون

«از اعماق: نامه‌هایی از زندان» اثری است از «اسکار وایلد» که توسط مریم امینی به فارسی ترجمه و به تازگی منتشر شده است. این کتاب منعکس‌کننده دنیای درونی وایلد است، بی‌آنکه بهره‌ای برده باشد. تخیل او با آهنگی طبیعی در قالب این نامه جاری است.

در آمریکا مامور گمرک از وایلد پرسید که آیا چیزی برای اعلان دارد؟ و پاسخ شنید که: من جز نبوغ چیزی برای ارائه ندارم. قسمتی از این نبوغ در «از اعماق» مشهود است. این اثر که نامه‌ای است از زندان و خطاب به لرد آلفرد داگلاس، بیش از هر نوشته دیگر وایلد بیانگر نبوغ احساسی او است.

«اسکار وایلد» (۱۸۵۴-۱۹۰۰) شهرت ادبی‌اش را و مدار نمایشنامه‌ها و تنها رمانش: «تصویر دوریان گری» است. ماجرای «دوریان گری» مردی که آرزو کرد جوان بماند و به جای او تصویر نقاشی شده‌اش پیر شود؛ بارها توسط مترجمان مختلف به فارسی برگردانده شده، همین‌طور هم برخی از نمایشنامه‌های وایلد. اما ترجمه امینی از «از اعماق: نامه‌هایی از زندان»؛ تنها ترجمه و تازه‌ترین اثر این نویسنده است که بازار کتاب ایران را می‌آزماید.

گرچه «اسکار وایلد» ایرلندی فعالیت ادبی خودش را با سرودن شعر آغاز کرد و آخرین اثرش هم یک دفتر شعر بود، اما بهترین و زیباترین اشعارش را در قالب نثر گفته است. شهرت وایلد به عنوان شاعر بیشتر از شهرتش به عنوان یک نویسنده بود، تا این که نمایشنامه‌نویس بودنش شاعر و نویسنده بودنش را تحت الشعاع قرار داد.

واقعیت این است که محبوبیت اشعار وایلد بیشتر به دلیل شخصیت ویژه او بود تا هنر شاعرانه‌اش. وایلد پس از انتشار اولین مجموعه شعر خود در سال ۱۸۸۱ سرودن راتاپس از آزادی‌اش از زندان در سال ۱۸۹۸ رها کرد. در این مدت به ندرت برای نگارش شعری قلم به دست گرفت و بهترین شعرهایی هم که گفت خطاب به همسرش بودند. اشعار او شاعری را نشان می‌دادند که بیش از این که در قید و بند شکل و قالب باشد به بیان احساسش می‌پرداخت.

امروزه نیز مانند گذشته شخصیت و زندگی او بر قدرت شاعرانه‌اش سایه افکنده است. این زندگی و هوش وایلد بیش از هر چیز در نوشته‌هایش دیده می‌شود. مثل هر نابغه دیگری، او بسیاری از ایده‌های ناب خود را در نوشته‌ها و سخنان دیگران یافت و آن‌ها را به شیوه‌ای که برای بیان منظورش مناسب

کوتاه از اسکار وایلد



اسکار وایلد آثار خود را در اواخر قرن نوزدهم میلادی و در اوج قدرت دوران ویکتوریانو نوشته است. او در آثارش تصویری از اوضاع انسانی به نمایش می‌گذارد. اگر یکی از کتاب‌های وایلد را در دست بگیرید و به صورت تصادفی صفحه‌ای از آن را باز کنید، حتماً با یکی دو جمله قصار برخورد خواهید کرد. جملات زیر تعدادی از مشهورترین سخنان این نویسنده ایرلندی‌اند.

- وقتی کسی کاری را انجام می‌دهد عروسک خیمه شب بازی است و وقتی آن را وصف می‌کند شاعر.
- کسی که تنها زمان حال برایش وجود دارد، هیچ چیز درباره زمانه‌ای

- آمریکا تنها کشوری است که از بربریت به سوی زوال رفت، بدون آنکه تمدنی بین این دو مرحله شکل بگیرد.
- بچه‌ها در ابتدا عاشق پدر و مادرشان هستند، بعد به قضاوت آن‌ها می‌پردازند و بسیار به ندرت ممکن است که آن‌ها را ببخشند.
- مد نوعی از نازیبايي است به حدی غیر قابل تحمل که هر شش ماه یک بار مجبوریم تغییرش دهیم.
- تفرق نیز چون عشق کور است.
- اگر باز خواندن یک کتاب لذت بخش نباشد، خواندن آن نیز بی ارزش است.
- خنده دار است که مردم را به دو دسته خوب و بد تقسیم کنیم. آن‌ها یا خوش معاشرت‌اند یا خسته‌کننده.
- زندگی خیلی مهم‌تر از آن است که جدی درباره‌اش صحبت کنیم.
- مردم چیزی را که غیر ممکن باشد باور می‌کنند، اما چیزی را که احتمال وقوعش کم باشد نه.

- که در آن زندگی می‌کند نمی‌داند.
- تنها چیزی که انسان را برای انجام کار احمقانه‌ای دلداری می‌دهد، خودستایی اوست از انجام آن کار.
- تنها یک دلال هنری می‌تواند همه مکاتب هنری را به یک اندازه تحسین کند.
- دیوانه کسی است که قیمت چیزها را می‌داند اما ارزششان را نه.
- خیالباف راه خود را زیر نور ماه می‌یابد و سزای کارش دیدن طلوع خورشید پیش از سایرین است.
- انسان نمی‌تواند در انتخاب دشمنانش دقت چندانی به خرج دهد.
- شاعر از هر خطری جان سالم به در می‌برد، جز از خطر اشتباهات چاپی!
- هنر حاصل منحصر به فرد سرشتی است منحصر به فرد.
- زندگی بیشتر از هنر الگو می‌گیرد، تا هنر از زندگی.
- همیشه دشمنان خود را ببخشید، هیچ چیز بیش از این آن‌ها را آزار نمی‌دهد.



کارلوس فونتنس، یکی از نویسندگانی است که در طول سال‌های اخیر همواره از وی به عنوان یکی از بخت‌های دریافت جایزه نوبل یاد شده است. این نویسنده سال ۱۹۲۸ در پاناما متولد شد. والدینش دیپلمات‌های مکزیکی بودند و به همین دلیل وی در دوران کودکی در کویتو، مونتو ویدئو، ریو دو ژانیرو، واشینگتن، سانتیاگو و بوینس آیرس زندگی کرد. در دوران نوجوانی به مکزیکی برگشت؛ جایی که تا سال ۱۹۶۵ در آنجا زندگی کرده بود. اولین رمان فونتنس «مهم‌ترین منظره» وقتی ۲۸ ساله بود منتشر شد که آن را می‌توان یک رمان کلاسیک معاصر به حساب آورد. با این همه فونتنس شهرتش را مدیون انتشار کتاب «آئورا» است. وی در این کتاب با بهره‌گیری از سنت‌های محلی و بومی مردمان پیرامونش، اثری قابل تامل خلق کرد. «ارکیده زیر مهتاب»، «بیگانه قدیمی»، «طبیعت در روشنایی»، «گرینگوی پیر» و «سال‌های لا اورا دیار» از دیگر آثار این نویسنده به شمار می‌آیند. در مطلب زیر، برگردان بخش‌هایی از گفت‌وگوی این نویسنده با خبرگزاری رویترز و روزنامه گاردین آمده است.

کارلوس فونتنس داستان نویس مکزیکی:

دردهای آدمی تمام نشدنی اند

این که چگونه می‌توان موضوع را به زبان امروز بیان کرد. البته چنان که خود شما هم می‌دانید، موضوعاتی که در جهان وجود دارند بسیار محدودند، هرچند که شاید جنسشان فرق کرده باشد. مثلاً اگر روزگاری دوری و فراق یکی از مشکلات انسان بود، حالا وسایل ارتباطی این مشکل را حل کرده اما آدم‌ها هنوز تنها نیستند. این بار جنس تنهایی فرق کرده است. آدم‌ها این روزها با وجود همه ارتباط‌هایی که دارند، تنها نیستند.

جهان ادبی آینده را چگونه می‌بینید؟

اکنون نویسندگان جوانی هستند که رمان‌های خارق‌العاده‌ای می‌نویسند که در آن هیچ اشاره‌ای به مکزیکی نشده است. اکنون برای نوشتن در مکزیکی لزومی ندارد با هویت مکزیکی سر و کار داشته باشی. ما می‌دانیم که هستیم. ما می‌دانیم که مکزیکی بودن به چه معنی است. به گمان من جهان در سوی حرکت به سمت و سویی است که آدم‌ها را به هم نزدیک‌تر می‌کند؛ اما باید دید که دل آدم‌ها هم به هم نزدیک می‌شود.

شما تکنولوژی را خطری برای ادبیات نمی‌دانید؟

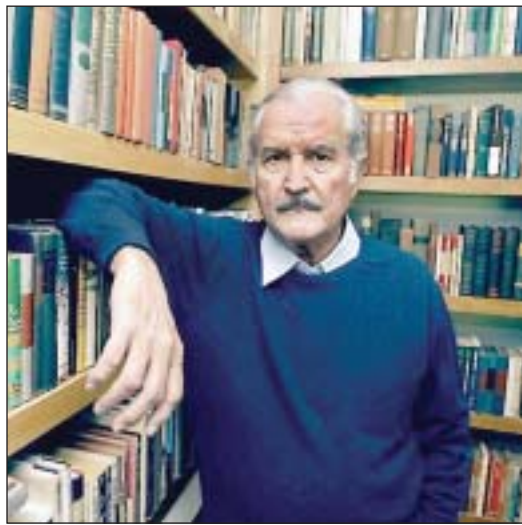
نه. اگر خطری برای ادبیات بتوان تصور شد، حماقت آدم‌هاست و گرنه بشر از روزی که خود را شناخته به ادبیات و قصه شنیدن احتیاج داشته است. در دوران مفرغ و سرب، بشر دور از آتش می‌نشست و قصه می‌شنید. حال هم در مترو و اتوبوس کتاب می‌خواند و یا پشت صفحه کامپیوترش به آخرین قصه‌ها توجه می‌کند. اگر شما دقت کرده باشید، کلمه (story) که گاه حتی برای خبر هم به کار می‌رود، نشأت گرفته از این میل آدمی است که او دوست دارد قصه بشنود.

شما از جمله نویسنده‌هایی هستید که از نوشتن لذت می‌برید. بارها هم به این نکته اشاره کرده‌اید. آیا هنوز هم اینچنین هستید؟

بله. صبح زود بیدار می‌شوم و تا ظهر بدون وقفه می‌نویسم. بعد کمی می‌خوابم، چون علاوه بر رفع خستگی به رویا نیز احتیاج دارم. بعد از بیدار شدن باز هم می‌نویسم. اما نه به شدت صبح. من آنقدر به نوشتن علاقه مندم که حتی گاهی قبل از آن که هواروشن شود از خواب بیدار می‌شوم و منتظرم تا صبح شود و کارم را از سر بگیرم. رمز خوشبختی این است که کاری را انجام دهی که از آن لذت ببری.

قصد بازنشسته شدن نداری؟

تا زمانی که دست‌انتم توان نوشتن داشته باشند؛ خواه‌م نوشت. به نظر من بازنشسته شدن برای نویسنده‌ای که از نوشتن لذت می‌برد بی‌معناست. به همین خاطر من خواه‌م نوشت و امیدوارم تا زمانی که زنده‌ام بتوانم بنویسم.



که صحبت کردن به زبان آلمانی را برای دخترش ممنوع می‌کند.

بله. این داستان ارتباط زیادی با زندگی خودم دارد. پدر بزرگ پدرم در نیمه دوم قرن نوزدهم از شهر دارمشتات در آلمان به وراکورو مهاجرت کرد. او می‌خواست در مکزیکی مزرعه قهوه راه بیندازد. اولین کار این بود که صحبت به آلمانی را در خانه ممنوع کرد. او می‌گفت، ما مکزیکی هستیم و باید اسپانیایی حرف بزنیم. برای همین بود که پدر بزرگ و مادربزرگم، آلمانی یاد نگرفتند. یک بار میلان کوندرا به من گفت، اگر کافکارا توانی به زبان آلمانی بخوانی، یعنی اصلاً نخوانده‌ای. این احساس، نوعی احساس دل‌تنگی، همیشه با من بوده که من زبان اج‌ادم را نمی‌توانم صحبت کنم.

اما شما در اینجا از فرهنگ اروپایی حمایت می‌کنید...

اتفاقاً نه. من همواره از اصالت فرهنگی حمایت می‌کنم. به باور من باید سنت‌ها و ارزش‌های ملی و بومی را حفظ کرد. اینها سرمایه‌های ما هستند و اگر این باورها را از دست بدهیم؛ نمی‌توانیم به سادگی آن را جبران کنیم. در آن رمان هم از دست دادن فرهنگ و زبانی مورد توجه بود که متأسفانه یک باور غلط آن را از بین برد.

اما مسئله هویت مسئله‌ای چندان تازه به حساب نمی‌آید؛ شما گمان نمی‌کنید دنیای ما به حرف‌های تازه‌ای نیاز دارد؟

همه چیز را دوباره باید گفت، ولی شیوه این گفتن را باید یافت. یعنی

شما همواره یکی از منتقدان سرسخت دولت آمریکا هستید، حتی اکنون که دولتی دموکرات در قدرت است شما باز هم با آنها مخالفید، چرا؟

به گمان من هر چند که در آمریکا، احزابی که بر سر قدرت می‌آیند بسیار تاثیرگذارند اما سیاست‌های دولت آمریکا را ساختاری تعیین می‌کند که چندان وابسته به دولت بر قدرت نیست.

این سیاست‌ها را یک لایه درونی هدایت و ترسیم می‌کند و این نکته سبب شود تا با تغییر یا جابه‌جایی قدرت توسط جمهوری خواهان با دموکرات‌ها، شاهد تغییر چندان در سیاست‌های کلان نباشیم. شاید کمی زود باشد که درباره تغییر اوباما صحبت کنیم اما می‌بینیم که تغییر چندان رخ نداده است.

اما شما به بوش هم انتقاد می‌کردید...

بله. او بدترین سیاستمداری است که می‌توان متصور شد و سیاست‌های او چنان لطمه‌ای به چهره مردم آمریکا زده که شاید بمب‌اتم نیز نتوانسته بود چنین کند. هیچ چیز قابل مقایسه با حماقت و جهل و نادانی او نیست. این رئیس جمهور واقعا فاجعه بود و شرایط خطرناکی را در جهان به وجود آورده بود. بوش گاهی به زبان اسپانیایی سخنرانی می‌کرد که من نه تنها از اسپانیایی او که از انگلیسی‌اش هم چیزی نمی‌فهمیدم. آمریکا برای پاک کردن حماقت‌های بوش باید هزینه‌های سنگینی بپردازد. واقعا باید شکرگزار باشیم که دیگر چنین فردی را در سیاست‌های خارجی یک کشور نمی‌بینیم؛ هر چند که معتقدم بخش مهمی از سیاست‌های بوش زاینده اصول نادرست در آمریکاست که به عنوان یک فرهنگ سیاسی پذیرفته شده است.

چندی دیگر پا به ۸۱ سالگی می‌گذارید. به عنوان یک نویسنده که حوادث زیادی را به چشم دیده، جهان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما باید به فرهنگ خود، تاریخ، سنت و حتی دل‌تنگی‌های خود ارزش بگذاریم و همزمان مبارزه برای برقراری عدالت و آزادی را فراموش نکنیم اما سنگینی این سختی‌ها بر جنبه‌های روشن زندگی در مکزیکی سایه می‌افکند. ما باید تلاش کنیم تا سایه آمریکا را از روی کشورمان پاک کنیم. همین‌طور خود را از فرهنگ صادراتی اروپا دور کنیم. هیچ کس مخالف تمدن نیست. اما فرهنگی که می‌تواند به عنوان ضدفرهنگ، تیشه به باورهای مردمی و قومی بزند چه بهتر که با تامل پذیرفته شود.

شما در رمان‌هایتان هم همواره این دغدغه را دارید. مثلاً در رمان «سال‌های لا اورا دیاز» سرنوشت یک خانواده مکزیکی در قرن بیستم را می‌خوانیم. پدر لا اورا دیاز، آلمانی مهاجر به مکزیکی است

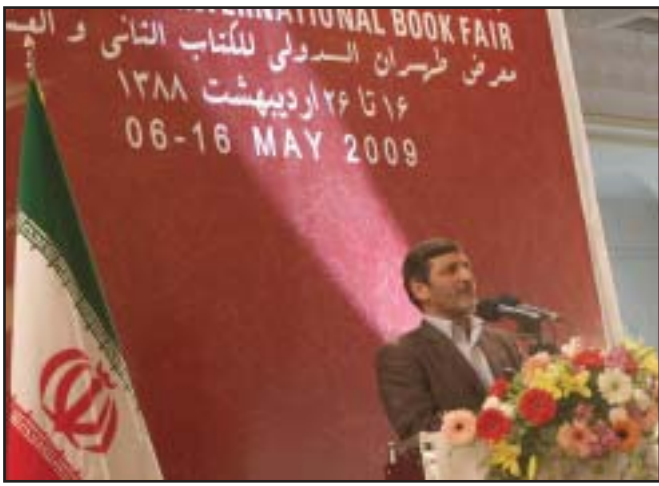
رمان تازه تالکین در فهرست پرفروش‌های آمریکا

موفق شد با رمان «میزبان» باز هم هشتمین جایگاه را به خود اختصاص داد. نویسنده در این کتاب حمله موجودات فضایی به زمین و مقاومت یک زن در برابر آن‌ها را به تصویر کشیده است. انتقام عاشق به قلم جی. آر. وارد هفتمین کتاب از مجموعه برادری صلیب سیاه محسوب می‌شود و در دومین هفته حضور در لیست پرفروش‌ها، از دومین جایگاه به ردیف نهم نقل مکان کرد. نویسنده در این مجموعه تلاش کرده تا دنیای متفاوت و خلاقانه‌ای از عشق به خواننده نشان دهد. این داستان نیز در میان جماعت خون‌آشام جریان دارد. این بار جایگاه دهم جدول پرفروش‌ها در اختیار افسانه سیگرد و گوردون یکی از نوشته‌های منتشر نشده جی. جی. تالکین قرار گرفت. کریستوفر تالکین با کمک انتشارات هگتون میفلین هارکورت موفق به انتشار این کتاب شد. تالکین این کتاب را قبل از «هائیت‌ها» و «آرباب حلقه‌ها» نوشته بود.

داستان این کتاب که پس از ۵ هفته همچنان پرفروش مانده، درباره «ما روموتسوی» است. ون کوچک سفید رنگ از سر و صداهای فراوانی به پا کرده و تلاش برای تعمیر آن فایده ندارد. روموتسوی به خرید اتومبیلی نو فکر می‌کند و با ورود به شهر با مشکلاتی رو به رو می‌شود... جایگاه فقط قلب مرا بگیر نوشته مری هیگینز کلارک پس از ۵ هفته تغییر نکرد و در مکان ششم باقی ماند. از این نویسنده تاکنون ۲۷ کتاب منتشر شده و تنها در آمریکا بیش از ۸۵ میلیون نسخه از کتاب‌هایش به فروش رسیده است. در این کتاب کارآگاهی که عمل پیوند قلب دارد، در حل و فصل پرونده جدیدش با مشکلات جدی و خطر مرگ مواجه می‌شود. استفانی می‌ره نویسنده‌ای محبوب که همچنان نبض بازار کتاب را در دست دارد، در پنجاه و دومین نوبت حضورش در میان نویسندگان برتر آمریکا

بزرگ ادامه می‌یابد. قاتل بسیار حرفه‌ای است و اثری از خود برجا نمی‌گذارد... کوتوله به قلم چاک پالانیوک اثر تازه وارد دیگری است که در بدو ورود موفق شد ردیف سوم جدول را در اختیار بگیرد. این رمان دهمین کتاب نویسنده محسوب می‌شود و درباره تروریسم در جهان است. گروهی جوان کوتاه قد از قبیله‌ای در یکی از مناطق دیکتاتوری برای رسیدن به مقاصد خود به میدوست می‌روند و با تغییر شکل و لباس مبدل طعمه‌های خود را شکار می‌کنند و... دیوید بالداجی با رمان «خانواده نخست» پس از ۳ هفته، از ردیف سوم به چهارم نقل مکان کرد. در این کتاب نماینده سابق یک آژانس سری مسئول یافتن فرزند یکی از دولتمردان در کمپ دیوید می‌شود و... این بار نیز همچون هفته قبل وقت عصراهنه سنتی به قلم الکساندر مک کال اسمیت نویسنده نام‌آشنای انگلیسی، پنجمین کتاب هفته شناخته شد.

این بار در حالی که «مرد» و از دست رفته اثر چارلین هریس در صدر جدول کتاب‌های پرفروش آمریکا جای گرفته، چند اثر تازه وارد دیگر نیز رده‌های این جدول را به تصرف خود درآورده‌اند. به گزارش (ایبنا) این رمان فانتزی درباره دختری به نام سوکی ستاک هاوس در لوئیزیانا است که خون مسئول خون آشامان در بدن او جریان دارد. اما پیدا شدن جسد یکی از گرگینه‌ها در محل کار سوکی موجب می‌شود تا او به دنبال یافتن قاتل برود. هشتمین اعتراف نوشته مشترک جیمز پترسو و ماکسین پائترو که هفته گذشته در نخستین حضورش در لیست پرفروش‌ها در صدر جدول قرار داشت، این بار در ردیف دوم جدول نشست. ماجرای این کتاب با یک میهمانی باشکوه در خانه مشهورترین زوج شهر یعنی آیزا و اتان بیلی آغاز می‌شود و با کشته شدن این زوج در این میهمانی



پایان نمایشگاه کتاب تهران طلیعه آغاز نمایشگاه های استانی

هفته گذشته بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در حالی به پایان رسید که بیش از ۵ میلیون نفر از آن دیدن کردند. پایان این جشن بزرگ ملی و فرهنگی آغازی است برای برگزاری جشن های استانی کتاب که هفته آینده مردم اهواز میزبان آن خواهند بود.

